

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کتاب معلم

(راهنمای تدریس و ارزشیابی)

عربی

پایه نهم

دوره اول متوسطه

۱۳۹۴





وزارت آموزش پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

برنامه ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

نام کتاب: کتاب معلم عربی پایه نهم دوره اول متوسطه - ۹۳

سرگروه تألیف: عادل اشکبوس

شورای مؤلفان: عادل اشکبوس، حبیب تقوایی، علی جان‌بزرگی، علی چراغی، اباذر عاچی، عبدالله یزدانی و فاطمه یوسف نژاد

ویراستار: محمدکاظم بهنیا

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران: خیابان ایرانشهرشمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وب سایت: www.chap.sch.ir

مدیر امور فنی و چاپ: لیدا نیک‌روش

عکاس: گورش اشکبوس، زهرا یوسف نژاد

صفحه آرا: خدیجه محمدی

حروفچین: زینب یوسف نژاد

مصحح: مریم جعفرعلیزاده، فاطمه صغری ذوالفقاری

امور آماده‌سازی خبر: فریبا سیر

امور فنی رایانه‌ای: حمید ثابت کلاچاهی، مینا سماوات

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن: ۵ - ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹-۳۷۵۱۵

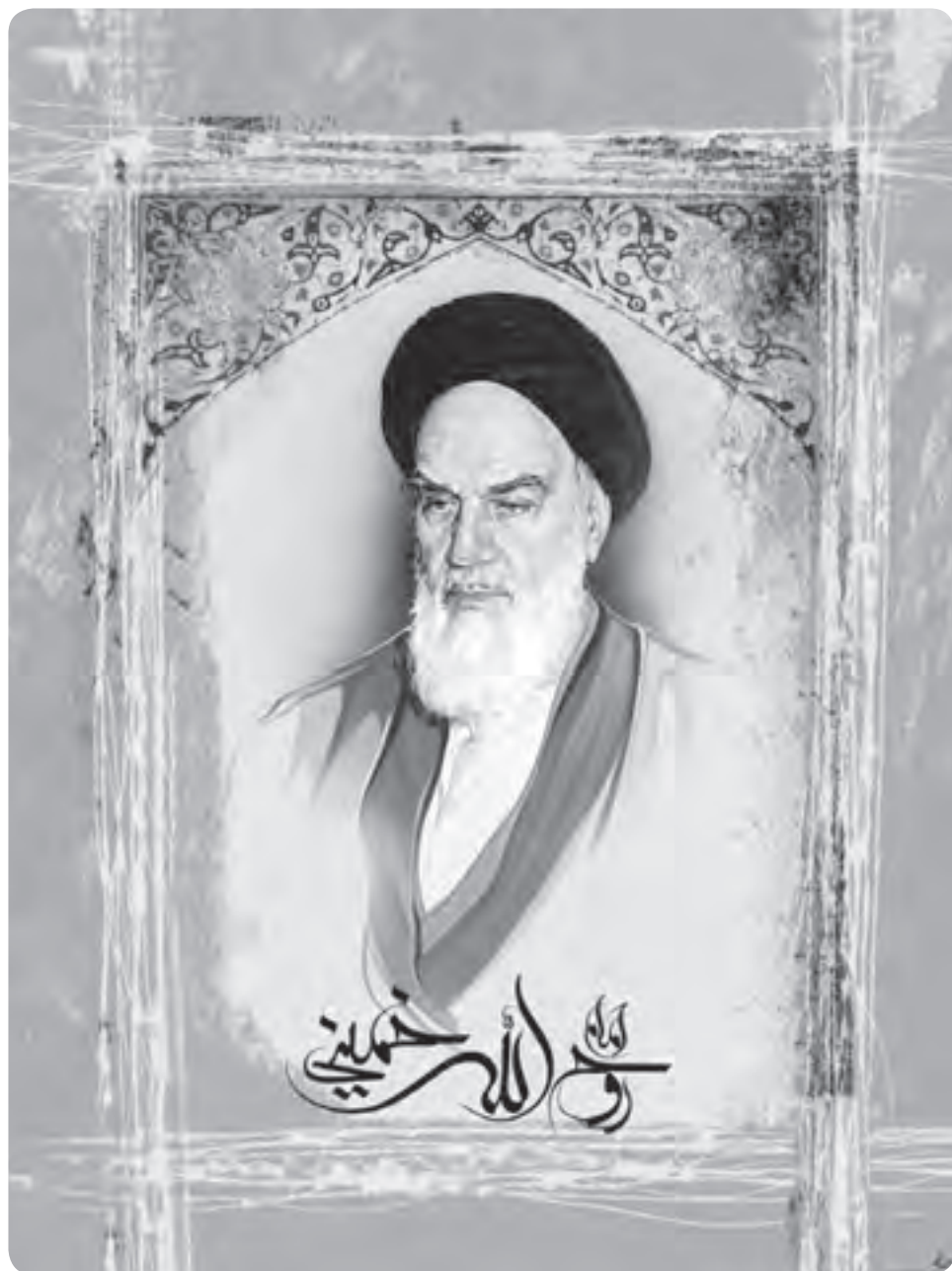
چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۳۹۴

حقوق چاپ محفوظ است.

ISBN 978-964-05-2416-9

شابک ۹-۲۴۱۶-۰۵-۹۶۴-۹۷۸



قال الإمام الخميني رحمه الله:
اللغة العربية لغة الإسلام و الإسلام للجميع.

فهرست

مقدمه

۱	بخش اول: طرح درس
۸	بخش دوم: بارم‌بندی و نمونه سؤال امتحانی
۲۲	بخش سوم: توضیحات مشترک در تدریس همهٔ درس‌های کتاب
۴۳	بخش چهارم: محتوای کتاب عربی پایهٔ نهم و چگونگی آموزش درس‌ها
۴۴	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ
۵۴	الدَّرْسُ الثَّانِي
۶۳	الدَّرْسُ الثَّلَاثُ
۷۰	الدَّرْسُ الرَّابِعُ
۸۰	الدَّرْسُ الْخَامِسُ
۸۸	الدَّرْسُ السَّادِسُ
۹۵	الدَّرْسُ السَّابِعُ
۱۰۵	الدَّرْسُ الثَّمَانُ
۱۱۵	الدَّرْسُ التَّاسِعُ
۱۲۲	الدَّرْسُ الْعَاشِرُ

مقدمه

خدای را سپاس که به ما توفیق دوباره داد؛ تا با نگارش سومین کتاب عربی به نوجوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی کرده باشیم. اهمیّت درس زبان عربی بر کسی پوشیده نیست.

در اصل شانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است:
«از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیّات فارسی کاملاً با آن آمیخته است؛ این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود».

در «برنامه درسی ملی» نیز در مورد قلمرو حوزه درس عربی چنین آمده است:
«... آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت‌های چهارگانه زبانی، یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه به میزانی است که دانش آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد».

در «برنامه درسی عربی» نیز درباره رویکرد و شیوه نگارش کتاب درسی آموزش زبان عربی چنین آمده است:

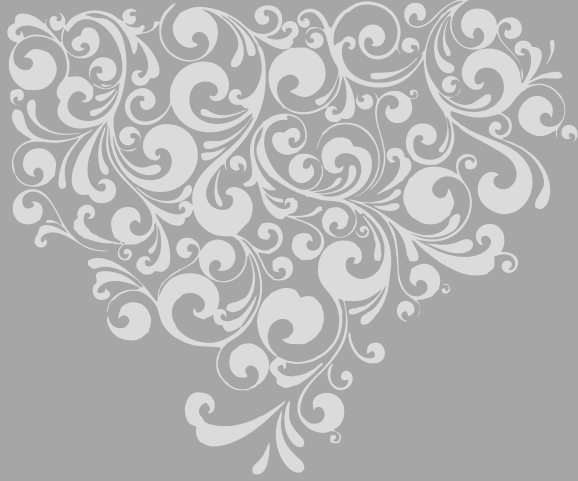
۱- رویکرد «پرورش مهارت‌های زبانی به منظور فهم عبارات و متون اسلامی و کمک به فهم بهتر زبان و ادبیّات فارسی» و حاکمیّت بخشی درک مطلب، کاربرد واژگان، جمله‌سازی و متن‌محوری به جای قاعده‌محوری؛

۲- کاستن از حجم قواعد و چشم‌پوشی از قواعدی که امکان نادیده‌گرفتن آنها در این فرایند آسیبی به رویکرد فهم عبارت و متن وارد نمی‌سازد. در عوض توجه بیشتر به متن و واژگان پرکاربرد و کلیدی؛

شایستگی مورد نظر برنامه درسی عربی از دانش‌آموزان:

برنامه درسی زبان عربی انتظار دارد دانش‌آموزان بتوانند در پایان دوره اول متوسطه به فهم عبارات کوتاه و ساده به کار رفته در متون دینی و ادبی و در پایان سه سال دوم به فهم ساختارها و متونی با گستردگی بیشتر نسبت به دوره اول متوسطه دست یابند. دانش‌آموز در متوسطه اول ۸۳۲ واژه پرکاربرد زبان عربی را یاد می‌گیرد. این واژه‌ها علاوه بر اینکه در زبان عربی پربسامد هستند، در متون دینی و ادبی ما نیز کاربرد فراوان دارند.

برای آگاهی درباره «شبکه مفهومی کتاب‌های عربی متوسطه اول» و «روش‌ها و منابع یاددهی-یادگیری» به کتاب معلم عربی هشتم مراجعه کنید.



بخش اول

طرح درس



به نام خدا طرح درس روزانه پیشنهادی - کتاب عربی پایه نهم				
نام دبیر:		تاریخ:		نام مدرسه:
درس:	موضوع درس:	صفحه:	مدت:	تهیه کننده:
دوم	قوانینُ المَرور	... تا ...	۷۵ دقیقه	
الف) بخش نظری: اهداف				
۱	رئوس مطالب	۱- متن درس ۲- کلمات جدید ۳- تشخیص حروف اصلی کلمات صحیح و سالم ۴- تشخیص وزن کلمات صحیح و سالم ۵- یادآوری کلمات عربی پایه هفتم و هشتم		
۲	اهداف کلی	۱- آشنایی با ۲۹ کلمه جدید و یادآوری کلمات پایه هفتم و هشتم؛ ۲- وزن و حروف اصلی؛ ۳- اهمّیت مقرّرات راهنمایی و رانندگی.		
۳	هدف های رفتاری	دانش آموز در پایان این درس باید بتواند: ۱- واژه های جدید درس را از عربی به فارسی ترجمه کند؛ ۲- متن درس را درست بخواند و بفهمد و ترجمه کند؛ ۳- حروف اصلی را در کلمات صحیح و سالم تشخیص دهد؛ ۴- وزن کلمات دارای حروف اصلی صحیح و سالم را تشخیص دهد؛ ۵- کلمات هم خانواده را با استفاده از قاعده حروف اصلی و وزن ذکر کند؛ ۶- با استفاده از شناخت ریشه کلمات درست بنویسد؛ ۷- املاي نادرست کلمات دارای ریشه عربی را اصلاح کند؛ ۸- معنای وزن فاعل و مفعول را تشخیص دهد.		
۴	رفتار ورودی	۱- با مفهوم ریشه کلمه در فارسی و عربی آشنا باشد؛ ۲- مفهوم حروف اصلی در عربی را بداند؛ ۳- مفهوم وزن را در عربی بداند؛ ۴- توانایی قرائت عبارات ساده عربی را داشته باشد.		



۵	ارزشیابی تشخیصی	<p>نتایج ارزشیابی زیر نقطه شروع آموزش را مشخص می‌کند.</p> <p>۱- بن ماضی و مضارع در زبان فارسی چیست؟</p> <p>۲- چرا در زبان فارسی کلماتی مانند عالم، معلوم، تعلیم و علیم را هم خانواده می‌نامند؟ (چه ویژگی‌ای باعث شده که آنها را هم خانواده بنامند؟)</p> <p>۳- دانستی هم خانواده‌های یک کلمه چه کمکی به املائی دانش آموز می‌کند؟</p>	
	نتیجه	در صورت پاسخ به این سؤالات، فراگیران آماده یادگیری مطالب جدید خواهند بود.	

اغلب معلمان توانا پس از چند سال تدریس عملاً طرح درس را در ذهن خود دارند. نوشتن طرح درس به منظور ساماندهی به روش تدریس و استفاده از تجربیات دیگران است. همچنین در طرح درس باید به ارزشیابی مستمر و دریافت بازخورد از یادگیری دانش آموز که در چنین آموزشی روی می‌دهد توجه شود. از آنجا که ترجمه متون و عبارات بر عهده دانش آموز است، در مواردی که دچار بدفهمی می‌گردد، معلم مشکلات یادگیری اش را کشف و آن را اصلاح می‌کند.



(ب) فرایند آموزش: مراحل تدریس و تنظیم محتوا

زمان	شرح	مراحل تدریس	
۴	قبل از شروع تدریس معلّم باید روش‌های مربوط به یاددهی و یادگیری مورد نظر خودش را مشخص کند.	معارفه	۱
۴	پرسش شفاهی سؤالات ارزشیابی ورودی از قبل آماده شده	ارزشیابی رفتار ورودی	۲
۵	علامت‌های راهنمایی و رانندگی: الف) چند علامت راهنمایی و رانندگی را به دانش‌آموزان نشان می‌دهیم و معنی‌شان را از آنان می‌پرسیم: مثال: تابلوی سبقت ممنوع را نشان می‌دهیم و سؤال می‌کنیم معنی‌اش چیست؟ ب) در صورت امکان و داشتن وقت، یک یا دو کلیپ مربوط به مسائل راهنمایی و رانندگی را نمایش می‌دهیم.	ایجاد انگیزه	۳
۲	در ادامه پرسش و پاسخ‌های بالا می‌گوییم: دانش‌آموزان گرامی، در این درس با این موضوعات آشنا می‌شویم. توجه به مقرّرات راهنمایی و رانندگی؛ بحث وزن و حروف اصلی + معنای مصدر.	معرفی درس و بیان اهداف	۴
۴۰	۱- از کتاب گویا برای آموزش قرائت صحیح کلمات جدید درس کمک می‌گیریم. ۲- دانش‌آموزان متن درس را قرائت و به کمک واژه‌نامه و زیر نظر ما ترجمه می‌کنند. ۳- بخش «بدانیم» را دانش‌آموزی می‌خواند و از سایرین درباره آن سؤال می‌کنیم.	شروع تدریس و ارائه درس	۵

۵	از دانش‌آموزان می‌خواهیم خلاصه قواعد درس را رنگی کنند و اهمیت این بخش را در املاي فارسی برای آنان شرح می‌دهیم.	خلاصه درس و نتیجه‌گیری	۶
۱۰	مشابه این سؤال‌ها را شفاهی از دانش‌آموزان می‌پرسیم: ۱- حروف اصلی حاکم، حکیم و محکوم چیست؟ ۲- هم‌خانواده‌های کلمه ناصر کدام‌اند؟ ۳- این کلمات بر چه وزنی‌اند؟ حمید، سعید و شریف	ارزشیابی بعد از تدریس	۷
-	حل داوطلبانه تمرینات درس به منظور آمادگی بهتر در جلسه آینده توضیح مهم: حل تمرینات و قرائت و ترجمه بخش کنز الحکمة، یا نور السماء مستقلاً در یک جلسه کامل انجام می‌شود و همه ساعت درس را به خود اختصاص می‌دهد.	تکلیف	۸
۵	۱- تهیه روزنامه دیواری درباره علامت‌های راهنمایی و رانندگی بنا به تشخیص دبیر و در صورت داشتن فرصت؛ ۲- یافتن «داستان»، «آیا می‌دانید که» و «ابتسامات» به زبان عربی؛ ۳- یافتن وبلاگ، وبگاه، نرم افزار آموزشی، پاورپوینت و تصاویر آموزشی مناسب.	معرفی فعالیت‌های خلاقانه	۹
۷۵	زمان تقریبی		

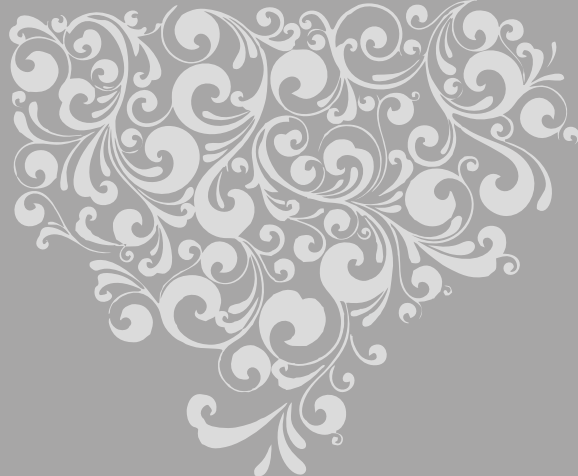


جدول زمان بندی سالانه پیشنهادی عربی پایه نهم

ماه	هفته	جلسه	تاریخ	درس	فعّالیت
مهر	اوّل	۱		۱	معارفه و تدریس احتمالی درس اوّل
	دوم	۲		۱	پرسش شفاهی، تدریس درس اوّل
	سوم	۳		۱	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس اوّل
	چهارم	۴		۲	آزمون کتبی کوتاه، تدریس درس دوم
آبان	اوّل	۵		۲	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس دوم
	دوم	۶		امتحان	امتحان از درس اوّل و دوم
	سوم	۷		۳	پرسش شفاهی، تدریس درس سوم
	چهارم	۸		۳	آزمون کتبی کوتاه، ادامه تدریس درس سوم
آذر	اول	۹		۴	پرسش شفاهی، تدریس درس چهارم
	دوم	۱۰		۴	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس چهارم
	سوم	۱۱		۵	پرسش شفاهی، تدریس درس پنجم
	چهارم	۱۲		۵	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس پنجم
دی	اوّل	۱۳		آزمون شفاهی	امتحان شفاهی
	دوم	۱۴		امتحانات	برگزاری امتحانات نوبت اوّل
	سوم	۱۵		امتحانات	ادامه برگزاری امتحانات نوبت اوّل
	چهارم	۱۶		۶	پرسش شفاهی، تدریس درس ششم

نیمسال اوّل

نیمسال دوم	بهمن	اول	۱۷	۶	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس ششم
		دوم	۱۸	۷	پرسش شفاهی، تدریس درس هفتم
		سوم	۱۹	۷	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس هفتم
		چهارم	۲۰	۸	آزمون کتبی کوتاه، تدریس درس هشتم
	اسفند	اول	۲۱	۸	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس هشتم
		دوم	۲۲	امتحان	امتحان درس ششم تا هشتم
		سوم	۲۳	دوره	دوره درس اول تا هشتم
		چهارم	۲۴	دوره	تعطیلی احتمالی یا دوره درس اول تا هشتم
	فروردین	اول	۲۵	—	تعطیلی عید نوروز
		دوم	۲۶	—	تعطیلی عید نوروز
		سوم	۲۷	۹	پرسش شفاهی، تدریس درس نهم
		چهارم	۲۸	۹	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس نهم
	اردیبهشت	اول	۲۹	۱۰	پرسش شفاهی، تدریس درس دهم
		دوم	۳۰	۱۰	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس دهم
		سوم	۳۱	شفاهی	آزمون شفاهی (قرائت و مکالمه)
		چهارم	۳۲	امتحان	حل نمونه سؤال امتحان پایان سال



بخش دوم

بارمبندی

و

نمونه سؤال امتحانی



بارم‌بندی امتحان کتبی عربی پایه نهم نوبت اول

(از درس اول تا پایان درس پنجم) ۱۵ نمره

جمع	نمره	موضوع	نمره	مهارت‌های زبانی
۷ نمره	۴/۵	ترجمه جمله‌های عربی به فارسی	۱	الف) مهارت ترجمه
	۲	ترجمه آیات و احادیث از عربی به فارسی	۲	
	۰/۵	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۳	
۲ نمره	۰/۵	نوشتن اسم هر تصویر به زبان عربی (دو تصویر)	۱	ب) مهارت واژه‌شناسی
	۰/۵	مترادف و متضاد (همانند هم‌رینات کتاب)	۲	
	۰/۵	نوشتن معنای کلمه در جمله (زیر دو کلمه در جمله خط کشیده شود و ترجمه آنها خواسته شود).	۳	
	۰/۵	تشخیص کلمه ناهماهنگ در میان چهار گزینه (دو مورد)	۴	
۲ نمره	۰/۵	تشخیص وزن و حروف اصلی	۱	ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد
	۰/۵	تعیین فعل ماضی و مضارع مناسب در جای خالی جمله (سؤال دو گزینه‌ای)	۲	
	۱	تعیین فعل امر و نهی مناسب در جای خالی جمله (سؤال دو گزینه‌ای)	۳	
۳ نمره	۱	سؤال جورکردنی از کاربرد واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به ستون دوم» (چهار مورد) و یا ارائه پنج کلمه که یکی اضافه است و چهار جمله دارای جای خالی که باید جای خالی با کلمه مناسب کامل شود. یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال دو گزینه‌ای)	۱	د) مهارت درک و فهم
	۲	درک مطلب (ارائه متن و طراحی چهار سؤال با چهار کلمه پرسشی خوانده شده)، یا (ارائه چهار جمله و تعیین درست و غلط آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا بر اساس متن ارائه شده در برگه امتحانی)	۲	
۱ نمره	۱	پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای به جمله‌های پرسشی مصور دارای حروف و اسماء استفهام. شامل دو جمله پرسشی با «هل یا أ، این، من، ما و ما هو و ما هی و ماذا، کم، لماذا، متی و کیف»	۱	ه) مهارت مکالمه
	۱۵	جمع نمره‌ها		

تذکرات: (برای طرّاحی سؤال در نوبت اوّل و دوم و میان نوبت)

۱- در طرّاحی سؤال امتحان نوبت اوّل طرّاح مجاز است تا یک نمره در بارم‌بندی تغییراتی اجرا نماید، ولی در نوبت دوم باید بارم‌بندی دقیقاً رعایت گردد.

۲- بار اصلی سؤالات امتحانی ترجمه از عربی به فارسی و کاربرد واژگان است که باید تنوع داشته باشد.

۳- در بسیاری از موارد سؤالات بخش‌های مختلف با هم تلفیق می‌شوند و تفکیک مهارت‌های زبانی امکان ندارد؛ مثلاً در بخش مهارت ترجمه، امکان دارد در یک جمله چند مفهوم مختلف هم‌زمان بیاید.

۴- از افعال ثلاثی مجرد صحیح و سالم در امتحان سؤال داده شود؛ در کتاب درسی، افعالی مانند قال و یقول نیز به کار رفته است. اگر در طرح سؤال فعل غیر ثلاثی مجرد صحیح و سالم مستقیماً مورد سؤال واقع نشود، اشکالی در طرح آن نیست؛ مانند اینکه ترجمه جمله‌ای از جملات کتاب خواسته شود که این فعل در آنها به کار رفته است. هرچند بهتر آن است که در طرح سؤال از چنین افعالی پرهیز شود.

۵- در طرّاحی سؤالات مترادف و متضاد فقط از موارد طرح شده در کتاب سؤال طرّاحی شود و چنین سؤالی طرح نشود: «متضاد قُبْح را بنویسید.» بلکه سؤال داده شود «کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید.»

۶- در طرح سؤال از وزن و حروف اصلی فقط باید از کلمات صحیح و سالم و آشنا استفاده کرد و چنین کلماتی نیز طرح نشود: ملائکة و مأیوس. حتی وزن کلمه‌هایی مانند استراق و استماع که دانش‌آموز به جای افتعال، استفعال می‌نویسد و نیز انتظار که احتمال دارد به جای افتعال، انفعال پاسخ دهد؛ کلماتی مانند انتقام نیز در امتحان نباید طرح شود؛ زیرا حروف اصلی «ن ق م» برای دانش‌آموز ناآشناست.

۷- فونت‌های زیر برای تایپ سؤالات امتحان عربی مناسب‌اند:

Traditional Arabic, B Badr, (عثمان طه), KFGQPC Uthman Taha NaskhT, Adobe Arabic
Simplified Arabic

۸- طرح سؤال امتحان میان نوبت و نوبت اوّل و دوم از ۱۵ نمره است و در برگه امتحان میزان کسب نمره شفاهی به تفکیک (روان‌خوانی و مکالمه) مشخص گردد؛ یعنی اگر سؤالات ۱۲ مورد است؛ مورد سیزدهم درج نمره روان‌خوانی و مورد چهاردهم درج نمره مکالمه است.



۹- در بخش قواعد شیوه طرح سؤال فقط بر مبنای تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی در جمله و تعیین فعل مناسب برای جای خالی است؛ مثال:

در جای خالی فعل مناسب بنویسید. یا أُخِي ... إِلَى بَيْتِكَ. (ارْجِعْ □ اِرْجِعُوا □)

۱۰- سؤالات چندگزینه‌ای باید فقط دو گزینه داشته باشد. (جز بخش کلمات ناهماهنگ که چهار کلمه داده می‌شود).

۱۱- ترجمه جمله یا کلمه از فارسی به عربی در امتحان طرّاحی نشود. (در هر سه کتاب عربی هفتم، هشتم و نهم)

بارم‌بندی امتحان کتبی عربی پایه نهم نوبت دوم			
(از درس اول تا پنجم تقریباً ۴ نمره و درس ششم تا پایان درس دهم تقریباً ۱۱ نمره)			
مهارت‌های زبانی	نمره	موضوع	نمره
الف) مهارت ترجمه	۱	ترجمه آیات و احادیث از عربی به فارسی	۲
	۲	ترجمه جمله‌های عربی به فارسی	۴/۵
	۳	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۰/۵
ب) مهارت واژه شناسی	۱	نوشتن اسم هر تصویر به زبان عربی (دو تصویر)	۰/۵
	۲	مترادف و متضاد (همانند تمرینات کتاب)	۰/۵
	۳	نوشتن معنای کلمه در جمله (زیر دو کلمه در جمله خط کشیده شود و ترجمه آنها خواسته شود).	۰/۵
	۴	تشخیص کلمه ناهماهنگ در میان چهار گزینه (دو مورد)	۰/۵
ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد	۱	تشخیص وزن یا حروف اصلی	۰/۵
	۲	تعیین فعل ماضی و مضارع مناسب در جای خالی جمله (سؤال دو گزینه‌ای)	۰/۵
	۳	تعیین فعل امر، یا نهی مناسب در جای خالی جمله (سؤال دو گزینه‌ای)	۱

۳نمره	۱	سؤال جورکردنی از کاربرد واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به ستون دوم» (چهار مورد) و یا ارائه پنج کلمه که یکی اضافه است و چهار جمله دارای جای خالی که باید جای خالی با کلمه مناسب کامل شود. و یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال دو گزینه‌ای)	۱	د) مهارت درک و فهم
	۲	درک مطلب (ارائه متن و طراحی چهار سؤال با چهار کلمه پرسشی خوانده شده) یا (ارائه چهار جمله و تعیین درست و غلط آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا بر اساس متن ارائه شده در برگه امتحانی)	۲	
۱نمره	۱	پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای به جمله‌های پرسشی مصور دارای حروف و اسماء استفهام. شامل دو جمله پرسشی با «هل، یا، این، من، ما و ما هو و ما هی و ماذا، کم، لِمَاذا، متى، کیف»	۱	ه) مهارت مکالمه
	۱۵	جمع نمره‌ها		

تذکرات: (برای طراحى سؤال در نوبت اول و دوم و میان نوبت)

- ۱- در طراحى سؤال امتحان نوبت اول طراح مجاز است تا یک نمره در بارم‌بندی تغییراتی اجرا نماید؛ ولی در نوبت دوم چون امتحان نهایی است، باید بارم‌بندی دقیقاً رعایت گردد.
- ۲- بار اصلی سؤالات امتحانی ترجمه از عربی به فارسی و کاربرد واژگان است که باید تنوع داشته باشد.
- ۳- در بسیاری از موارد سؤالات بخش‌های مختلف با هم تلفیق می‌شوند و تفکیک مهارت‌های زبانی امکان ندارد؛ مثلاً در بخش مهارت ترجمه، امکان دارد در یک جمله چند مفهوم مختلف هم‌زمان بیاید.
- ۴- از افعال ثلاثی مجرد صحیح و سالم در امتحان سؤال داده شود؛ در کتاب درسی افعالی مانند قال و یقول نیز به کار رفته است. اگر در طرح سؤال فعل غیر ثلاثی مجرد صحیح و سالم مستقیماً مورد سؤال واقع نشود، اشکالی در طرح آن نیست؛ مانند اینکه ترجمه جمله‌ای از جملات کتاب خواسته شود که این فعل در آنها به کار رفته است. هرچند بهتر آن است که در طرح سؤال از چنین افعالی پرهیز شود.

۵- در طرّاحی سؤالات مترادف و متضاد فقط از موارد طرح شده در کتاب سؤال طرّاحی شود و چنین سؤالی طرح نشود: «متضاد قُبْح را بنویسید.» بلکه سؤال داده شود «کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید.»

۶- فونت‌های زیر برای تایپ سؤالات امتحان عربی مناسب‌اند:

Traditional Arabic, B Badr, KFGQPC Uthman Taha NaskhT, Adobe Arabic
Simplified Arabic

۷- طرح سؤال امتحان میان نوبت و نوبت اوّل و دوم از ۱۵ نمره است و در برگه امتحانی میزان کسب نمره شفاهی به تفکیک (روان خوانی و مکالمه) مشخص شود؛ یعنی اگر سؤالات ۱۲ مورد است؛ مورد سیزدهم درج نمره روان خوانی و مورد چهاردهم درج نمره مکالمه است.

۸- در بخش قواعد شیوه طرح سؤال فقط بر مبنای تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی در جمله و تعیین فعل مناسب برای جای خالی است؛ مثال: در جای خالی فعل مناسب بنویسید.

یا أَخِي ... إِلَى بَيْتِكَ. (ارْجِعْ □ □ اِرْجِعُوا □)

۹- سؤالات چندگزینه‌ای باید فقط دو گزینه داشته باشد. (جز بخش کلمات ناهماهنگ که چهار کلمه داده می‌شود).

۱۰- ترجمه جمله یا کلمه از فارسی به عربی در امتحان طرّاحی نشود. (در هر سه کتاب عربی هفتم، هشتم و نهم)

۱۱- طرح سؤال از ترکیب اضافی و وصفی که صفت بعد از مضاف و مضاف الیه واقع می‌شود، باید فقط از تمرینات کتاب باشد و هیچ تغییری در آن داده نشود و حتماً سؤال در جمله طرح شود؛

مثال:

ترجمه کنید: أَشْكُرُّكَ عَلَى عَمَلِكَ الصَّالِحِ. نباید ترجمه «عملك الصالح» بیرون از جمله داده شود. نباید مطلقاً چنین سؤالی در هیچ آزمونی طرح شود:

ترجمه کنید: حَقِيقَةُ التَّلْمِيذَةِ النَّظِيفَةِ.

زیرا مطابق با اهداف آموزشی کتاب نیست. دانش‌آموز نمی‌داند «حَقِيقَةُ التَّلْمِيذَةِ النَّظِيفَةِ» را به چه صورت معنا کند. «کیف دانش‌آموز تمیز است.» یا «کیف دانش‌آموز تمیز».

۱۲- در ساعت خوانی فقط چنین حالت‌هایی در امتحان طرّاحی می‌گردد: الْخَامِسَةُ، الْخَامِسَةُ وَالرُّبْعَ، الْخَامِسَةُ إِلَّا رُبْعًا، الْخَامِسَةُ وَالنُّصْفَ. بنابراین ساعت‌هایی مانند الْخَامِسَةُ وَخَمْسٌ وَعِشْرُونَ دَقِيقَةً یا الْخَامِسَةُ إِلَّا ثَلَاثًا نباید طرح شود.

مهارت‌ها	شماره	موضوع	نمره
مهارت‌های خواندن، شنیدن و سخن‌گفتن	۱	روان‌خوانی (خواندن بدون مکث و خطا و تلفظ نسبتاً صحیح مخارج حروف)	۳
	۲	مکالمه ساده در حد کتاب درسی به صورت پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی (سؤال با جملات دارای ما، ماذا، ما هو، ماهی، مَنْ، لِمَنْ، أَيْنَ، مِنْ أَيْنَ، كَمْ، هَلْ، أ، متی، کیف، لماذا)	۲
جمع نمره‌ها			
			۵

تذکرات:

- ۱- تلفظ درست برخی مخارج حروف خاصّ زبان عربی (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، و) دشوار است و از عهده اکثریت دانش‌آموزان بر نمی‌آید؛ لذا درخواست می‌گردد از سخت‌گیری در این زمینه خودداری شود. اما از دانش‌آموزان خواسته شود حتی‌الامکان حروف خاصّ عربی را درست بر زبان آورند.
- ۲- در پاسخ به جمله‌های پرسشی به پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای بسنده شود؛ مثلاً اگر در پاسخ سؤال «ما اسمك؟» اسمش را بگوید: کاملاً درست است و نیازی نیست پاسخ دهد: «إسمي ...» در بخش مکالمه فهم سؤال نیمی از نمره را دارد.
- ۳- یکی از موارد امتحانی می‌تواند این باشد که از دانش‌آموز بخواهیم خودش را به زبان عربی در دو دقیقه معرفی کند. یا اگر فعالیت در زمینه نمایش و مکالمه در کلاس داشت می‌توان به عنوان نمره امتحان شفاهی از آن استفاده کرد.
- ۴- طبیعی است که در یک روز نمی‌توان از همه دانش‌آموزان آزمون روانی و مکالمه به عمل آورد؛ بنابراین، هرآنچه را دانش‌آموز در طول سال تحصیلی می‌خواند و مجموعه فعالیت‌های شفاهی و مکالمه وی نمره شفاهی‌اش را تشکیل می‌دهد. مبنای نمره‌دهی آخرین و بهترین وضعیت مهارت شفاهی اوست.
- ۵- رعایت ظرافت‌های صرفی و نحوی در مکالمه در حد دانش‌آموز پایه نهم نیست. مخصوصاً اینکه او باید در پاسخ‌گویی سرعت عمل داشته باشد و فرصت کافی برای فکر کردن ندارد؛ از طرفی آزمون شفاهی اضطراب دارد؛ با توجه به این موارد از دیر ارجمند درخواست می‌گردد این بخش را با نرمش و مهربانی برگزار کند تا دانش‌آموز خاطره خوش از مکالمه داشته باشد و زمینه مثبتی در ذهن او برای سال‌های آینده وجود داشته باشد.





نمونه سؤال
امتحان
نوبت اول و دوم



به نام خدا ؛ امتحان عربی پایه نهم ؛ نوبت اول ؛ از پنج درس ؛ وقت: ۷۰ دقیقه ؛ تاریخ: / ۱۰ /

منطقه: نام طراح: نام و نام خانوادگی:

(الف) مهارت ترجمه (هفت نمره)

ردیف	پرسش	نمره
۱	جمله‌های زیر را به فارسی ترجمه کنید. ۱- ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾ ۲- الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ ۳- جَلَسَ سَجَادًا عَلَى الْمَائِدَةِ مَعَ أُسْرَتِهِ حَزِينًا ۴- أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ دُرُوسِي ۵- السَّفِينَةُ انْكَسَرَتْ قَلِيلًا وَلَكِنَّهَا مَا عَرِقَتْ ۶- أَنْتَ لَا تَقْدِرُ، لِمَ تُحَاوِلُ؟ اِقْبَلْ مَصْرِكَ ۷- جَاءَ شُرْطِيُّ الْمُرُورِ وَ شَرَحَ الْإِشَارَاتِ الْأَلَزِمَةَ	۱ ۱ ۱ ۰/۵ ۱ ۱ ۱
۲	ترجمه درست را انتخاب کنید. ۱- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. (الف) دشمن خردمند بهتر از دوست بی‌خرد است. <input type="checkbox"/> (ب) دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است. <input type="checkbox"/> ۲- صَعَّ النَّجَّارُ جِسْرًا عَلَى النَّهْرِ، فَغَضِبَ حَمِيدٌ وَقَالَ: مَاذَا فَعَلْتَ؟ (الف) نجار پلی روی رودخانه ساخت، حمید عصبانی شد و گفت: چه کار کردی؟! <input type="checkbox"/> (ب) نجار روی رود پل می‌سازد، حمید خشمگین می‌شود و می‌گوید: چه می‌کنی؟! <input type="checkbox"/>	۰/۵
مهارت واژه‌شناسی (دو نمره)		
۳	نام هر تصویر را به عربی کنار آن بنویسید. (فَرَسٌ / تَعَلَّبٌ / سَيَّارَةٌ / صَحِيفَةٌ) <div style="display: flex; justify-content: space-around; align-items: center;"> <div style="text-align: center;">  <p>هَذِهِ مَسَائِيَةٌ.</p> </div> <div style="text-align: center;">  <p>هَذَا مَكَّارٌ.</p> </div> </div>	۰/۵


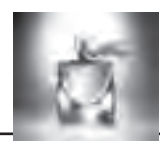
۰/۵	کلمات مترادف و متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید. (دو کلمه اضافی است). جَمِيل / يَمِين / بُسْتَان / شِرَاء / حَدِيقَةٌ / قَبِيح = #	۴
۰/۵	کلمات مشخص شده را به فارسی ترجمه کنید. «نِعْمَتَانِ» مَجْهُولَتَانِ «الصَّحَّةُ» وَ الْأَمَانُ.	۵
۰/۵	کدام کلمه با سایر کلمات از نظر معنا ناهماهنگ است؟ الف) عامِل <input type="checkbox"/> مِضْبَاح <input type="checkbox"/> حَلَوَانِي <input type="checkbox"/> شُرْطِي <input type="checkbox"/> ب) فُنْدُق <input type="checkbox"/> سَمَح <input type="checkbox"/> فَاكِهَةٌ <input type="checkbox"/> مَكْتَبَةٌ <input type="checkbox"/>	۶
مهارت شناخت و کاربرد قواعد (دو نمره)		
۰/۵	وزن کلمه «حامد» و حروف اصلی کلمه «مَنصُور» را بنویسید.	۷
۰/۵	در جاهای خالی فعل ماضی و مضارع مناسب بنویسید. الف) هُوَ لِإِذٍ الطُّلَابُ..... كُرَّةُ الْقَدَمِ الْيَوْمَ. <input type="checkbox"/> يَلْعَبُونَ <input type="checkbox"/> لَعِبْتُمَا <input type="checkbox"/> ب) يَا أصدقائي، أَنْتُمْ فِي الْمُسَابَقَةِ أَمْسٍ؟ نَجَحْتَا <input type="checkbox"/> نَجَحْتُمْ <input type="checkbox"/>	۸
۱/۵	در جاهای خالی فعل امر و نهی مناسب بنویسید. الف) يَا طِفْلَهُ، لَا تَصْرُخِي. ب) يَا طَالِبَانِ، كَلَامِي بِدِقَّةٍ. ج) يَا زَمِيلِي، أصدُقْ فِي الْحَيَاةِ وَ د) أَيُّهَا النَّاسَ، أَنْ كِهَالَ الدِّينِ طَلَبَ الْعِلْمِ وَ الْعَمَلِ بِهِ. اعْلَمِي <input type="checkbox"/> اعْلَمُوا <input type="checkbox"/>	۹
مهارت درک و فهم (سه نمره)		
۱	هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک گزینه اضافه است.» ۱- قاطِعُ الرَّحِمِ <input type="radio"/> هُوَ الَّذِي لَا يَذْهَبُ لِمُزَارَاةِ أُسْرَتِهِ وَ أَقْرَبَائِهِ. <input type="radio"/> ۲- أَلْجَامِعَةُ <input type="radio"/> أَحْشَابٌ مُنَاسِبَةٌ لِإِخْتِرَاقِ فِي النَّارِ. <input type="radio"/> ۳- أَلْخَطْبُ <input type="radio"/> مَكَانٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِي بَعْدَ الْمَدْرَسَةِ. <input type="radio"/> ۴- أَلدُّخَانُ <input type="radio"/> الشَّيْءُ الَّذِي يَصْعَدُ مِنَ النَّارِ. <input type="radio"/> ۵- الْفَرَجُ <input type="radio"/>	۱۰

۱	<p>(درک مطلب) با توجه به متن گزینۀ درست را انتخاب کنید.</p> <p>أنا طالبٌ فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ. إسمي إسحاق. لي أُختان: مَهْدِيمٌ وَ لالين، هُما صَغِيرَتانِ فَلَا تَذْهَبانِ إِلَى المَدْرَسَةِ وَ عِنْدِي ثَلَاثَةُ إِخْوَةٍ: هاشِمٌ وَ جَوادٌ وَ صادِقٌ. هاشِمٌ أَكْبَرُ أولادِ الأُسْرَةِ؛ هُوَ تَخَرَّجَ مِنَ المَدْرَسَةِ وَ الآنَ هُوَ حَلوانِيٌّ. جَوادٌ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ وَ صادِقٌ فِي الصَّفِّ الرَّابِعِ. نَحْنُ مِنْ مَدِينَةِ «سراوان» فِي مُحافَظَةِ «سيستان و بلوستان».</p> <p>۱- لا تَذْهَبُ مَهْدِيمٌ وَ لالين إِلَى المَدْرَسَةِ؛ لِأَنَّهُما ... <input type="checkbox"/> صَغِيرَتانِ <input type="checkbox"/> مَرِيضَتانِ</p> <p>۲- هاشِمٌ تَخَرَّجَ مِنَ المَدْرَسَةِ وَ هُوَ ... <input type="checkbox"/> حَدادٌ <input type="checkbox"/> حَلوانِيٌّ</p> <p>۳- تَعيشُ هَذِهِ الأُسْرَةُ فِي ... <input type="checkbox"/> القَرِيَةِ <input type="checkbox"/> المَدِينَةِ</p> <p>۴- إسحاقٌ فِي الصَّفِّ ... <input type="checkbox"/> التَّاسِعِ <input type="checkbox"/> الرَّابِعِ</p>	۱۱
۱	<p>درستی و نادرستی هر جمله را بر اساس واقعیت معلوم کنید.</p> <p>(الف) أَلْعَلُّمُ فِي الصَّعْرِ كَالنَّقْشِ فِي الحَجَرِ.</p> <p>(ب) ذَهَبَ المَرءُ حَيرَ مِنْ أَدْبِهِ وَ سَرَفِهِ.</p> <p>(ج) إِنَّ الحَسَدَ يَأْكُلُ الحَسَناتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الحَطَبَ.</p> <p>(د) أَلعالمُ الحَقِيقِيُّ يَكْتُمُ عِلْمَهُ وَ لا يَنْفَعُ الآخَرِينَ.</p>	۱۲
مهارت مکالمه (یک نمره)		
۱	<p>با توجه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.</p> <div style="display: flex; justify-content: space-around; align-items: center;">  <div style="text-align: right;"> <p>ماذا فِي هَذِهِ السَّاحَةِ؟</p> </div> </div> <div style="display: flex; justify-content: space-around; align-items: center; margin-top: 20px;">  <div style="text-align: right;"> <p>كَمْ كُرْسِيًّا حَولَ المِنضَدَةِ؟</p> </div> </div>	۱۳
نمره شفاهی		
۳	روان خوانی	۱۴
۲	مکالمه	۱۵



به نام خدا؛ امتحان عربی پایه نهم؛ نوبت دوم؛ وقت: ۷۰ دقیقه؛ تاریخ:/۳/.....

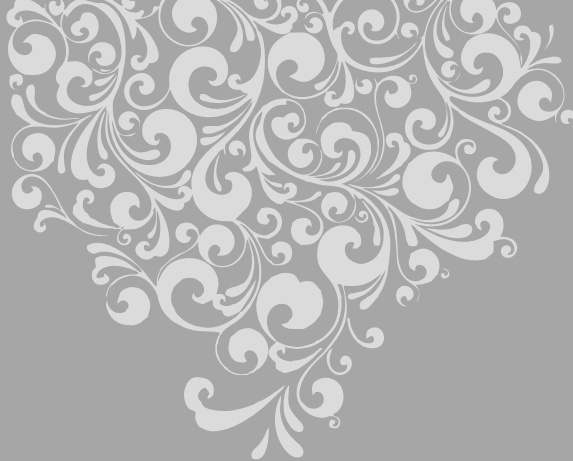
منطقه: نام طراح: نام و نام خانوادگی:

الف) مهارت ترجمه (هفت نمره)

ردیف	پرسش	نمره
۱	جمله‌های زیر را به فارسی ترجمه کنید. ۱- ﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي﴾ ۲- أَنْظُرْ إِلَيَّ مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَيَّ مَنْ قَالَ ۳- شُكْرًا جَزِيلًا يَا سَيِّدِي، أَنْتَ غَيَّرْتَ حَيَاتِي ۴- اِديسون أَحَبَّ الْكِيمِيَاءَ؛ فَصَنَعَ مُخْتَبَرًا صَغِيرًا ۵- قَالَ السَّائِقُ: أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. تَفَضَّلُوا؛ ارْكَبُوا ۶- يوجَدُ فيتامين «أ» في النَّبَاتَاتِ وَ الْفَوَاكِهِ بِاللَّوْنِ الْأَصْفَرِ ۷- الْأَخَامِيسَةُ إِلَّا رُبْعًا	۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۰/۵
۲	ترجمه درست را انتخاب کنید. ۱- سَيَأْتِي الْقَاضِي إِلَيَّ غَدًا؛ فَاذْخُلْ عَلَيْنَا فِي الْمَجْلِسِ. الف) دیروز قاضی پیش من آمد و به مجلس وارد شد. <input type="checkbox"/> ب) قاضی فردا نزد من خواهد آمد؛ پس در مجلس پیش ما بیا. <input type="checkbox"/> ۲- عَصْفُورٌ فِي الْيَدِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرَةِ عَلَى الشَّجَرَةِ. الف) گنجشکی در دست بهتر از ده تا بر درخت است. <input type="checkbox"/> ب) پرنده‌ای در دست بهتر از نه تا روی درخت است. <input type="checkbox"/>	۰/۵
مهارت واژه‌شناسی (دو نمره)		
۳	نام هر تصویر را به عربی کنار آن بنویسید. (بَطَّارِيَّةٌ / مُسَجِّلٌ / مَمَرٌ مُشَاةٌ / زُجَاجَةٌ) <div style="display: flex; justify-content: space-around; align-items: center;"> <div style="text-align: center;">  <p>هَذَا</p> </div> <div style="text-align: center;">  <p>هَذِهِ</p> </div> </div>	۰/۵
۴	کلمات مترادف و متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید. (دو کلمه اضافه است). اِسْتَلَمَ / حَرْبٌ / فَجَاءَهُ / قُبِحَ / دَفَعَ / بَغْتَةً = #	۰/۵
۵	کلمات مشخص شده را به فارسی ترجمه کنید. مَن «كَثُرَ» كَلَامُهُ كَثُرَ خَطْوُهُ، وَ مَن كَثُرَ خَطْوُهُ «قَلَّ» حَيَاؤُهُ.	۰/۵

۰/۵	<p>کدام کلمه با سایر کلمات از نظر معنا ناهماهنگ است؟</p> <p>الف) مِشَمِش □ لَیْمون □ تَفَاح □ تَعَب □ ب) لِسَان □ طَیَار □ حَدَاد □ حَبَاز □</p>
<p>مهارت شناخت و کاربرد قواعد (دو نمره)</p>	
۰/۵	<p>۷ وزن کلمه «حامد» و حروف اصلی کلمه «مفتوح» را بنویسید.</p>
۱/۵	<p>۸ در جاهای خالی فعل مناسب بنویسید.</p> <p>الف) ﴿إِنَّ اللَّهَ..... الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾</p> <p>ب) أَوْلَيْكَ الْبِتَانُ مِنَ الصَّفِّ أَمْسِ.</p> <p>ج) يَا طَالِبَتَانِ، مَعًا.</p> <p>د) يَا حَبِيبِي، كَلَامِي.</p> <p>ه) الْجُنْدِيُّ الشُّجَاعُ إِلَى سَاحَةِ الْحَرْبِ عَدَاً. سَوْفَ يَدَهَبُ □ دَهَبَا □</p> <p>و) مَاذَا؟ أَنَا كَتَبْتُ دَرْسِي. كَتَبْتُ □ كَتَبْتِ □</p> <p>يَغْفِرُ □ أَغْفِرُ □ سَتَرَجِعَانِ □ رَجَعَنْ □ لَاتَرْجِعِي □ إِرْجِعَا □ إِسْمَعُ □ لَاتَسْمَعُوا □</p>
<p>مهارت درک و فهم (سه نمره)</p>	
۱	<p>۹ هر جمله را به کلمه مربوط به آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.»</p> <p>۱- النَّهَارُ ○ مَكَانٌ لِحِفْظِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.</p> <p>۲- الْأَزْرُقُ ○ لَوْنٌ يَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ الصَّافِيَّةِ.</p> <p>۳- الدَّيْلُ ○ صِفَةٌ حَسَنَةٌ لِلْحَلِيبِ وَ الْفَاكِهَةِ</p> <p>۴- الطَّارِجُ ○ مَا بَيْنَ الصَّبَاحِ وَ اللَّيْلِ.</p> <p>۵- الْمُتَحَفُّ ○</p>
۱	<p>۱۰ (درک مطلب) با توجه به متن زیر جمله‌های درست و نادرست را مشخص کنید.</p> <p>حامدٌ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَ هُوَ فِي الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمْرِ. يَنْهَضُ صَبَاحاً فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ إِلَّا رُبْعاً. وَ فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ اشْتَرَى وَالِدُهُ حَاسِباً لَهُ وَ سَمَّحَ لَهُ بِالْدُخُولِ فِي الْإِنْتَرْنِتِ فِي أَوْقَاتِ الْفَرَاغِ. فَرِحَ حَامِدٌ بِهَذِهِ الْهَدِيَّةِ. بَعْدَ مُدَّةٍ سَافَرَ وَالِدُهُ وَ وَالِدَتُهُ لِمَهْمَةٍ إِدَارِيَّةٍ لِمُدَّةٍ يَوْمَيْنِ. قَالَ حَامِدٌ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ: «سَأَبْحَثُ بَحْثًا عِلْمِيًّا فِي الْإِنْتَرْنِتِ». جَلَسَ حَامِدٌ خَلْفَ الْحَاسِبِ وَ لَعَبَ سَاعَاتٍ كَثِيرَةً وَ فِي الْيَوْمِ التَّالِيِ نَهَضَ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ إِلَّا رُبْعاً. كَانَ حَامِدٌ يَشْعُرُ بِالنُّومِ فِي الصَّفِّ.</p> <p>۱- اشْتَرَى وَالِدٌ حَامِدٍ حَاسِباً لَهُ.</p> <p>۲- حَامِدٌ فِي الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمْرِ.</p> <p>۳- بَحَثَ حَامِدٌ عَن مَوْضُوعٍ رِيَاضِيٍّ فِي الْإِنْتَرْنِتِ.</p> <p>۴- سَافَرَ وَالِدُهُ وَ وَالِدَتُهُ لِمَهْمَةٍ إِدَارِيَّةٍ لِمُدَّةٍ شَهْرَيْنِ.</p>

۱	<p>درستی و نادرستی هر جمله را بر اساس واقعیت معلوم کنید.</p> <p>(الف) الصَّدِيقُ يَطْلُبُ لَكَ الشَّرَّ وَ الْعَدُوُّ يَطْلُبُ لَكَ الْخَيْرَ.</p> <p>(ب) اَلْمَطْبَعَةُ مَخْرَنٌ لِحَفِظِ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ.</p> <p>(ج) النَّارُ نَتِيجَةُ احْتِرَاقِ الْخَشَبِ وَ غَيْرِهِ.</p> <p>(د) الرَّاسِبُ يَعْنِي الطَّالِبَ الْمِثَالِي.</p>	۱۱
مهارت مکالمه (یک نمره)		
۱	<p>با توجه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.</p> <div style="display: flex; justify-content: space-around; align-items: center;"> <div style="text-align: center;">  </div> <div style="text-align: center;"> <p>بِمَ يُسَافِرُ الْحَجَّاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ؟</p> </div> </div> <div style="display: flex; justify-content: space-around; align-items: center; margin-top: 20px;"> <div style="text-align: center;">  </div> <div style="text-align: center;"> <p>أَيْنَ تِلْكَ الطِّفْلَةُ؟</p> </div> </div>	۱۲
نمره شفاهی (پنج نمره)		
۳		۱۳ روان خوانی
۲		۱۴ مکالمه ساده



بخش سوم

توضیحات مشترک
در تدریس
همهٔ درس‌های کتاب



در مقدمه کتاب‌های درسی متوسطه اول بخشی به نام «سخنی با معلم» آمده است. تجربه نشان می‌دهد علی‌رغم چاپ به اندازه و نهادن فایل کتاب معلم در «سایت گروه عربی دفتر تألیف» بخشی از دبیران اظهار بی‌اطلاعی از وجود کتاب معلم می‌کنند؛ لذا در مقدمه اهم توصیه‌ها درج شده است. مطالعه کتاب معلم اطلاعات بسیاری را در اختیار دبیر می‌گذارد و بر همه دبیران عربی پایه نهم الزامی است. بسیاری از ابهامات با مطالعه کتاب برطرف می‌گردد. بخشی تحت عنوان «دانش‌افزایی برای دبیر» پیش‌بینی شده است تا علاوه بر اینکه به سؤالات احتمالی معلم پاسخ می‌دهد، جایی باشد تا در صورتی که دانش‌آموزی سؤالی دشوار بپرسد در کتاب معلم پاسخ آن موجود باشد.

برای تدریس این کتاب باید عربی پایه هفتم و هشتم را تدریس کرده و در کلاس‌های آموزشی ضمن خدمت شرکت کرده باشید.

این کتاب سومین کتاب عربی دوره اول متوسطه است. شورای تألیف، گروهی شامل استادان متخصص دانشگاه و معلمان مجرب بوده است. این کتاب همچون دو کتاب پیشین پیش از چاپ، چندین بار به نقد و بررسی نهاد و تدریس آزمایشی شده است؛ تا اشکالات برطرف و نقاط قوت آن نیز هرچه بیشتر تقویت گردد. در بررسی کتاب درسی افراد بسیاری سهیم هستند. نمایندگان از معلمان متوسطه اول و دوم (به ویژه متوسطه اول)، متخصصان تعلیم و تربیت اسلامی، پایگاه کیفیت‌بخشی به فرایند آموزش عربی و دبیرخانه کشوری راهبری درس عربی، گروه‌های آموزشی، کارشناسانی از حوزه و دانشگاه و ...

شیوه کتاب متن محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز بتواند در پایان دوره اول متوسطه متون ساده عربی را درست بخواند و معنای آنها را بفهمد. در این کتاب ۳۳۲ واژه جدید به کار رفته؛ اما حدود ۶۰۰ کلمه عربی هفتم و هشتم نیز تکرار شده است؛ پس در حقیقت هدف این کتاب آموزش ۸۳۲ واژه پربسامد زبان عربی است. این کار تا پایان پایه دوازدهم تکرار خواهد شد. دانش‌آموز هر سال که به پایه بالاتر می‌رود باید کلمات قبلی را بداند.

تألیف کتاب براساس اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» انجام شده است. برنامه درسی ملی، نقشه راه برای تألیف همه کتاب‌های درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز که در «شورای برنامه‌ریزی درسی عربی» تهیه و تنظیم شده نقشه راه برای تألیف کلیه کتاب‌های درسی عربی است.

در نگارش کتاب به تجربیات موفق کتاب‌های عربی پیشین توجه شده است و جا دارد از همه نویسندگان کتاب‌های درسی عربی پیشین تشکر گردد. در تألیف کتاب به تجارب موفق کتب قبلی

توجه و تجربه‌های ناموفق کنار نهاده شده است.

در حوزه تصویر گاهی برای یک تصویر بیش از چهل تصویر گرفته شد تا تصویر مناسب‌تری در کتاب نهاده شود.

کلمات به‌کار رفته در این کتاب، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث و روایات و نیز در زبان و ادبیات فارسی بسیار به‌کار رفته‌اند. تصاویر، عبارات و متون کتاب افزون بر هدف اصلی؛ تا اندازه‌ای ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز دارند. در حوزه تصویر سلیقه‌ها متفاوت بود؛ اما همه بالاتفاق نظر دادند که نقاشی استفاده نشود. گاهی تصویری را که کارشناسی مجرب بسیار می‌پسندید و ما را تشویق می‌کرد که شبیه آن را در کتاب بیشتر بیاوریم، کارشناس دیگر کاملاً رد می‌کرد.

از آنجا که دانش‌آموز در پایه هفتم و هشتم کلمات بسیاری را آموخته و تا حدودی با ساختار زبان عربی آشنا شده؛ لذا در پایه نهم متن‌ها طولانی‌تر شده است. اکنون دانش‌آموز با ۶۰۰ واژه پرکاربرد و نیز بسیاری از ساختارهای زبان عربی آشنا شده است.

بنا به درخواست گروه‌های آموزشی، دبیران و دانش‌آموزان و به استناد برنامه درسی ملی مجدداً مکالمه در کتاب گنجانده شده؛ زیرا مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و به درس عربی جذابیت و تحرک می‌بخشد؛ آن را زبانی پویا و کاربردی نشان می‌دهد؛ اما مکالمه هدف اصلی آموزش کتاب حاضر نیست. بسیاری افراد به آموزش عربی در سال‌های گذشته این انتقاد را وارد کرده‌اند که چرا دانش‌آموخته ایرانی قادر به بیان چند جمله ساده نیست و تنها مباحث صرفی و نحوی و تجزیه و ترکیب می‌داند. کتاب حاضر تا حدودی این ضعف را از بین برده است؛ لذا لازم است که معلم خود را در زمینه مکالمه تقویت کند. گروه عربی نیز در نظر دارد با تهیه و معرفی منابع مناسب، راه تلاش همکاران را هموار نماید.

این کتاب مکمل دو کتاب پیشین است. کتاب‌های سال‌های آینده نیز هر یک به نوبه خود مکمل کتاب پیش از خود خواهند بود.

معلمان گرامی می‌توانند از طریق این نشانی با گروه عربی دفتر تألیف در تماس باشند.

<http://arabic-dept.talif.sch.ir>

همچنین از طریق اداری می‌توان پیشنهادها و نظرات خود را ارسال کرد.

دبیران گرامی اگر برای متون یا عبارات کتاب درسی پیشنهاد مناسبی دارید می‌توانید به گروه

عربی دفتر تألیف ارسال کنید.



شما می‌توانید مقالات علمی، پژوهشی و آموزشی خود را برای چاپ در مجله معارف ارسال کنید. برای کسب اطلاعات بیشتر لطفاً به صفحه اول یکی از مجلات رشد معارف مراجعه کنید. همچنین اگر شما وبلاگی فعال دارید می‌توانید درخواست کنید تا در سایت گروه عربی لینک شود.

مهم‌ترین توصیه‌ها درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب

- ۱- این کتاب در ده درس تنظیم شده است. هر درس در دو جلسه آموزشی تدریس می‌شود.
- ۲- دانش‌آموز در آغاز راه یادگیری زبان عربی است. شایسته است معلم به مطالب کتاب بسنده کند و مطلقاً مطالب اضافه‌ای آموزش ندهد؛ زیرا آنچه را دانش‌آموز باید بیاموزد؛ به تدریج فراخواهد گرفت. معمولاً معلمان به محض اینکه از طرف مدرسه یک ساعت اضافه می‌گیرند، به دنبال مباحث صرفی و نحوی می‌روند. در حالی که می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا داستان‌های کوتاه ترجمه کنند. سرود و نمایش اجرا کنند. می‌توان عبارات ساده و کوتاه مانند سخنان حکمت‌آمیز و ابتهامات و مطالب علمی کوتاه ترجمه کرد. فضا برای کارهای شاد مناسب است، ولی قاعده‌زدگی تدریس عربی، همگان را جذب دستور زبان کرده است. حقیقت این است که آموزش قواعد در هر زبانی کاری ساده است، ولی تدریس متن‌محور کاری دشوار است. ارزشیابی از مطالب صرفی و نحوی آسان است، ولی ارزشیابی از قرائت و مکالمه بسیار سخت است.
- ۳- سیاست تألیف در تمامی بخش‌های کتاب مبنی بر ساده‌سازی و جذابیت است؛ لذا بزرگ‌ترین مسئولیت معلم این است که با هنرمندی، کتاب را به ساده‌ترین روش به دانش‌آموز تدریس کند. هنر معلم، علاقه‌مند کردن دانش‌آموز نسبت به درس عربی است؛ لذا باید در امتحانات از طراحی سؤالات معماگونه خودداری کرد. آزمون‌های مدارس خاص و آزمون‌های طراحی شده توسط مؤسسات خصوصی زمینه انحراف از مسیر آموزش را فراهم می‌سازند. اگر تدریس درس عربی و سایر دروس ساده باشد و پیچیدگی وجود نداشته باشد؛ برخی سودجویان متضرر می‌گردند. آشفته‌گی وضعیّت آموزش و سختی تمرینات و سؤالات امتحانی زمینه را برای بهره‌برداری برخی سودجویان فراهم و دانش‌آموزان را نیز از درس عربی گریزان می‌سازد.

۴- کار عملی در کتاب عربی تهیه انواع کاردستی نیست؛ بلکه کارهایی مانند مکالمه، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان‌نویسی است؛ یعنی دانش‌آموز آموخته‌هایش را در قالب سخن گفتن

یا نوشتن به نمایش بگذارد.

این کار در مدرسی قابل اجراست که درس عربی ساعت اضافه داشته باشد، یا ثبت نام دانش‌آموزان گزینش شده باشد.

۵- این کتاب افزون بر اینکه مکمل دو کتاب پیشین است؛ پشتیبان تثبیت واژگان و ساختار آموزش داده شده در پایه هفتم و هشتم نیز است. کتاب‌های سال‌های آینده نیز هر یک به نوبه خود مکمل کتاب پیش از خود هستند. به همین دلیل واژگان پایه‌های هفتم و هشتم مجدداً در انتهای کتاب درسی به همراه واژگان پایه نهم آورده شده است.

۶- در بخش «بدانیم» سعی شده است با شاهد مثال، اصول زبان به دانش‌آموز آموخته شود. ذکر تعاریف و اصطلاحات تنها به منظور فهم بهتر عبارات و متون است و نیازی به حفظ آنها نیست. هدف از بخش‌های «بدانیم» و «فَنِّ ترجمه» کمک به فهم بهتر متن و عبارت است. آنچه در این بخش آمده به منظور فهم معنای جملات است. دانش‌آموز آن را می‌آموزد تا به کمک آن درست بخواند، درست بشنود و درست ترجمه کند. هدف اصلی درست خواندن، فهمیدن و ترجمه است. در واقع قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است و این موضوع در بارمبندی امتحانات نیز لحاظ شده است. به همین دلیل بخش قواعد دو نمره دارد.

۷- از ارائه «جزوه مکمل قواعد» به دانش‌آموز اکیداً خودداری گردد. هرچه در زمینه قواعد لازم بوده در همین کتاب آمده است. اگر کار اضافه‌ای می‌خواهید انجام دهید در بخش شفاهی انجام دهید. مهارت سخن گفتن را در دانش‌آموز تقویت کنید. دانش‌آموزان مکالمه را دوست دارند و از قواعد محض فراری هستند. مکالمه در آینده برایشان مفید است.

۸- طرح سؤالات امتحان کتبی عربی در نوبت اول و دوم از ۱۵ نمره است. ۵ نمره شفاهی شامل روان خوانی و مکالمه است.

۹- مطلقاً از طرح سؤالاتی در زمینه «ترجمه فارسی به عربی» خودداری شود؛ زیرا از اهداف آموزشی عربی پایه‌های هفتم، هشتم و نهم نیست. دانش‌آموز باید بتواند جمله عربی را بخواند و ترجمه کند و البته قدرت تشخیص درست از نادرست را نیز داشته باشد. در این دو پایه از او «ساختن جمله عربی» خواسته نمی‌شود.

(در بخش مکالمه، یعنی پاسخ‌گویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد؛ زیرا در مکالمه باید بتواند پاسخ کوتاه دهد که انتظار در حد یک یا دو کلمه ساده است و نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخ‌دهی به سؤال شفاهی، رعایت ظرافت‌های دشوار و قتی زبان فعلاً لازم نیست.)

۱۰- تبدیل کردن از اهداف این کتاب نیست و باید از طرح چنین سؤالاتی در هر آزمونی

خودداری کرد؛ مثال:

این جمله را به جمع تبدیل کنید: یا طَالِبٌ، اُكْتُبْ واجِبَاتِكَ.
در جای خالی کلمات مناسب بنویسید: أَيَّتْهَا التَّلْمِيذَاتُ، لَا تَخْرُجَنَّ مِنْ صَفِّكُنَّ.
... مِنْ صَفِّكُمْ.

همچنین ذکر صیغه در ارزشیابی لازم نیست.

۱۱- همانند کتاب اول هیچ واژه‌ای بیرون از جمله سؤال نشود. ترجمه کلمات، در داخل جمله

خواسته شود؛ مثلاً: ترجمه کلمه مشخص شده را بنویسید.

مَرْقَدُ الْإِمَامِ الثَّامِنِ فِي مَشْهَدِ. صَنَعَ التَّجَارُ جِسْرًا عَلَى النَّهْرِ.

در دو جمله بالا دانش آموز به کمک قرائن می‌تواند واژه خواسته شده را درست ترجمه کند. او با این روش، از یادگیری درس عربی لذت می‌برد. امتحان دو منظوره می‌شود؛ هم امتحان است و هم یادگیری در آن مستتر است.

۱۲- در پاسخ‌گویی به جمله استفهامی باید به پاسخ کوتاه بسنده شود. پاسخ کامل مد نظر

نیست. هرچند اگر دانش‌آموز پاسخ بلند دهد بهتر است. برای نمونه، در پاسخ به چنین سؤالی «لماذا تَدْرُسُ؟» پاسخ «لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ.» کافی است و نمره کامل تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر لازم نیست چنین پاسخ داده شود: «أَنَا أَدْرُسُ لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ.»

از آنجا که در رویکرد برنامه درسی عربی، پرورش مهارت‌های زبانی آمده و سخن گفتن نیز یکی از این موارد است؛ لذا بخش «اسماء و حروف استفهام» استثنا شده است.

پیشنهاد می‌شود دبیر برای امتحان مکالمه یک آلبوم عکس در کاور تهیه کند و در آن تصاویر لازم را در اندازه‌های بزرگ داشته باشد و یا در صورتی که در مدرسه هوشمند تدریس می‌کند، فایل تصاویر مورد نیازش را از قبل تهیه نماید.

همچنین می‌توان بخشی از نمره مکالمه را به معرفی دانش‌آموز از خودش اختصاص داد. دانش‌آموز باید بتواند در یک دقیقه خودش را به زبان عربی معرفی کند. همچنین نمره شفاهی دانش‌آموزانی که داوطلب اجرای سرود، یا نمایش، یا مکالمه گروهی در کلاس می‌شوند را می‌توان از همین مورد منظور کرد.

۱۳- هدف در آزمون شفاهی روخوانی، درست خواندن است. بدیهی است برگزاری آزمون

شفاهی در یک روز امکان‌پذیر نیست. بنابراین، هر چه را دانش‌آموز در طول سال تحصیلی می‌خواند

و مجموعه فعالیت‌های شفاهی او، نمره شفاهی‌اش را تشکیل می‌دهد. دانش‌آموز در آغاز در مهارت خواندن و شنیدن نیاز به تکرار و تمرین دارد و به تدریج این مهارت تقویت می‌گردد. لذا، ملاک نمره‌دهی، بهترین و آخرین وضعیت دانش‌آموز است.

۱۴- به منظور تسهیل آموزش و صرفه‌جویی در وقت، در بسیاری از جاهای کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده تا نیازی به دفتر تمرین نباشد. نیازی به رونویسی از متن درس‌ها، یا بخش‌های دیگر نیست. اگر در درس انگلیسی رونویسی انجام می‌شود به این دلیل است که الفبای آن فرق دارد، ولی از آنجا که الفبای فارسی با مختصری تغییر همان الفبای عربی است؛ لذا رونویسی ضرورتی ندارد. در گذشته مشاهده شده برخی از معلمان از دانش‌آموزان می‌خواستند که نقاشی‌ها و طرح‌های کتاب را در دفتر پاکنویس وارد کنند؛ یا از دانش‌آموزان می‌خواستند دو کتاب تهیه کنند و تصاویر کتاب دوم را با قیچی در آورند و با چسب در دفتر پاکنویس بچسبانند. وظیفه گروه‌های آموزشی در این زمینه ارشاد معلم است.

۱۵- هرچند کتاب کار در آموزش هر زبانی مناسب است؛ اما تجربه نشان داده است بیشتر کتاب‌های کار زمینه انحراف از مسیر صحیح آموزش را فراهم می‌کنند و زمینه را برای دور افتادن از اهداف آموزشی و آسیب رساندن به روند آموزش فراهم می‌کنند. نداشتن کتاب کار بهتر از داشتن کتاب کاری نامناسب است. اگر معلمی کتاب کار تهیه کرد؛ تأکید می‌کنیم که کلاس درس جای پرداختن به آن نیست و حل تمرینات آن در منزل باید صورت بگیرد. زمان اختصاص یافته به درس عربی (دو ساعت در هفته) برای تدریس این کتاب و حل تمرین‌های آن است. لذا اگر وقت اضافی داشت می‌تواند تمرینات کتاب کار را نیز حل کند در غیر این صورت کتاب درسی نباید لطمه ببیند. گروه‌های آموزشی در این زمینه باید نقش فعال داشته باشند.

۱۶- ما ایمان داریم که کار اصلی را معلم انجام می‌دهد؛ لذا از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با سیاست دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا به تدریج همه کتاب‌های سال‌های آینده نیز ادامه و مکمل این کتاب خواهند بود.

۱۷- فراموش نکنیم دانش‌آموزان بسیاری از آموخته‌ها را بعد از دانش‌آموختگی از یاد خواهند برد، ولی خاطرات تلخ و شیرین ماندگار هستند. آنچه در تدریس بسیار مهم است برخورد‌های درست، دلسوزانه و عالمانه است.

معرفی درس‌ها

این کتاب از ده درس به شرح ذیل تشکیل شده است:

۱- درس اول: دوره‌ای بر آموخته‌های عربی پایه هفتم و هشتم است. پاره‌ای از آیات و احادیث پایه هفتم و هشتم در این درس و نیز در دروس بعد تکرار می‌شود تا کم‌کم این جملات ملکه ذهن دانش‌آموز گردد. ساختارهای دو کتاب پیشین نیز تکرار می‌گردد تا به مصداق «الدرس حرف و التکرار ألف». آموخته‌ها تثبیت گردد. هر آنچه دانش‌آموز در حروف و اسماء استفهام، رنگ‌ها، روزهای هفته و نام فصول و فعل ماضی و مضارع خوانده است تکرار می‌شود. کلمات مهم مانند مترادف و متضاد نیز در درس اول طراحی شده است.

هدف درس اول تکرار آموخته‌های پیشین است و از آنجا که این امر مهم فقط در درس اول محقق نمی‌گردد؛ لذا در دروس دوم تا سوم نیز این تکرار و تمرین انجام شده است.

۲- درس دوم: متن درس درباره اهمیت مقررات راهنمایی و رانندگی است. ساختار درس درباره وزن و حروف اصلی است. اهمیت مبحث این درس در املا فارسی بسیار است. دانش‌آموزی که این مطلب را خوب بیاموزد، در درس املا فارسی می‌تواند موفق باشد. یکی از ویژگی‌های بارز زبان عربی همین داشتن وزن و حروف اصلی است. ویژگی‌ای که حتی در زبان‌های خویشاوند زبان عربی، یعنی سایر زبان‌های سامی به این صورت وسیع وجود ندارد.

در پایان درس، پنج آیه شریفه متناسب با آموخته‌های دانش‌آموز آمده است. در گزینش آیات مبارکه قرآنی در هر سه کتاب عربی دوره اول متوسطه دو اصل پیش روی بوده است:

۱- سادگی الفاظ و تطابق آن با دانسته‌های زبانی دانش‌آموز،

۲- کاربرد آن در زندگی روزمره دانش‌آموز.

۳- درس سوم: متن درس داستانی زیبا و خواندنی است. نتیجه اخلاقی و پیام درس نیز در راستای اهداف برنامه درسی ملی است. سخن حکیمانه حضرت علی علیه السلام زینت بخش و حسن ختام متن درس شده است.

إِنْتَانِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا قَاطِعِ الرَّجِمِ وَ جَارِ السُّوءِ.

در پایان درس پنج سخن حکیمانه از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام در موضوعات مهم

اخلاقی آمده است.

ساختار درس سوم فعل امر مفرد است.

۴- **درس چهارم:** متن درس داستانی زیباست. موضوع داستان جدید است و دانش‌آموزان این داستان را پیش از این نشنیده‌اند. پیام اخلاقی درس سخن حکیمانه «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ» است که عنوان درس نیز شده است.

ساختار درس ادامهٔ درس سوم و فعل امر مثنی و جمع است. مانند درس قبل در پایان این درس نیز پنج سخن حکیمانه از پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی عَلِيٌّ در موضوعات مختلف آمده است.

۵- **درس پنجم:** متن درس داستانی دربارهٔ نقش تلاش در زندگی است. در فرهنگ اسلامی سخنان بسیاری در این باره آمده است؛ مانند: ﴿لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ حدیثی در این باره از پیامبر اسلام ﷺ حسن ختام و پیام اخلاقی متن درس است. ساختار درس شناخت فعل نهی مفرد است.

در پایان درس، پنج حدیث از حضرت علی عَلِيٌّ دربارهٔ علم زینت بخش این درس شده است. ۶- **درس ششم:** متن درس داستانی جذاب است که نقش نحوهٔ رفتار آدم‌ها را در زندگی افراد نشان می‌دهد. یک رفتار شایسته می‌تواند زندگی یک انسان را دگرگون کند و به تبع آن انسان متحول می‌تواند نقش مهمی در جامعه داشته باشد. رفتار و گفتار هرکس می‌تواند نقش مهمی در افراد و حتی در جامعه داشته باشد.

ساختار درس شناخت فعل نهی مثنی و جمع است. همانند دروس گذشته در پایان درس، پنج حدیث از حضرت علی عَلِيٌّ دربارهٔ علم زینت بخش این درس شده است.

۷- **درس هفتم:** متن درس داستانی از زندگی مردی است که به بشریت خدمت کرد.

ساختار آموزشی این درس ترکیب اضافی و وصفی است. سخنان حکیمانهٔ پایان درس نیز از پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی عَلِيٌّ است.

۸- **درس هشتم:** متن درس هشتم مکالمه‌ای در موزهٔ آثار تاریخی حرمین شریفین در مکه است.

از ده درس کتاب عربی نهم این درس اختصاصاً مکالمه است. در این درس، دانش‌آموز با عبارتهای پرکاربرد در مکالمه آشنا می‌گردد.

از آنجا که ماضی استمراری در هر زبانی از جمله عربی کاربرد بسیار دارد؛ وقت آن است که اکنون دانش‌آموز با این مفهوم آشنا شود.



در پایان، پنج حدیث از پیامبر اسلام ﷺ دربارهٔ محبوب‌ترین‌ها، به دانش‌آموزان درس زندگی آموزش می‌دهد.

۹- **درس نهم:** از آنجا که ذخیرهٔ واژگانی دانش‌آموزان تقویت شده و با بسیاری ساختارهای زبانی آشنا شده‌اند سه متن کوتاه علمی دربارهٔ بهترین رنگ‌ها، ویتامین آ و شیر تازه انتخاب شده است؛ تا فراگیر با متون علمی نیز آشنا گردد.

در بخش «بدانیم» ساعت خوانی آموزش داده شده است؛ اما به ربع و نیم بسنده شده است.

در زبان عربی و برخی زبان‌ها مانند آلمانی عددهایی مانند «بیست و پنج» را «پنج و بیست» می‌گویند. لذا آموزش این بخش فعلاً به صلاح نیست؛ چون موجب دشواری‌هایی در آموزش می‌گردد.

پایان درس نهم، دو روایت ارزشمند و گهربار از پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است. برای نخستین بار در آموزش عربی دورهٔ اول متوسطه روایت نسبتاً طولانی‌تری برگزیده شده است؛ زیرا در طول این سه سال توانمندی زبانی دانش‌آموز تقویت شده است.

۱۰- **درس دهم:** آخرین متن کتاب عربی نهم داستانی دارای پیام اخلاقی والایی است. امانتداری در روایات اسلامی بسیار تأکید شده است. داستان درس نیز اهمیت این امر خطیر را نشان می‌دهد. دانش‌آموزان داستان را دوست دارند و داستان زیبای این درس علاوه بر ایجاد علاقه نسبت به درس عربی نتیجهٔ اخلاقی بسیار جالبی دارد.

در این درس ساختار جدیدی آموزش داده نمی‌شود؛ بلکه تکراری بر آموخته‌های سه کتاب عربی هفتم، هشتم و نهم صورت می‌گیرد.

واژه‌نامه

از آنجا که کتاب‌های درسی عربی جدید متن و واژه‌محور است؛ لذا واژگان عربی هفتم و هشتم مجدداً در عربی نهم تکرار می‌گردد و در انتهای کتاب، در بخش المَعْجَم تکرار می‌شوند. دلیل این کار تسهیل آموزش است. از سوی دیگر این کار باعث می‌شود دانش‌آموز به طرف خرید کتاب کمک آموزشی نرود.



ویژگی‌های کتاب

۱- قاعده محور نبودن کتاب به معنای نفی ارزش قواعد نیست؛ لذا دو بخش «بدانیم» و «فنّ ترجمه» در کتاب‌های عربی هفتم، هشتم و نهم تنظیم شده است؛ تا دانش‌آموز بتواند به کمک آنها عبارات و متون ساده را بهتر بفهمد و ترجمه کند. قواعدی که در بخش «بدانیم» آمده به منظور فهم معنای جملات است. دانش‌آموز قواعد را می‌خواند تا به کمک آن بتواند درست بخواند، درست بشنود و درست ترجمه کند. قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است و به این موضوع در بارمبندی امتحانات نیز توجه شده است.

۲- در این کتاب، مکالمه نیز اهمیت دارد؛ در «برنامه درسی ملی» نیز به آموزش مهارت‌های زبانی از جمله سخن گفتن اشاره شده است. از سویی دیگر مکالمه به درس عربی جذابیت می‌بخشد؛ آن را زبانی پویا و کاربردی نشان می‌دهد و موجب تقویت آموزش نیز می‌گردد؛ زیرا مکالمه بستر واقعی یادگیری هر زبانی است.

۳- روخوانی در کتاب‌های عربی اهمیت ویژه‌ای دارد. دانش‌آموز باید بتواند درست بخواند تا درست ترجمه کند. از آنجا که یکی از مهارت‌های چهارگانه زبانی «خواندن» است؛ لذا این بخش باید تقویت گردد. دانش‌آموزی می‌تواند معنای عبارت را بفهمد که درست بخواند. آهنگ بیان جمله‌های خبری، تعجبی، پرسشی و امری با هم فرق دارد. روان‌خوانی اوج هنر دانش‌آموز در درس عربی است که در سایه تسلط نسبی او به زبان به دست می‌آید.

۴- شروع هر درس مانند کتاب عربی نهم مانند دو کتاب پیشین با واژگان جدید آن است. هدف از این کار، ساده‌سازی آموزش است. هدف این نیست که دانش‌آموز قبل از شروع درس، این واژه‌ها را حفظ کند. حفظ واژه‌ها باید در طی خواندن متون و عبارات اتفاق بیفتد.

۵- آنچه باید سرلوحه تدریس و ارزشیابی معلم قرار بگیرد؛ این است که «ترجمه از فارسی به عربی و ساختن جمله از اهداف عربی پایه هفتم، هشتم و نهم نیست». در ارزشیابی‌های کتبی و شفاهی فقط ترجمه از عربی به فارسی مد نظر است. هدف این کتاب آموزش معنای حدود ۹۰۰ کلمه است؛ یعنی ۲۳۲ کلمه جدید به همراه ۶۰۰ کلمه عربی هفتم و هشتم. این واژه‌ها از پرکاربردترین کلمات در حوزه زبان عربی (قرآن، علوم و معارف اسلامی و زبان و ادبیات فارسی) هستند و گزینش آنها هدفمند بوده است.

۶- مبنای گزینش آیات، احادیث و امثال به کار رفته در کتاب چند مورد بوده است:
سادگی الفاظ؛ سادگی ساختار و مطابقت آن با آموزش کتاب درسی؛ کاربری براساس نیازهای

روز؛ تناسب با سطح درک و فهم دانش‌آموز نوجوان.

دانش‌آموز باید بتواند در زندگی به هنگام نیاز به امثال و حکم خوانده شده استشهاد کند؛ مثلاً درباره «انتقام» به این حدیث شریف از پیامبر اسلام ﷺ استشهاد کند:
«إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ».

این هدف تا پایان کتاب درسی از اهداف اصلی کتاب است. اما نباید با اکره دانش‌آموزان را وادار به حفظ این عبارات نمود؛ بلکه شایسته است با تغییر نگرش، ایجاد علاقه و با هنر معلّمی دانش‌آموزان را علاقه‌مند نمود تا این عبارات را حفظ کند و در هنگام لزوم از آنها استفاده کنند. سخنان بزرگان و امثال و حکم به گونه‌ای هستند که سرشت پاک، مایل است آنها را بیاموزد و به آنها استشهاد کند.

۷- در گزینش تصاویر اصول زیر رعایت شده است:

برنامه درسی ملّی؛ مسائل فرهنگی و تربیتی، تعادل در جنسیت و ذکر شخصیت‌ها، دوری از تنش‌آفرینی در جامعه، توجّه به امور مهمّی مانند: ارزش‌های دینی، دفاع مقدّس، احترام به محیط زیست، میهن‌دوستی، به روز بودن تصاویر، ایجاد جذابیت در کتاب، شاد بودن موضوعات، علمی بودن آنها، زیبایی تصاویر با توجّه به سنّ پرچوش و خروش نوجوانی دانش‌آموزان...

۸- مطالب اساسی هر درس در درس‌های بعدی تکرار می‌گردند و افزون بر این مطالب دو کتاب عربی هفتم و هشتم نیز مجدداً یادآوری می‌شود؛ زیرا از دیر باز گفته‌اند: «الدَّرْسُ حَرْفٌ وَ التَّكْرَارُ أَلْفٌ» و با تکرار و تمرین است که آموخته‌ها ملکه ذهن دانش‌آموز می‌شود.

۹- استفاده از کتاب کار در آموزش هر زبانی متداول است؛ ولی متأسفانه بسیاری از کتاب‌های کار عربی کاملاً قاعده‌مدارانه و خسته‌کننده است. مؤسّسات خصوصی با طرح سؤالات معماگونه زمینه انحراف در شیوه تدریس و ارزشیابی را فراهم می‌آورند و در این میان نمونه سؤالات غیراستاندارد برخی مدارس خاص زمینه را برای سؤالات عجیب و غریب آماده می‌سازند.



الگوی پیشنهادی جهت تدریس قسمت‌های هفتگانه هر درس

کتاب حاضر ده درس دارد و هر درس از هفت قسمت تشکیل شده که برای هر یک روشی مناسب با اهداف کتاب و برنامه درسی پیشنهاد شده تا معلم بهتر بتواند به اهداف آموزشی تعیین شده برسد. قطعاً معلمان محترم نیز روش‌هایی برای خود دارند، ولی این روش‌ها باید از وحدت رویه نیز برخوردار باشند. هدف کتاب معلم که پل ارتباط بین مؤلف و معلم است؛ تعیین چارچوبی است که هم اهداف برنامه درسی ملی محوریت داشته باشد و هم معلم بتواند در آن، توانمندی‌های فردی خود را به نمایش بگذارد.

ساختار درس‌های کتاب درسی عربی پایه نهم

قسمت‌های هفتگانه هر درس:

۱- واژگان

۲- متن درس

۳- «بدانیم» و «فَن ترجمه»

۴- آموزش تصویری قواعد (کلید واژه تصویری)

۵- تمرین

۶- «کنز الحکمة» و «نور السماء»

۷- پژوهش یا فعالیت

تحلیل درس

هدف کتاب از تحلیل قسمت‌های نامبرده در هر درس، بررسی دقیق ابعاد مختلف محتوا، معرفی قواعد، ارائه توضیحات جهت رفع ابهامات و پیشنهاد روش‌هایی است که معلم به یاری آن بتواند با تسلط و آگاهی بیشتر به امر تدریس بپردازد. کتاب در این قسمت، معلم را با مراحل مختلف تدریس، مهارت‌های مورد نظر و چگونگی اجرای آن آشنا می‌کند و الگویی را برای تدریس کلیه دروس و بخش‌ها در اختیارش قرار می‌دهد؛ تا آموزش را برای وی تسهیل نماید.

واژگان

دلیل تقدیم واژگان به همراه معنا، در آغاز هر درس این بوده تا دانش‌آموز با راحتی و سرعت بیشتری در فرایند ترجمه فعال باشد؛ بدین‌گونه که معلّم باید دانش‌آموز را گام به گام در ترجمه مشارکت دهد؛ تا توانایی ترجمه را در او بپروراند و این موضوع در جهت فعالیت و مشارکت دانش‌آموز در فرایند یادگیری قرار دارد. این بخش باید تقریباً در پنج دقیقه تدریس شود. هدف این نیست که در همان ابتدا دانش‌آموز همه کلمات جدید را یاد بگیرد؛ بلکه هدف این است که با آنها آشنا شود.

در بخش واژه‌شناسی می‌توان از تمریناتی مانند تشخیص کلمه ناهماهنگ، مترادف و متضاد^۱ و کاربرد واژگان استفاده کرد.

۱- دربارهٔ ترادف در زبان عربی از دیرباز میان دانشمندان اختلاف وجود داشته است؛ برخی برای اسب و شمشیر و مانند آن اسم‌های بسیاری را برشمرده‌اند و برخی از میان آنها تنها یکی را اسم و بقیه را صفت دانسته‌اند.

«سیبویه» می‌گوید: در کلام عرب گاهی دو لفظ گوناگون برای دو معنای مختلف و گاهی دو لفظ مختلف برای یک معنا می‌آوردند که برای مورد اخیر فعل «ذَهَبَ» و «انطَلَقَ» را مثال می‌زند.

از دیدگاه «سیوطی» دلیل اصلی پیدایش مترادف در یک زبان این است که دو طایفه برای یک معنا دو واژه را به کار برده‌اند، سپس پس از اینکه طایفه‌ها یکی شده‌اند، این دو کلمه مترادف گشته‌اند.

اما گاهی اوقات این سکّیت معتقد است که برخی واژه‌ها با اینکه تقریب معنایی دارند؛ اما حالت‌های دقیق خاص خودشان را بیان می‌کنند؛ مثلاً در مورد فعل «گزدین»:

العَصَّ بِالْأَسْنَانِ لَا بِالشَّفَقَتَيْنِ / النَّهْسُ : المَدُّ بِالْغَمِّ / النَّهْشُ : العَضُّ السَّرِيعُ / العَجْمُ : العَضُّ بِالْأَسْنَانِ لِتَنْظُرَ أ صُلْبٌ هُوَ أَم

خَوَّار

یا در مورد لانه:

العُشُّ : الَّذِي يَجْمَعُهُ الطَّائِرُ مِنَ الْعِيدَانِ وَ غَيْرِهَا فَيَبْيِضُ فِيهِ. / الْوَكْرُ : فِي الْجَبَلِ / الْوُكْنَةُ : مَوَاقِعَ الطَّيْرِ حَيْثُمَا وَقَعَ وَ دَرَبَارَةَ جَدَا كَرْدَنِ وَآهَهُ هُوَ أ وَ هَمُّ وَ ارَائُهُ شَيْوَةٌ دَرَسْتُ بِهَ كَارِغِرِي أَنْ دَرَبَارَةَ فَرَقَ «رَاكِبٌ» وَ «فَارَسٌ» مِي گويد:
«يَقَالُ: مَرَّ بِنَا رَاكِبٌ، إِذَا كَانَ عَلَى بَعِيرٍ، وَ الرُّكْبُ أَصْحَابُ الْإِبِلِ. أَمَا إِذَا كَانَ عَلَى حِمَارٍ أَوْ بَغْلٍ أَوْ فَرَسٍ يُقَالُ: مَرَّ بِنَا فَارَسٌ عَلَى حِمَارٍ أَوْ بَغْلٍ أَوْ...»

اما ابومنصور ثعالبي در كتاب «فقه اللغة» به معنای دقیق کلمات اشاره می‌کند و از به کار بردن هر کلام به جای دیگری برحذر می‌دارد؛ مثلاً در مورد خواب و ترتیب آن چنین می‌گوید:

أَوَّلُ النَّوْمِ: النُّعَاسُ / الْكَرَى: هُوَ أَنْ يَكُونَ الْإِنْسَانُ بَيْنَ النَّائِمِ وَ الْيَقِظَانِ / الرُّقَادُ: هُوَ النَّوْمُ الطَّوِيلُ

و گاهی اوصاف یک اسم به عنوان مترادف به کار می‌رود که در اصل حالت‌های گوناگون آن اسم است.

مراحل آموزش واژگان

- ۱- معلم باید در آغاز از کتاب گویا استفاده کند و در صورتی که نکات جالبی درباره آنها سراغ دارد؛ به منظور تقریب به ذهن برای دانش‌آموزان ذکر کند.
- ۲- سپس دانش‌آموزان کلمات عربی را قرائت می‌کنند و این قرائت می‌تواند به تشخیص معلم به همراه او و گروهی باشد، یا به صورت انفرادی.

متون

در این بخش نیز باید سهم مشارکت معلم و دانش‌آموز مشخص شود و اینکه هر یک از معلم و دانش‌آموز چه وظیفه‌ای دارند.

۱- **مرحله اول (شنیدن):** اولین وظیفه برعهده معلم است که با روان‌خوانی، مهارت شنیداری دانش‌آموزان را تقویت کند.

در این بخش استفاده از کتاب گویا مجدداً تأکید می‌گردد. اگر وقت معلم کم است از دانش‌آموزان بخواهد در منزل کتاب گویا را گوش دهند.

۲- **مرحله دوم (خواندن):** دانش‌آموزان براساس روشی که معلم پیشنهاد می‌دهد؛ به قرائت می‌پردازند تا مهارت گفتاری تقویت گردد.

۳- **مرحله سوم (ترجمه مقدماتی):** دانش‌آموزان با کمک گرفتن از ترجمه واژگان، به ترجمه هر عبارت می‌پردازند و توانمندی خود را در ترجمه می‌آزمایند؛ تا نقاط ضعف و قوت آنان مشخص شود و مهارت درک و فهم آنها ارتقا یابد. چند روش در اینجا وجود دارد: از دانش‌آموزی می‌خواهیم یک یا دو سطر را ترجمه کند، سپس ما بر ترجمه او نظارت می‌کنیم؛ یا اینکه یک دانش‌آموز را مأمور می‌کنیم که اگر اشکالی وجود داشت اصلاح کند، یا اینکه می‌گوییم همه دانش‌آموزان هنگام ترجمه دانش‌آموز اول باید آماده باشند و معلم تصادفاً از یکی از دانش‌آموزان اشکالات احتمالی ترجمه را بپرسد. هر یک از این شیوه‌ها در جای خود مفیدند. گاهی در صورت کمبود وقت، معلم می‌تواند خودش بخواند و خودش نیز ترجمه کند. روشی که در وهله نخست به نظر می‌آید نامناسب است و دانش‌آموز فعال نیست، ولی از روی ناچاری و به دلیل تعطیلی‌های اضطراری، یا هر علت دیگری پیش آمده است. در این روش، معلم باید هر چند لحظه یک بار ترجمه برخی قسمت‌ها را از یک دانش‌آموز بپرسد. در این شیوه تدریس سریع‌تر انجام می‌شود. در مدرسی که امکانات خوبی دارند می‌شود ترجمه متن درس را در برگه‌ای نوشت و از دانش‌آموزان بخواهیم در گروه‌های چند نفره ترجمه ناقص را کامل

کنند. این روش فوق‌العاده سریع انجام می‌شود، ولی لازمه آن زحمت برای دبیر و کادر مدرسه برای تکثیر کاربرگ است.

۴- **مرحله چهارم (ترجمه نهایی):** معلّم در ادامه روش مقدّماتی به عنوان راهنما، خطاها را اصلاح می‌کند و ترجمه نهایی را ارائه می‌دهد. در حقیقت مرحله مقدّماتی و نهایی بدون فاصله هستند.

۵- **مرحله پنجم (پیام درس):** در این مرحله معلّم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا پیام درس را بگویند. برای پیوند میان ادبیات فارسی و عربی می‌توان از آنان خواست تا پیام درس را با جمله‌ای نغز در زبان فارسی بیان کنند، یا برای پیوند میان درس قرآن و معارف اسلامی می‌توان از آنان خواست تا اگر آیه یا حدیثی در این مورد می‌دانند؛ ذکر کنند.

خلاصه مراحل ترجمه

مراحل ترجمه	هدف	نقش دانش‌آموز	نقش معلّم
مرحله اول	تقویت مهارت شنیدن	شنیدن	روان خوانی
مرحله دوم	تقویت مهارت خواندن	خواندن	نظارت و راهنمایی
مرحله سوم	تقویت مهارت ترجمه	ترجمه عبارات (مقدّماتی)	نظارت و راهنمایی
مرحله چهارم	تقویت مهارت درک وفهم	ترجمه عبارات (نهایی)	تصحیح و تکمیل
مرحله پنجم	تقویت مهارت کاربرد (بیان مصداقی از کاربرد عبارت یا پیام درس)	مصداق‌یابی	تصحیح و تکمیل

قواعد

تصاویر: تصاویر زیبای کتاب دربرگیرنده پیام‌های گوناگونی است و در راستای تقویت هویت ایرانی - اسلامی و با دقت فراوان گزینش شده‌اند.

رسالت مهمّ تصاویر:

- ۱- پیام‌های ارزشی این تصاویر موجب تقویت هویت اسلامی - ایرانی می‌شود.
- ۲- به روز بودن و واقعی بودن تصاویر کتاب درسی را جَدّاب‌تر می‌کند. سعی شده است تا سنّ تصاویر دانش‌آموزان حتّی‌الامکان همان سنّ پایه نهم باشد.
- ۳- از همه مهم‌تر، جَدّابیت این تصاویر، انتقال مفاهیم درس را تسریع و تسهیل می‌کند. شاعر گرانمایه ایرانی مولوی در این باره می‌فرماید:
آنچه یک دیدن کند ادراک آن سال‌ها نتوان نمودن با بیان

عبارات حاوی قواعد

این عبارات‌ها وظیفه آموزش ساختار فعل امر و نهی، معادل ماضی استمراری، وزن و حروف اصلی، ترکیب اضافی و وصفی و ساعت‌شماری را بر عهده دارند. در آموزش فعل امر و نهی فقط از فعل‌های صحیح و سالم استفاده شده و اگر در چند مورد از فعل مهموز مانند یقرأ استفاده شده، به علّت پرکاربرد بودن است.

تذکّر بسیار مهم: در هر سه کتاب عربی هفتم، هشتم و نهم برای آموزش فعل‌های ماضی و مضارع بومی‌سازی انجام شده است. دانش‌آموز ایرانی با شش صیغه فارسی آشناست. او می‌داند اوّل شخص مفرد، دوم شخص مفرد و ... یعنی چه. حتّی در درس انگلیسی نیز همین‌طور می‌خواند. در برخی کشورها مانند مغرب (مراکش) و لبنان نیز در آموزش فعل‌ها تغییراتی را انجام داده‌اند. در آموزش فعل نیز در ایران بومی‌سازی صورت گرفته است.

این شیوه در مدارس توسط دبیران در تدریس آزمایشی موفق بوده است و بسیاری از دبیران از آن استقبال کرده‌اند و یادگیری عربی را برای دانش‌آموزان تسهیل کرده است. او می‌خواند که:

«أنا أذهب»؛ یعنی «من می‌روم»؛

«أنت تذهب و أنت تذهبن»؛ یعنی «تو می‌روی»؛

«هو يذهب و هي تذهب»؛ یعنی «او می‌رود»؛

«نحن نذهب»؛ یعنی «ما می‌رویم»؛

«أنتم تذهبون، أنتن تذهبن و أنتما تذهبان»؛ یعنی «شما می‌روید»؛

و «هم يذهبون، هنّ يذهبن، هما يذهبان و هما تذهبان»؛ یعنی «آنها می‌روند».



با این شیوه درس را بسیار منطقی‌تر و بهتر می‌آموزد. شاید دبیری که سال‌ها به شیوه‌ای دیگر تدریس کرده و خودش نیز به همین‌گونه آموزش دیده است شیوه جدید برایش سخت باشد. از دیرباز گفته‌اند: «الْعَادَةُ كَالطَّبِيعَةِ الثَّانَوِيَّةِ».

اما از آنجا که کتب جدید با این شیوه پیش می‌رود؛ لذا شایسته است دبیران نیز با آن هماهنگ باشند.

گفتنی است که روش بومی شده در یادگیری آسان‌تر است.

اجرا: نخست روخوانی توسط دانش‌آموزان جهت تقویت مهارت شنیداری و گفتاری انجام می‌گیرد. آن‌گاه هر جمله ترجمه شود، درضمن بهتر است معلّم در این مرحله نقشی پررنگ‌تر از دانش‌آموز داشته باشد؛ تا بتواند با ظرافت، پیوندی قوی بین سه قسمت واژگان، متن و قواعد ایجاد کند.

«بدانیم» و «فَنّ ترجمه»

در این قسمت، ساختار و چارچوب قواعد هر درس بیان شده است. باید توجّه کرد که توضیحات این دو بخش تا پایان کتاب برای فهم بهتر عبارت و متن است. هدف این است که دانش‌آموز بتواند از این اطلاعات در فهم معنای جمله بهره ببرد؛ لذا حفظ مطالب این بخش الزامی نیست و نیازی نیز به گسترش آن نمی‌باشد.

حفظ مطالب بخش «بدانیم» و «فَنّ ترجمه» الزامی نیست؛ همچنین نیازی به گسترش مطالب و ارائه جزوه مکمل نیست.

اجرا: معلّم در این قسمت دانش‌آموز را در قرائت، توضیح مثال‌ها و شرح تصاویر به مشارکت می‌گیرد. مؤلفان تأکید دارند که معلّم باید قواعد را به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به مهارت ترجمه و درک و فهم در نظر بگیرد. علّت نام‌گذاری این بخش به «بدانیم» و «فَنّ ترجمه» در واقع کم‌رنگ کردن نقش قواعد و پررنگ کردن جایگاه ترجمه و درک و فهم است؛ لذا معلّم محترم نیز باید در بیان قواعد به آنچه در کتاب آمده است بسنده کند و از بیان توضیحات خارج از کتاب و جزوه دادن، خودداری کند. در این قسمت نیز برای تفهیم بهتر قواعد و همچنین ایجاد جذّابیت از تصاویری متناسب با مفاهیم استفاده شده که شایسته است معلّم گرامی به آن توجّه کند و ساده از کنار آن نگذرد.

ترجمه از فارسی به عربی، چه در کلمه و چه در جمله ممنوع است و جزء اهداف آموزشی کتاب عربی پایه هفتم، هشتم و نهم نیست و تخلف از این امر، مستلزم دخالت گروه‌های آموزشی و ارشاد معلّم است.

اجرا: در این قسمت، دانش‌آموزان مشارکت بیشتری دارند خودشان می‌خوانند و خودشان هم به سؤالات آن پاسخ می‌دهند و معلّم می‌تواند نقش راهنما و مصحح را داشته باشد.

تمارین

هدف اصلی در این قسمت، تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در جهت اصل تسهیل آموزش عربی، سعی شده است:

نخست: تمارین درس ساده باشد؛ تا دانش‌آموز از حل آن لذت ببرد.

دوم: تعداد آنها نیز کم باشد؛ تا معلّم فرصتی برای تقویت و ارتقای دو مهارت زبانی شنیدن و خواندن داشته باشد و دانش‌آموز نیز از حل تمرینات خسته نشود.

اجرا: حل تمرین‌ها بر عهده دانش‌آموز است.

جای کافی برای حل تمارین پیش‌بینی شده است، تا نوشتن مجدد تمارین وقت زیادی را از دانش‌آموز نگیرد. با توجه به اینکه نوشتن عبارات عربی با رعایت اعراب برای دانش‌آموز دشوار است و ممکن است اشتباهات اعرابی او در نوشته‌هایش به قرائت او نیز منتقل شود؛ لذا بهتر است در پایه‌های هفتم، هشتم و نهم حل تمرینات در کتاب صورت بگیرد؛ تا چشم دانش‌آموز به املا و اعراب صحیح در کتاب درسی عادت کند و مشکلی در قرائت او نیز پدید نیاید؛ چون کمتر دانش‌آموزی است که بتواند در این سن متن عربی را بدون خطا بنویسد.

همانند کتاب راهنمای معلّم عربی هفتم و هشتم در کتاب راهنمای معلّم عربی نهم نیز نمونه سؤال استاندارد و بارم‌بندی قرار داده شده است تا برای ارزشیابی ارائه طریق نماید.

قالب کلی تمارین

ردیف	تمرین	قالب و الگوها
۱	واژه	۱- معنای واژه
		۲- واژگان مترادف و متضاد
		۳- شناخت و کاربرد واژگان در جمله
		۴- انتخاب واژه درست برای جای خالی، وصل کردن واژه‌های مرتبط در دو ستون
		۵- مکالمه
		۶- جدول کلمات متقاطع رمزدار
۲	ترجمه	ترجمه جملات عربی به فارسی شامل: آیه، حدیث، جمله‌های معمولی
۳	قواعد	شناخت و کاربرد قواعد: شامل: شناخت فعل امر، فعل نهی، معادل فعل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی، وزن و حروف اصلی، ساعت شماری
۴	درک مطلب	۱- پاسخ به سؤالات عربی
		۲- انتخاب گزینه مناسب برای پاسخ به پرسش‌های بخش درک مطلب
۵	پژوهش	ایجاد روحیه پژوهشی در دانش‌آموزان

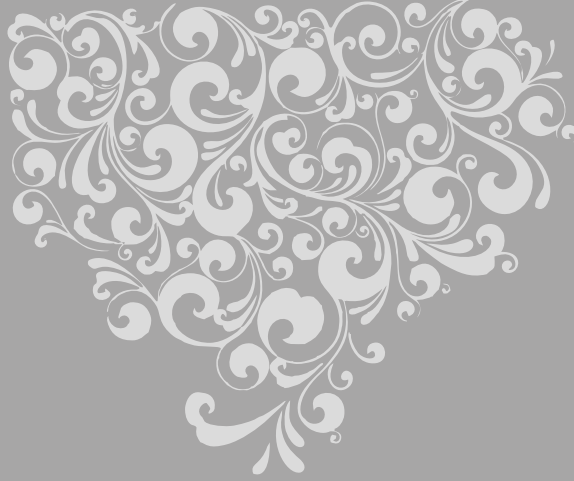
این بخش از این جهت اهمیت دارد که در ارزشیابی‌ها، معیار و شاخصی برای طراحی سؤالات امتحانی است و معلم باید از الگوها و قالب‌های موجود بهره‌بردار و از طرح سؤالاتی مانند فارسی به عربی، ساختن صیغه‌های مختلف فعل که در کتاب معلم منع شده است، خودداری کند.

کنز الحکمة و نور السماء

این بخش شامل آیات مبارک قرآن مجید و احادیث شریف مطابق با ساختار کتاب درسی است. در هر درس آیاتی انتخاب شده است که علاوه بر مفهوم کاربردی و مناسب آن با ساختار آموزشی تدریس شده سازگار است. این نکته در هر سه کتاب عربی دوره اول متوسطه رعایت شده است.

پژوهش و فعالیت

پژوهش‌ها و فعالیت‌های کتاب در حدّ توان دانش‌آموز انتخاب شده است. دانش‌آموز در درس عربی سومین سالی است که عربی می‌خواند و در پایه هفتم و هشتم حدّاکثر ۴۰ جلسه در کلاس بوده است. پژوهش در درس عربی و انگلیسی بسیار سخت است. چون زبان آن فارسی نیست.



بخش چهارم

محتوای کتاب عربی پایه نهم
و چگونگی آموزش درس‌ها



اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند در کنار واژگان جدید درس مهم‌ترین

آموخته‌های کتاب درسی عربی پایه هفتم و هشتم را به شرح زیر به یاد بیاورد:

- ۱- معنای ۱۶ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند؛
- ۲- مهم‌ترین سخنان حکیمانه عربی پایه هفتم و هشتم را ترجمه کند؛
- ۳- اسم‌های مفرد، مثنی و جمع را در جمله تشخیص دهد؛
- ۴- ساختار جمله‌های دارای اسم اشاره به دور و نزدیک را درست تشخیص دهد؛
- ۵- با کلمات پرسشی «هل، أ، أین، مَنْ (مَنْ هُوَ، مَنْ هِيَ)، ما (ما هُوَ، ما هِيَ، ماذا)، کَم، لِمَاذا، متی و کیف» پرسش و پاسخ انجام دهد؛
- ۶- فعل‌های ماضی و مضارع (ثلاثی مجرد صحیح و سالم) را در جمله تشخیص دهد و ترجمه کند؛
- ۷- نام رنگ‌های اصلی را در حالت عمومی (مذکر) بیان کند؛
- ۸- نام روزهای هفته و فصل‌ها را از حفظ بگوید؛
- ۹- کلمات مترادف و متضاد را تشخیص دهد؛
- ۱۰- کلمات پرکاربرد عربی پایه هفتم و هشتم را درست ترجمه کند؛
- ۱۱- معنای ضمائر را بگوید؛
- ۱۲- عددهای اصلی را از یک تا دوازده و ترتیبی را از یکم تا دوازدهم از حفظ بگوید.

فرایند آموزش

ابتدای متن درس با خوشامدگویی به دانش‌آموزان و مقدمه‌ای کوتاه آغاز شده، سپس شعری شاد برای دانش‌آموزان آورده شده است. شایسته می‌باشد متن شعر با استفاده از کتاب گویا برای دانش‌آموزان اجرا گردد. وزن شعر، وزنی شاد است؛ (مفتعلن فعلن فعلاتن) لذا دانش‌آموزان می‌توانند آن را در کلاس نیز اجرا کنند.

هماهنگی در ترجمه متن درس:

يَبْتَدِي الْعَامَ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدُ. يَذْهَبُ الطَّلَابُ وَ الطَّالِبَاتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِفَرَحٍ؛ هُمْ يَحْمِلُونَ

حَقَائِبِهِمْ؛ الشَّوَارِعُ مَمْلُوءَةٌ بِالْبَيْنِينَ وَ الْبَنَاتِ. بَيَّنَدِي فُضْلَ الدَّرَاسَةِ وَ الْقِرَاءَةِ وَ الْكِتَابَةِ وَ فَضْلَ الصَّدَاقَةِ
بَيْنَ التَّلَامِيذِ.

سال تحصیلی جدید (نو) آغاز می شود (شروع می شود). دانش آموزان پسر و دختر با خوشحالی به مدرسه می روند، آنها کیف هایشان را برمی دارند (حمل می کنند)؛ خیابان ها پر از پسران و دختران است. فصل درس خواندن و خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش آموزان آغاز می شود.

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾	به نام خداوند بخشنده مهربان
أَبْدَأُ بِاسْمِ اللّٰهِ كَلَامِي	أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ قِيَامِي
با نام خدا سختم را آغاز می کنم	پروردگارم را هنگام برخاستنم یاد می کنم
أَبْدَأُ بِاسْمِ اللّٰهِ دُرُوسِي	أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي
با نام خدا درس هایم را آغاز می کنم	پروردگارم را هنگام نشستنم یاد می کنم.
أَقْرَأُ بِاسْمِ اللّٰهِ كِتَابِي	أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صِعَابِي
کتابم را با نام خدا می خوانم	از پروردگارم، حلّ سختی هایم (مشکلاتم) را درخواست می کنم. (می خواهم)
مَكْتَبِنَا نُورٌ وَ حَيَاةٌ	فِيهِ دُعَاءٌ، فِيهِ صَلَاةٌ
مکتب ما (مدرسه ما) روشنایی و زندگی است.	در آن دعاست، در آن نماز است.
فِيهِ عُلُومٌ، فِيهِ كَمَالٌ	فِيهِ كُنُوزٌ، فِيهِ جَمَالٌ
در آن دانش هاست، در آن کمال هست.	در آن گنج هاست، در آن زیبایی هست.
يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ	وَ يُدْرَسُ فِيهِ الْحِكْمَاءُ
دانشمندان از آن فارغ التحصیل می شوند (دانش آموخته می شوند)	و حکیمان در آن درس می خوانند.
هَا كُتُبِي أَنْوَارٌ سَمَائِي	مَرَحَمَةٌ، كَنْزٌ، كَدَوَائِي
هان، کتاب هایم روشنایی های آسمانم،	مهربانی و گنج و مانند دارویم هستند.
أَبْدَأُ بِاسْمِ اللّٰهِ أُمُورِي	فَأَسْمُ إِلَهِي، زَادٌ سُرُورِي



نام خدایم، شادی‌ام را افزون ساخت (زیاد کرد)

با نام خدا کارهایم را آغاز می‌کنم

واژگان

این درس ۱۶ واژه جدید دارد. از آنجا که هدف درس اول صرفاً دوره‌ای بر آموخته‌های پیشین بوده است؛ لذا تعداد کلمات جدید اندک است.

سخنان حکیمانه

اغلب جملات حکمت‌آمیز عربی هفتم از احادیث پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی علیه السلام است. سعی شده است تا فرایند ترجمه این عبارات تنوع داشته باشد. سخنان حکمت‌آمیز را دانش‌آموزان می‌خوانند و ترجمه می‌کنند. معلم در اینجا نقش راهنما و مصحح دارد.

قواعد

خلاصه آنچه دانش‌آموز در عربی هفتم خوانده در تمریناتی متنوع طراحی شده است. هدف از قواعد فقط کمک به ترجمه است و خود به خود هدف نیستند. همانند کتاب درسی عربی هفتم و هشتم در این کتاب نیز هدف تا پایان کتاب فقط این است که دانش‌آموز بتواند درست بخواند و درست ترجمه کند و جمله‌ای را که معلم بر زبان می‌آورد درست بشنود و از آنجا که یکی از دو هدف آموزش درس عربی کمک به زبان و ادبیات فارسی است باید بتواند در درس فارسی به او کمک کند.

تمرین‌ها

هدف اصلی در این قسمت، تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تسهیل آموزش عربی سعی شده است تا: تمرین درس ساده باشد؛ تا دانش‌آموز از حل آن لذت ببرد. تعداد آنها نیز کم باشد؛ تا معلم فرصتی برای تقویت و ارتقای دو مهارت زبانی شنیدن و خواندن داشته باشد.

شایسته است دبیر ارجمند برگه‌ای مخصوص قرائت دانش‌آموزان داشته باشد و هر بار که کسی

عبارتی یا تمرینی را می‌خواند در آن علامت بزند تا عدالت آموزشی در این باره اجرا شود. برای حلّ تمرینات نیازی به دفتر پاک‌نویس نیست. در کتاب درسی جای جواب پیش‌بینی شده است.^۱

این کار موجب می‌شود دانش‌آموز کمتر خسته شود و فرصت کافی برای مهارت شفاهی زبان داشته باشد.

حلّ تمرین‌ها بر عهده دانش‌آموز است و نقش معلم، نظارت و تصحیح است. به‌منظور صرفه‌جویی در وقت کلاس تمرینات به‌گونه‌ای طراحی شده است که معلم بتواند در دو جلسه درس اول را به پایان برساند.

تمرین اول، دوم و سوم: در این سه تمرین، چند آیه شریفه و نیز مهم‌ترین سخنان حکمت‌آمیز عربی پایه هفتم و هشتم برای تقویت مهارت ترجمه گزینش شده است. جملات این تمرین‌ها را می‌توان در زندگی روزمره به‌عنوان شاهد مثال برای بسیاری از موقعیت‌ها به‌کار برد.

تمرین چهارم: دانش‌آموز در این تمرین، باید فعل‌های ماضی و مضارع را در چند آیه معلوم کند. او باید بتواند این آیات را درست بخواند. در دو کتاب پیشین با ترجمه این آیات آشنا شده است. **تمرین پنجم:** در این تمرین پنج آیه از آیات شریفه قرآن که به لحاظ ساختاری مطابق با اهداف ساختاری کتاب عربی هفتم و هشتم هستند، برای تمرین ترجمه انتخاب شده‌اند.

تمرین ششم: هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در تشخیص زمان فعل است. دانش‌آموز باید بتواند دو فعل ماضی و مضارع را از هم تشخیص دهد تا بتواند آنها را درست ترجمه کند.

تمرین هفتم: هدف تطابق ضمیر و فعل است. هرچند دانش‌آموز در پایه هفتم با ضمائر آشنا شده است، ولی تکرار آن و به‌ویژه نهادن آن کنار ضمیر منفصل به تقویت یادگیری منجر می‌شود.

تمرین هشتم: این تمرین موجب تقویت شناخت و ترجمه فعل می‌شود. درجه دشواری تمرین بسیار بالاست. لذا باید از دانش‌آموزان مستعد و قوی‌تر سؤال شود. در طرح سؤال امتحان سؤال مناسبی نیست، ولی برای تمرین در کلاس و تقویت مهارت شناخت فعل خوب است.

تمرین نهم: این تمرین برای تقویت مهارت مکالمه است. دانش‌آموز با توجه به تصاویر به سؤالات پاسخ می‌دهد. این تمرین به دلیل مصور بودن، جذابیت دارد. دانش‌آموزان از این سؤال در

۱- در امتحان شفاهی به‌راحتی می‌توان از کتابی دست‌نخورده استفاده کرد. برخی می‌گویند اگر دانش‌آموز پاسخ را در کتاب بنویسد روز امتحان نمی‌تواند خودآزمایی کند؛ اما چنین نیست با چیزی شبیه یک تکه کاغذ یا خط‌کش به‌راحتی می‌توان روی پاسخ‌ها را گرفت.

امتحان لذت می‌برند، ولی طرح چنین سؤالی بسیار وقت‌گیر است؛ زیرا باید مصور باشد. هر تصویری نیز برای برگه امتحانی مناسب نیست؛ لذا طراحی سؤال ساده نیست؛ اما از نظر آموزشی کاری شایسته تقدیر است.

اما چند جواب پیشنهادی جهت هماهنگی در حل تمرین به ترتیب عبارت است از:

۱- حَمَامَتَانِ یا علی الشجرة حمامتان. ضمناً اگر دانش‌آموز جواب داد حمامتین نباید غلط گرفت. چون فرق حمامتان و حمامتین را نمی‌داند و آموزش ندیده است. ۲- نعم. یا نعم، هذا زمیلی. یا نعم، هو زمیلی. یا لا، ليس هذا زمیلی و ... ۳- بین الشجرتین. یا هو بین الشجرتین. یا ذلك الرجل بین الشجرتین. یا فی الغابة یا ...

۴- لِسْعَدِي. یا ... ۵- فی الکیمیا. یا ... ۶- أربعة. تطابق عدد و معدود مطلقاً از اهداف نیست. (أربعة کراسی)

۷- سیارة. یا فی هذه الساحة سیارة. ۸- چندین پاسخ می‌توان داد. مثلاً بعد دقائق و ... ۹- بخیر. نحن بخیر یا ...

۱۰- بالطائرة. یا یسافرون بالطائرة و ...

تمرین دهم:

هدف، تکرار عددهای یک تا دوازده، اول تا دوازدهم، روزهای هفته، نام فصل‌ها و نام سه وعده غذایی است.

تمرین یازدهم: این تمرین موجب تقویت مهارت زبانی مکالمه می‌گردد. هرچند آموزش مهارت زبانی مکالمه از اهداف اصلی این کتاب نیست؛ اما این تمرین موجب تحرک در کلاس درس و ایجاد علاقه و انگیزه می‌گردد.

تمرین دوازدهم: این تمرین برای تثبیت آموخته‌های پیشین دانش‌آموز در ضمیر و فعل ماضی و مضارع است. آنچه را دانش‌آموز در این زمینه آموخته است با تکرار و تمرین ملکه ذهن خودش می‌سازد. **تمرین سیزدهم:** هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی است. از دانش‌آموز بخواهیم هر چهار کلمه را معنا کند، سپس کلمه‌ای را که از نظر معنایی با سه کلمه دیگر ناهماهنگ است، معلوم کند و دلیل ناهماهنگی را توضیح دهد.

مثلاً سؤال اول باید این گونه حل شود. مَوْظَفَةٌ □ طَبِيبَةٌ □ طَبَّاحَةٌ □ حَقِيبَةٌ □

گزینه‌های اول، دوم و سوم شغل هستند. (کارمند، پزشک و آشپز) اما گزینه چهارم به معنای



کیف یا چمدان است و ربطی به سایر گزینه‌ها ندارد.

توجه داشته باشیم که در طراحی این سؤال چنین اشتباهی را مرتکب نشویم.

کدام کلمه از نظر معنایی و دستوری با بقیه کلمات ناهماهنگ است؟

۱- مَوْظَفَةٌ □ طَبِيبَةٌ □ طَبَاخَةٌ □ حَقِيبَةٌ □ پاسخ حَقِيبَةٌ است.

مَوْظَفَةٌ □ طَبِيبَةٌ □ طَبَاخٌ □ حَقِيبَةٌ □ علاوه بر حَقِيبَةٌ، طَبَاخٌ نیز می‌تواند ناهماهنگ

باشد.

۲- مُحَافِظَةٌ □ قَرِيبَةٌ □ مَدِينَةٌ □ طَبِيبٌ □ پاسخ طَبِيبٌ است.

مُحَافِظَةٌ □ قَرِيبَةٌ □ بَلَدٌ □ طَبِيبَةٌ □ پاسخ می‌تواند طَبِيبَةٌ باشد و بَلَدٌ نیز درست

است.

در طراحی سؤال برای این بخش دقت لازم را داشته باشیم که سؤال، دو پاسخ نداشته باشد.

تمرین چهاردهم: هدف از این تمرین، تقویت مهارت واژه‌شناسی و درک مطلب است.

دانش‌آموز باید معنای کلمات داده شده و معنای جمله‌ها را بفهمد و ارتباط میان آنها را کشف کند.

به لحاظ آموزشی این تمرین در مرحله بالایی از سطوح یادگیری است. طرح چنین سؤالی در امتحان

سخت و وقت‌گیر ولی با ارزش است.

تمرین پانزدهم: هدف از این تمرین تقویت مهارت واژه‌شناسی است. دانش‌آموز با کاربرد

واژگان در این تمرین آشنا می‌شود. از این تمرین در آموزش زبان بسیار استفاده می‌شود.

تمرین شانزدهم: برای تقویت توان واژه‌شناسی دانش‌آموز است. در آموزش هر زبانی، تمرین

متضاد و مترادف طراحی می‌گردد؛ زیرا روش مناسبی برای تسلط بر مفردات است.

از طراحی چنین سؤالاتی در امتحان خودداری گردد:

مترادف کلمات داده شده را بنویسید: والده، بیت، بستان

متضاد کلمات داده شده را بنویسید: قلیل، بعید، یمین

طرح سؤال لازم است بدین گونه باشد:

کلمات متضاد را دوه‌دو کنار هم بنویسید. (قریب / قبیح / صغیر / کبیر / بعید / جمیل)

کلمات مترادف را دوه‌دو کنار هم بنویسید. (ورد / رجل / امرأ / زهر)

بین کلمات مترادف و متضاد علامت مناسب بگذارید: قریب ... بعید والده ... أمُّ

تمرین هفدهم: هدف از این تمرین، یادآوری آموخته‌های درس اول عربی هفتم است. هرچند

از این مطلب در امتحان سؤال طرح نمی‌شود اما دانستن این مطلب به فهم زبان کمک می‌کند. گذشت

زمان موجب فراموش شدن آموخته‌ها می‌گردد؛ لذا هرچند وقت یک بار این یادآوری‌ها لازم است.

ارزشیابی

در ارزشیابی از درس اول باید توجه داشت که همان‌گونه که از نام درس پیداست کلاً این درس ارزشیابی است و نیازی به ارزشیابی مجدد از آن نیست. پس می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا در گروه‌های چندنفره آن را حل کنند، سپس رفع اشکال توسط معلم انجام شود، یا اینکه در منزل حل کنند و در کلاس رفع اشکال گردد. انتظار نمی‌رود در مدت دو جلسه آموزشی در آغاز مهرماه کلاً مطالب عربی پایه هفتم و هشتم به اندازه کافی، تکرار و تمرین گردد. در این درس فقط مهم‌ترین مطالب تکرار شده است و به تدریج در درس‌های دوم تا دهم این تکرار در دل متون، عبارات و تمرینات انجام خواهد شد. این تکرار حتی در سال‌های آینده نیز انجام خواهد شد.

وسایل کمک آموزشی

شایسته است دبیران محترم از این وسایل کمک آموزشی در کلاس استفاده کنند:
کتاب گویا، نرم افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف^۱، پاورپوینت، کلیپ آموزشی، اسلاید، پوستر، فلش کارت

۱- آموزگاران، خبرنگاران و ... اینفوگرافیک را به عنوان امتیازی یافته‌اند که در رساندن تندتر و تیزهوشانه‌تر مقاصدشان به مخاطبان آنها را یاری می‌رساند. (یک انقلاب بصری)
امروزه باید بصری صحبت کنیم. با تصویرسازی درست، افراد می‌توانند سریع‌تر و با پشتیبانی اطلاعات بهتر تصمیم‌سازی کنند.

اینفوگراف چیست؟

واژه اینفوگراف Infograph کوتاه شده Information Graphic است. امروزه اینفوگراف‌ها را بسیار در اطراف خود مشاهده می‌کنیم، کتاب‌های کودکان، اخبار، نقشه‌ها و ارائه اطلاعات علمی، همه به نوعی از اینفوگراف به عنوان یک ابزار کارا استفاده می‌کنند. ابزاری که دو هدف عمده را پوشش می‌دهد:
اینفوگرافیک نمایشگر تصویری اطلاعات و داده‌هاست.

تحقیقات نشان می‌دهد که مردم توجه کمتری به نوشته‌ها و متون دارند و این توجه کمتر و کمتر می‌شود و تمایل برای صرف زمان بیشتر بر جنبه‌های بصری وجود دارد. استفاده از گرافیک‌های اطلاع‌رسان باعث می‌شود بیننده با نگاهی کوتاه حجم قابل توجهی از اطلاعات را که شکل نوشتاری آن ممکن است مقاله بلند بالایی را تشکیل دهد، به سادگی از طریق بصری دریافت کند و حتی آن را به خاطر بسپارد. شاید به همین دلیل باشد که امروزه گرافیک‌های اطلاع‌رسان همه جا مشاهده می‌شوند، از نشریات گرفته تا علائم راهنمایی و رانندگی.

آنچه یک دیدن کند ادراک آن سال‌ها نتوان نمودن با بیان (مولوی) ←

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱- جمع این به دو صورت اُبناء و بَنُونَ (بَنِينَ) درست است. کلمه بنین که در درس آمده است ملحق به جمع مذکر سالم است. ملحق به جمع مذکر سالم کلماتی هستند که اعراب جمع مذکر را می‌گیرند؛ اما شرایط آن را ندارند و معروف‌ترین آنها عبارت‌اند از کلماتی که معنای جمع دارند و مفردی از خود ندارند؛ مانند:

«أولو» و «عالمون» (جمع عالم) و «اعداد عقود»، مانند «عشرون» تا «تسعون» و کلماتی نظیر «بنون» و «أرضون» و «سنون» که ملحق به جمع محسوب می‌شوند.

۲- تلمیذ: به معنای دانش‌آموز دبستان است. واژه سُریانی معرب به معنای شاگردی است که پیشه‌ای می‌آموزد. (خود کلمه شاگرد نیز در فارسی شاه‌گرد بوده است. یعنی خدمتگزاری که گرد شاه است.) جمع آن افزون بر تلامیذ، تلامیذة نیز هست. در فارسی مصدر «تَلَمَّذ» را از آن ساخته‌ایم که در عربی به کار نمی‌رود. تلمیذ تقریباً هم‌معنای طالب است. اما طالب دانش‌آموز دبیرستانی و یا دانشجو است؛ مثال:

طالب ثانوی: دانش‌آموز دبیرستانی و طالب جامعی: دانشجو.^۱

→ نخستین اینفوگرافیک‌ها را می‌توان در نگاره‌های داخل غار انسان‌های نخستین یافت.

برخی اینفوگراف‌ها یک داستان را در یک نگاه کوتاه و خواندن مختصر بیان می‌کنند. برخی دیگر کمی پیچیده‌ترند و نیاز دارند که خواننده زمان بیشتری به همراه تفکر صرف کند.

جدول صرف فعل مضارع در حالی که در آن به حروف مضارعه (یَ، تَ، نَ، أ) و ضمایر متصل فاعلی و اعراب اصلی و فرعی رفع اشاره شده است زبان عربی را زبانی دشوار جلوه‌گر می‌سازد.

دانش‌آموز با دیدن جزوه‌ای که قواعد فعل مضارع را مفصلاً آموزش می‌دهد یادگیری زبان عربی را بسیار سخت می‌بیند؛ اما یک اینفوگراف او را کنجکاو و علاقه‌مند می‌سازد.

در یک اینفوگراف، جملاتی مانند «اللاعبُ الفائزُ يرفعُ الكأسَ». دیده می‌شود که در کنار آن تصویر بازیکنی که جام پیروزی را بالا برده است.

دانش‌آموز با دیدن جمله‌ها و تصاویر با ساختار فعل مضارع آشنا می‌شود.

۱- تلمیذ: دانش‌آموز دبستانی، شاگرد / الجمع: تلامیذة و تلامیذ

التلمیذُ: خادم الأُستاذ من أهل العلم أو الفن أو الحرفة، طالب العلم، و خضه أهل العصر بالطالب الصغير في المراحل

الدراسیة الأولى، تلمیذٌ في مدرسة ابتدائية، صبي يتعلم صناعة أو حرفة

۳- قَامَ یعنی ایستاد، برخاست، بلند شد؛ اَمَا وَقَفَ یعنی ایستاد، توقف کرد.^۱

۴- مصدر دَرَسَ يَدْرُسُ می‌شود: دِرَاسَةٌ و دَرَسٌ. دَرَسَ التَّوْبَ: جامه را کهنه کرد. وجه تسمیه

دَرَس همین است که آن قدر باید خواند که گویی مانند جامه‌ای کهنه شود.^۲

۵- دِرَاسَةٌ به دو معنای «درس خواندن» و «بررسی و پژوهش» است.

۱- قَامَ: قَامَ إِلَى / قَامَ بِ- / قَامَ عَلَى / قَامَ لِيَقُومَ، قُمَ، قَوْمًا و قِيَامًا و قَامَةً، و اسم فاعله قائم و اسم مفعوله مَقُوم

قَامَ الشَّخْصُ: وقف و نهض، انتصب، عکسه قعد

قَامَ النَّهَارُ: انْتَصَفَ

قَامَ مِنْ نَوْمِهِ: اسْتَبَقَطَ

قَوْمُوا بَنًا: هَيُّوا بَنًا

قَامَ يَخْطَطُ لِمَشْرُوعِهِ: أَخَذَ شَرَعَ

قَامَ بِهِ وَ قَعَدَ: نَشَرَ عَنْهُ أَخْبَارَ السُّوءِ

قَامَ عَلَى الْأَمْرِ: دَامَ وَ تَبَّتْ

قَامَ لِلأَمْرِ: تولاه

۲- دَرَسَ / دَرَسَ بِ- / دَرَسَ فِي يَدْرُسُ، دِرَاسَةٌ دَرَسٌ، دِرَاسٌ و دُرُوسًا، و اسم فاعله دارس، و اسم مفعوله مَدْرُوس و الجمع:

دُرُسٌ، و دَوَارِسٌ

دَرَسَ الْكِتَابَ وَ نَحَوَهُ: كَرَّرَ قِرَاءَتَهُ لِيَحْفَظَهُ

دَرَسَ الْأَثْرَ: تَقَادَمَ عَهْدُهُ

دَرَسَ التَّوْبَ وَ نَحَوَهُ: بَلَى

دَرَسَ الْعِلْمَ عَلَى فَلَانٍ: تَلَقَّاهُ عَلَى يَدَيْهِ، تَتَلَمَذَ لَهُ

دَرَسَ بِالْمَعْهَدِ / دَرَسَ فِي الْمَعْهَدِ: تَعَلَّمَ فِيهِ

دَرَسَ التَّوْبَ: صَبَّرَهُ بِالْيَأْ

دَرَسَ الْكِتَابَ أَوْ الدَّرْسَ: أَحَاطَ بِمَا فِيهِ مِنْ عُلُومٍ أَوْ مَعَارِفٍ لِيَفْهَمَهَا وَ يَتَعَرَّفَهَا

دَرَسَ الْمَوْضُوعَ: تَقْصَّاهُ وَ بَحَثَ فِيهِ

دَرَسَ دَرَسًا وَ دُرُوسًا: عَفَا وَ ذَهَبَ أَثَرُهُ

دَرَسَ: (فعل) دَرَسَ يَدْرُسُ، تَدْرِيسًا، و اسم فاعله مَدْرِسٌ، و اسم مفعوله مَدْرَسٌ

دَرَسَ الْكِتَابَ وَ نَحَوَهُ: قَامَ بِتَدْرِيسِهِ، أَقْرَأَهُ وَ أَفْهَمَهُ لِلطَّلَبَةِ وَ نَحْوِهِمْ

دَرَسَتِ الْحَوَادِثُ الرَّجُلَ: جَرَّبَتْهُ، دَرَّبَتْهُ

دَرَسَ: (اسم) الجمع: أَدْرَاسٌ، وَ دَرَسَانٌ وَ دُرُوسٌ

الدَّرْسُ: الْخَلْقُ الْبَالِي مِنَ الثِّيَابِ وَ غَيْرِهَا

الدَّرْسُ: الطَّرِيقُ الْخَفِيُّ

الدَّرْسُ: الْمِقْدَارُ مِنَ الْعِلْمِ يَدْرُسُ فِي وَقْتٍ مَا وَ الْجَمْعُ: دُرُوسٌ وَ أَدْرَاسٌ

قَيْدُ الدَّرْسِ: تَحْتَ الدَّرْسِ



۶- فرق عام و سَنَة: معمولاً این دو مترادف گرفته می‌شوند. در قرآن کلمات «عام، عامین» و «سنة، سنین» به دفعات به چشم می‌خورد، در حالی که در فرهنگ‌های لغت عربی و فارسی هر دو را مترادف و یا با تعاریفی نزدیک به هم ذکر کرده‌اند، از جمله المنجد ذیل عام (عَوَمَ) آن را این‌گونه تعریف کرده است: «أربعة فصول، سنة كاملة متوالية» و در تعریف سنة (سنا- سنو) آورده‌اند: «اثنا عشر شهراً» و «۳۶۵ يوماً»؛ یعنی «سَنَة» همان سال خورشیدی است. گفته می‌شود:

(عام الفیل)، (عام الحزن)، (عام الوفود)، (عام فتح مکه) ولی گفته نمی‌شود: (سنة الفیل)، (سنة الحزن) و (سنة فتح مکه). امروزه (عام ۲۰۱۴) و (سنة ۲۰۱۴) هر دو گفته می‌شود؛ اما در متون کهن (سنة) گفته می‌شد و (عام) برای حوادث بوده است.

امروزه اصطلاح العامُ الدَّرَاسِيُّ کاربرد بیشتری از السَّنَة الدَّرَاسِيَّةُ دارد.^۱

۷- مَمَرٌ؛ یعنی راهرو یا گذرگاه. مَمَرٌ الطَّابِقِ الثَّلَاثِ؛ یعنی راهرو طبقه سوم.^۲

۸- زَادٌ دو معنا دارد: زیاد شد، زیاد کرد.^۳

۱- عام: (اسم) الجمع: أعوام / العامُ: السَّنَة / رأس العام: أوَّلُه

عام العُزْن: العام العاشر من بعثة النبي (ص) و هو العام الذي تُوِّي فيه أحبُّ النَّاسِ إلى الرسول و آخرهم عنده؛ زوجته خديجة، و عمه أبوطالب

عام الفیل: العام الذي هجم فيه الأحباشُ بأفياهم على الكعبة، و فيه كانت ولادة النبي صَلَّى اللهُ عليه و آله و سلم

سَنَة: (اسم) الجمع: سنوات، و سِنُونَ

السَّنَة: فترة من الزمن مدتها اثنا عشر شهراً

السَّنَة: الأرض المُجْدَبَة

السَّنَة البسيطة: عدد أيامها ۳۶۵ يوماً، / السَّنَة الدَّرَاسِيَّةُ أو السَّنَة المُدْرَسِيَّة: مُدَّة الدَّرَاسَة و تَمْتَدُّ عادةً من أوائل الخريف

حتى أوائل الصَّيف من العام التَّالِي / السَّنَة المِلَادِيَّة: السَّنَة التي يبدأ عَدهَا عام ولد المسيح / رأس السَّنَة: أوَّلُ يوم منها

۲- مَمَرٌ: راهرو، گذرگاه الجمع: ممرات و مَمَارٌ

على مَمَرِ العصور: على طولها و مداها / على مَمَرِ الفصول: على تواليها و تعاقبها / مَمَرٌ مَائِي: مسطح مائي صالح للملاحة

كَنهر أو قنَاة / مَمَرٌ الرَّاجِلِيْنَ، مَمَرٌ المُشَاة: الحَبْرُ المُوجُودُ بَيْنَ حَظِيْنِ عَرِيضِيْنِ وَ الرَّابِطِ بَيْنَ رَاصِيْفِيْنِ

۳- زَادٌ / زَادٌ على / زَادٌ عن / زَادٌ في / زَادٌ يَزِيدُ، زِدْ، زِيَادَةٌ، زَيْدٌ، مَزِيدٌ و اسم فاعله زائد و اسم مفعوله مَزِيدٌ - للمتعدِّي:

زَادَ عَدَدَ السُّكَّانِ: تَضَاعَفَ، كَثُرَ / زَادَهُ اللهُ رِزْقاً عَلَى رِزْقِهِ: وَهَبَهُ، مَنَحَهُ طه، آية ۱۱۴: ﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْماً﴾

زَادَ الشَّيْءَ: جعله يزيد / زاد الطَّيْنُ بِلَّةً: زاد الأمرُ سوءاً، أو خَطُورَةً / زِدْ عَلَى ذَلِكَ أَنْ: أَضِفْ إِلَى ذَلِكَ

اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱- معنای ۲۹ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند؛
- ۲- متن درس را درست قرائت و ترجمه کند؛
- ۳- پیام متن را درک کند؛
- ۴- به هنگام ضرورت به حکمت‌های خوانده شده استشهاد کند؛
- ۵- حروف اصلی را در کلمات ثلاثی صحیح و سالم تشخیص دهد؛
- ۶- وزن کلمات را در کلمات ثلاثی صحیح و سالم تشخیص دهد؛
- ۷- معنای اسم‌های بر وزن «فَاعِلٍ» و «مَفْعُولٍ» را بگوید.

فرایند آموزش

متن درس دوم دربارهٔ اهمّیت قوانین راهنمایی و رانندگی است. سالانه در ایران، چند ده هزار نفر در تصادفات کشته و زخمی می‌شوند. لذا این وظیفهٔ هر درسی است که فراخور حال خود گریزی به این موضوع بزند. در درسی مانند فارسی، یا اجتماعی این موضوع به راحتی قابل بررسی است، ولی در عربی از آنجا که مشکل ساختار و واژگان وجود دارد؛ لذا محدودیت بسیار زیادی وجود دارد؛ با این حال یکی از متون کتاب به این موضوع پرداخته است تا دبیر به بهانهٔ آن به دانش‌آموزان که رانندگان آینده هستند هشدار می‌دهد.

بلافاصله پس از همهٔ درس‌های کتاب عربی نهم درک مطلب آمده است.

به منظور تسهیل آموزش این تمرین به صورت تشخیص درست، یا نادرست طراحی شده است.

همانگی در ترجمهٔ متن درس:

قَوَانِينُ الْمُرُورِ . قانون‌های رانندگی

رَجَعَ سَجَادٌ مِنَ الْمَدْرَسَةِ حَزِينًا؛ عِنْدَمَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ مَعَ أُسْرَتِهِ، بَدَأَ بِالْبُكَاءِ
فَجَاءَهُ وَ دَهَبَ إِلَى غُرْفَتِهِ؛ دَهَبَ أَبُوهُ إِلَيْهِ وَ تَكَلَّمَ مَعَهُ وَ سَأَلَهُ: «لِمَاذَا مَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ؟!»

سجاد با ناراحتی (اندوهگین) از مدرسه برگشت؛ وقتی که همراه خانواده‌اش بر سر سفرهٔ غذا نشست، ناگهان شروع به گریه کرد و به اتاقش رفت پدرش نزد او رفت و با او سخن گفت و از او

پرسید: «چرا غذا نخوردی؟!»

أَجَابَ: «هَلْ تَعْرِفُ صَدِيقِي حُسَيْنًا؟» قَالَ: «نَعَمْ، أَعْرِفُهُ؛ هُوَ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَ هَادِيٌّ. مَاذَا حَدَّثَ لَهُ؟» أَجَابَ سَجَادٌ:

پاسخ داد: «آیا دوستم حسین را می‌شناسی؟» گفت: «بله؛ می‌شناسمش؛ او پسری باهوش و آرام است. چه اتفاقی برایش افتاده است؟» سجاد جواب داد:

«هُوَ رَقَدَ فِي الْمُسْتَشْفَى؛ تَصَادَمَ بِالسَّيَّارَةِ؛ حَدَّثَ التَّصَادُمُ أَمَامِي؛ عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ عَلَى الرَّصِيفِ الْمُقَابِلِ؛ نَادَيْتُهُ؛ فَعَبَّرَ الشَّارِعَ فَجْأَةً وَ مَا نَظَرَ إِلَى الْيَسَارِ وَ الْيَمِينِ؛ إِقْتَرَبَتْ سَيَّارَةٌ مِنْهُ وَ صَدَمَتْهُ.»

«او در بیمارستان بستری شده است؛ با ماشین تصادف کرده است؛ تصادف جلوی من اتفاق افتاد؛ وقتی که او را در پیاده‌رو روبه‌رو (مقابل) دیدم؛ او را صدایش زدم؛ از خیابان عبور کرد و به چپ و راست نگاه نکرد؛ اتومبیلی به او نزدیک شد و به او برخورد کرد.»

قَالَ أَبُوهُ: «كَيْفَ حَالُهُ الْآنَ؟» قَالَ سَجَادٌ: «هُوَ بِخَيْرٍ؛ كَانَتْ سُرْعَةُ السَّيَّارَةِ قَلِيلَةً.» پدرش گفت: «حالا حالش چطور است؟» سجاد گفت: «او خوب است؛ سرعت ماشین کم بود.» فِي الْيَوْمِ التَّالِيِ طَلَبَ الْمُدْرَسُ مِنْ تَلَامِيذِهِ كِتَابَةَ قَوَانِينِ الْمُرُورِ فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ. روز بعد، معلم از دانش‌آموزانش خواست قوانین رانندگی را در یک روزنامه دیواری بنویسند. (در روز آینده معلم از دانش‌آموزانش نوشتن قوانین رانندگی را در یک روزنامه دیواری درخواست کرد.) ثُمَّ طَلَبَ مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْمُرُورِ شَرْحَ إِشَارَاتِ الْمُرُورِ فِي الْمَدْرَسَةِ. سپس مدیر مدرسه از اداره راهنمایی و رانندگی خواست علامت‌های راهنمایی و رانندگی را شرح دهند.

جَاءَ شَرْطِيُّ الْمُرُورِ وَ شَرَحَ الْإِشَارَاتِ الْأَلْوَانِيَّةَ لِلتَّلَامِيذِ وَ أَمَرَهُمْ بِالْعُبُورِ مِنْ مَمَرِ الْمَشَاةِ. پلیس راهنمایی و رانندگی آمد و علامت‌های لازم را برای دانش‌آموزان شرح داد و به آنها دستور داد از گذرگاه پیاده (خط‌کشی عابر پیاده) عبور کنند. (اگر دانش‌آموز تحت اللفظ معنا کرد با ارفاق نمره داده شود. ← به آنها به عبور از گذرگاه پیاده دستور داد.)

كَتَبَ التَّلَامِيذُ صَحِيفَةً جِدَارِيَّةً وَ رَسَمُوا فِيهَا عِلَامَاتِ الْمُرُورِ وَ شَرَحُوا مَعَانِيَهَا. دانش‌آموزان یک روزنامه دیواری نوشتند و در آن علامت‌های راهنمایی و رانندگی را نقاشی (رسم کردند) و معانی آن را شرح دادند.

«بدانیم»

در بخش «بدانیم» مبحث وزن و حروف اصلی به دانش‌آموز تدریس شده است؛ یک هدف اصلی این بخش، کمک به املاي دانش‌آموز است؛ یکی از راه‌هایی که معلّم ادبیّات فارسی به دانش‌آموزان پیشنهاد می‌کند تا املاي درست کلمات را تشخیص دهند، مراجعه به هم‌خانواده و حروف اصلی کلمه است؛ لذا این مبحث در یاری رساندن به املا بسیار مؤثر است؛ مثلاً برای درست نوشتن کلمه «استحکامات» مراجعه به هم‌خانواده‌های آن، یعنی «مستحکم و محکم و ...» به درست‌نویسی آن کمک می‌کند.

«فَنّ ترجمه»

در اینجا دانش‌آموز با معنای دو وزن «فَاعِل» و «مَفْعُول» آشنا می‌گردد. این دو وزن در کتاب درسی این گونه تعریف شده است: معمولاً وزن «فَاعِل» به معنای انجام‌دهنده یا دارنده حالت و وزن «مَفْعُول» به معنای «انجام شده» است؛ مثال:

حامد: ستاینده، مَحْمُود: ستوده شده
می‌توان در صورت داشتن وقت مثال‌های بیشتری پرسید؛ مثلاً:

قاتل، مقتول، ضارب، مضروب، شامل، مَشْمُول، حافظ، مَحْفُوظ، واجد، مَوْجُود، والد، مَوْلُود، رافع، مَرْفُوع، حاکم، مَحْكُوم، شاهد، مَشْهُود، عابد، مَعْبُود، حامل، مَحْمُول، وارد، مَوْرُود و ...

تمرین‌ها

تمرینات این درس نیز مانند درس اوّل کوتاه و ساده‌اند؛ تا دانش‌آموز با حلّ تمرین بتواند خود را بیازماید و آموخته‌هایش را تثبیت کند. سعی شده است حتّی الامکان در تمرینات کلمه جدیدی به کار نرود.

تمرین اوّل: هدف تشخیص حروف اصلی و ترجمه کلمات است. فراگیر در بخش «بدانیم» و «فَنّ ترجمه» با مفهوم ریشه و وزن آشنا شده است. اکنون در این تمرین می‌تواند آموخته خویش را ملکه ذهن کند.

تمرین دوم: نظر به اهمّیت باب‌های ثلاثی مزید، در این تمرین وزن فعل‌های باب‌های ثلاثی مزید طراحی شده است؛ امّا هدف مطلقاً تدریس ابواب ثلاثی مزید نیست. هدف این است که گوش

و چشم دانش‌آموز به این کلمات عادت کند. افعال ثلاثی مزید حتّی معتل در پایه هفتم و هشتم نیز آمده بود؛ اما هدف آموزش فعل ثلاثی مزید نبود؛ مثال: أَجَابَ، أَحَبَّ، اِشْتَرَى، أَعْطَى، شَاهَدَ و سَافَرَ. در کتاب نهم نیز فعل‌های ثلاثی مزید بسیار به کار رفته است، اما هدف، آموزش فعل ثلاثی مزید نیست. دانش‌آموز باید فعل «شَاهَدَ» را بشناسد و بداند به معنای «دید» است و فعل «يُشَاهِدُ» را نیز بشناسد و بداند به معنای «می‌بیند» است؛ اما اینکه بتواند از «شَاهَدَ» فعل مضارعش، یا از «يُشَاهِدُ» فعل ماضی‌اش، یا از «تُشَاهِدُ» فعل امرش را بسازد به هیچ روی از اهداف آموزشی نیست. هدف تنها دانستن معنای این کلمات است، آن هم در میان جمله، نه مستقلاً. اگر دانش‌آموز بتواند خوب بخواند و خوب بفهمد و خوب ترجمه کند می‌تواند خوب نیز بسازد. ولی ساختن، هدف کتاب نیست هرچند خودبه‌خود ساختن نیز حاصل می‌شود، اما به منظور تسهیل آموزش و ارزشیابی این الزام وجود دارد که از ساختن خودداری کنیم. دانش‌آموزی که علاقه‌مند است به دنبال ساختن می‌رود و دانش‌آموزان دیگر فقط در حد فهم متن عربی می‌آموزند. تخصص در مرحله دانشگاهی است. کسانی که علاقه‌مندند در دانشگاه زبان و ادبیات عرب را به صورت تخصصی خواهند خواند.

تمرین سوم: هدف تقویت مهارت خواندن و واژه‌شناسی و ترجمه است. این تمرین توان دانش‌آموز را در شناخت کاربرد کلمات تقویت می‌کند.

تمرین چهارم: هدف بازآموزی مبحث ضمیر است که در عربی هفتم و هشتم به کار رفته است. دانش‌آموز در اینجا ضمایر پراکنده را به صورت مرتب و یکجا می‌بیند. این تمرین او را در شناخت ضمیر کمک می‌کند.

تمرین پنجم: هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی است. او باید بتواند جمله را درست بخواند و درست ترجمه کند و معانی کلمات را نیز بداند تا بتواند تشخیص دهد کدام کلمه را می‌توان در جای خالی گذاشت.

تمرین ششم: هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی است. باید مراقب بود که در طرح سؤال دو گزینه درست نباشد. مثلاً در تشخیص کلمه ناهماهنگ در میان این چهار کلمه دو گزینه درست است.

حَمَامَةٌ / عُصْفُورٌ / غُرَابٌ / وَكْدٌ

گزینه ناهماهنگ می‌تواند حمامه باشد چون مؤنث است و از سوی دیگر می‌تواند ولد باشد که دانش‌آموز آن را به معنای «پسر» می‌گیرد و با خودش می‌گوید بقیه کلمات پرنده‌اند ولی این یکی انسان است.

تمرین هفتم: بی‌گمان آشنایی با قرآن و حدیث از اهداف اصلی کتاب عربی است؛ لذا این

تمرین که درباره وزن کلمات است از احادیث گهربار پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی رضی الله عنه برگزیده شده است. دانش آموز در عین حال که دارد روی مبحث وزن کلمات تمرین می کند با سخنانی حکیمانه مواجه می شود که می تواند در رفتار و نگرش او تأثیر عمیقی بگذارد.

تمرین هشتم: درک مطلب غایت والای کتاب درسی عربی هفتم، هشتم و نهم است. متن برگزیده درباره خانواده ای در یکی از شهرهای استان سیستان و بلوچستان است. در کتاب درسی عربی سعی شده است نام استان ها و شهرها و مناطق مختلف ایران ذکر شود. (مازندران، خراسان، کرمان، زاهدان، یاسوج، شیراز، اصفهان، تبریز، سنج، ایلام، بیستون، اهواز، شوشتر، پل گاو میشان، خرم آباد، مشهد، همدان، بدره ...)

تمرین نهم: هدف جدول کلمات متقاطع که در کتاب درسی به صورت یکی در میان آمده است، تقویت ذخیره واژگانی دانش آموز است. از آنجا که ترجمه از فارسی به عربی از اهداف کتاب نیست؛ لذا ۲۳ پاسخ روبه روی دانش آموز قرار دارد.

رمز جدول «فِي سَعَةِ الْأَخْلَاقِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ.» از حضرت علی رضی الله عنه است.

نام چند وسیله به زبان عربی:

اتومبیل: سَيَّارَةٌ / دوچرخه: دَرَّاجَةٌ هَوَائِيَّةٌ / سه چرخه: دَرَّاجَةٌ ثَلَاثِيَّةٌ الْعَجَلَاتِ / موتورسیکلت: دَرَّاجَةٌ نَارِيَّةٌ (در عربستان: دَبَّاب) / جرثقیل: مِرْفَاعٌ / اتوبوس: حَافِلَةٌ (در عربستان: باص، در عراق: مُنْشِئَةٌ) / هواپیما: طَائِرَةٌ / موشک: صَارُوخٌ / قایق: زَوْزَقٌ / قارب / کشتی: سَفِينَةٌ، بَاخِرَةٌ / مینی بوس: حَافِلَةٌ صَغِيرَةٌ / کامیون: شَاحِنَةٌ

نور السَّمَاءِ: هدف پیوند دادن درس عربی با فرهنگ اسلامی است. دانش آموز در اینجا آیاتی از کلام الله مجید تلاوت می کند. گزینش آیاتی که در راستای ساختار کتاب درسی باشد بسیار دشوار است. گزینش حدیث، ساده است. ولی در مورد آیات قرآن وضعیّت فرق دارد. احادیث کوتاه بسیاری وجود دارند، ولی آیات کوتاهی که از لحاظ ساختاری و واژگانی در حدّ کتاب درسی باشند، به فراوانی احادیث نیستند؛ لذا تأکید می گردد در ارزشیابی ها آیات تغییر داده نشوند.

ارزشیابی

در تشخیص وزن و حروف اصلی باید با روش کتاب و از مثال هایی شبیه به کتاب درسی استفاده کرد؛ مؤسّسات خصوصی و انتشاراتی ها که کتاب های کار را وارد مدارس می کنند سؤالاتی طرح می کنند که هیچ نفعی از آن حاصل نمی گردد؛

باید توجه داشته باشیم که همان‌گونه که در بارم‌بندی نیز آمده است در طرح سؤال از وزن و حروف اصلی فقط باید از کلمات صحیح و سالم و آشنا استفاده کرد و چنین کلماتی نیز طرح نشود: ملائکه و مایوس. حتی کلماتی مانند استراق و استماع که دانش‌آموز به جای افتعال، استفعال می‌نویسد و نیز کلمه انتظار که احتمال دارد به جای افتعال، انفعال پاسخ دهد؛ کلماتی مانند انتقام نیز در امتحان نباید طرح شود؛ زیرا حروف اصلی «ن ق م» برای دانش‌آموز ناآشناست.

چنین شیوه‌ای در امتحان فقط برای ایجاد انزجار از درس عربی مؤثر است و متأسفانه در برخی آزمون‌های مؤسسات خصوصی، برخی آزمون‌های غیر استاندارد طرح می‌شود. هرکس چنین سؤالاتی طرح می‌کند دانسته یا نادانسته به فرایند آموزش درس عربی در مدارس ضربه می‌زند.

وسایل کمک آموزشی

کتاب گويا، نرم افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف، پاورپوینت، کلیپ آموزشی، اسلاید، پوستر، فلش‌کارت

افزون بر وسایل کمک آموزشی یاد شده می‌توان از زبان فارسی نیز کمک گرفت. در کتاب‌های فارسی سال‌های گذشته موضوع هم‌خانواده در کتاب درسی، بسیار مطرح شده است و دانش‌آموزان به اندازه کافی با این موضوع آشنا هستند. می‌توان برای فهم بهتر این موضوع ارتباطی میان دو کتاب عربی و فارسی برقرار کرد.

هماهنگی در ترجمه آیات بخش «نور السماء»:

۱- ﴿... مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ﴿۶۲﴾ الْبَقَرَة: ۶۲

کسی که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارد و کار شایسته می‌کند، پاداش آنها نزد پروردگارشان هست.

۲- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۲﴾ الصَّف: ۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا می‌گویید آنچه را انجام نمی‌دهید؟!

۳- ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ﴿۲۱﴾ الْأَحْزَاب: ۲۱

قطعاً در فرستاده خدا برای شما الگوی خوبی هست. (همانا در رسول خدا برای شما الگوی

نیکویی وجود دارد.)

۴- ﴿إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ﴿۱۸۶﴾ الْبَقَرَة: ۱۸۶

هرگاه بندگانم از تو درباره من بپرسند، {بدانند که قطعاً} من به آنان نزدیکم.

۵- ﴿يَرْقِعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ﴾ الْمُجَادَلَةُ: ۱۱

خدا کسانی از شما را که ایمان آورده اند بالا می برد.

دانش افزایی برای دبير (نه برای دانش آموز)

۱- آمَنَ بر وزن أَفْعَلَ است. (آمَنَ، يُؤْمِنُ، إِيْمَانٌ) اصلِ آن «أَمَّنَ» بوده که ادغام شده است.^۱

۲- أُسْوَةٌ و قُدْوَةٌ مترادف هستند. جمع آن أُسَى و إِسَى است. تَأَسَى وِائْتَسَى یعنی اِقتَدَى.^۲

۳- تَكَلَّمَ یعنی صحبت کرد. در محاورات عربستان سعودی معمولاً كَلَّمَ به کار می رود.^۳

۴- رَقَدَ و نَامَ به معنای «خوابید» هستند. «مَرَقَدَ» از همین ریشه و به معنای خوابگاه یا آرامگاه است.^۴

۵- ماضی و مضارع مصدر شَقَاوَةٌ، شَقِيَّ يَشْقَى است که با سَعَدَ متضاد است و در فارسی این کلمه شِقَاوَت تلفظ می شود.

۶- فُجَاءَةً و فُجَاءَةً هم معنا هستند. فاجأه یعنی غافلگیرش کرد.^۵

۷- مضارع فَقَدَ به دو صورت يَفْقِدُ و يَفْقُدُ آمده ولی در المنجد فقط يَفْقِدُ ذکر شده

است. در فارسی مصدر فِقْدَانِ بیشتر به کار رفته است. در عربی فِقْدَانِ نیز گاهی به کار رفته است.^۶

۱- آمَنَ بِهِ وَتَقَى بِهِ وَصَدَقَهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ / آمَنَ لَهُ: اِنْقَادَ لَهُ وَ اطَاعَهُ / آمَنَ بِاللَّهِ / آمَنَ لِلَّهِ: اَسْلَمَ لَهُ وَ اِنْقَادَ

۲- أُسْوَةٌ: (اسم) الجمع: أُسَى، أُسْوَةٌ / إِسْوَةٌ: قُدْوَةٌ، مِثَالُ صَالِحٍ لِلتَّشْبِيهِ بِهِ / أُسْوَةٌ بِهِ: عَلِيٌّ مِثَالُهُ، عَلِيٌّ مِثَالُهُ، عَلِيٌّ غِرَارُهُ مَا يُتَعَزَّى بِهِ: صَارَتْ مِصِيبَتُهُ أُسْوَةً لغيره (أُسْوَةٌ: أَنْجَبَ فَرْدٌ غَمَّيْنِ بِأَنْ تَسَلَّى خَاطِرَ مِي يَابِد). كَانَتْ الزَّوْجَةُ وَ الْأَوْلَادُ أُسْوَةً لَهُ بَعْدَ وَفَاةِ أُمِّهِ.

۳- مِثَالًا تَكَلَّمَ دَرِ سَعُودِي كَلَّمَ وَ دَرِ عِرَاقِ اِحْجِي (اِحْك) كُفْتَهُ مِي شُود.

۴- رَقَدَ: (فعل) رَقَدَ / رَقَدَ عَلَى / رَقَدَ عَنْ يَرْقُدُ، رَقَدًا وَ رُقَادًا وَ رُقُودًا وَ رُقُودًا وَ اِسْمُ فَاعِلِهِ رَاقِدٌ وَ اِسْمُ مَفْعُولِهِ مَرَقُودٌ عَلَيْهِ رَقَدَ الشَّخْصُ: نَامَ لِيَلًا أَوْ نَهَارًا، رَقَدَ عَلَى ظَهْرِهِ: اسْتَلْقَى، رَقَدَتِ السُّوقُ: كَسَدَتْ، رَقَدَ عَنْ أُمُورِهِ: غَفَلَ عَنْهَا رَقَدَ عَنْ ضَيْفِهِ: لَمْ يَتَعَهَّدْهُ، جِئْتُ رَاقِدَةً: مَتَوَقِّفَةٌ عَنِ الْحَرَكَةِ، طَرِيحَةٌ، رَقَدَ رَقْدَتَهُ الْأَخِيرَةَ: مَاتَ، رَقَدَ الشَّيْءُ: سَكَنَ وَ هَبَطَ رَقَدَ الْعَرُ وَ الثُّفُلُ: إِذَا نَحَدَرَ إِلَى اسْفَلٍ وَ سَكَنَ، رَقَدَ الطَّيْرُ عَلَى بِيضِهِ: حَضَنَهُ

۵- فُجَاءَةً: [ف ج أ]. (مصدر فَجَأَ): - : آتَاهُ فُجَاءَةً: - : بَغْتَةً، أَي مَا يُفَاجِئُ الْإِنْسَانَ: - : شَقَّ السُّكُونُ فُجَاءَةً عَوَاءً ذَنْبًا. مَوْتُ الْفُجَاءَةِ: مَا يَأْخُذُ الْإِنْسَانَ بَغْتَةً؛ وَ هُوَ مَوْتُ السَّكِنَةِ.

۶- فَقَدَ: (فعل) فَقَدَ يَفْقِدُ، فَقَدًا وَ فِقْدَانًا وَ فُقْدَانًا، وَ اِسْمُ فَاعِلِهِ فَاقِدٌ وَ اِسْمُ مَفْعُولِهِ مَفْقُودٌ وَ فَقِيدٌ فَقَدَ الشَّيْءَ: ضَاعَ مِنْهُ وَ غَابَ عَنْهُ، فَقَدَ كُلَّ مَالِهِ: خَسِرَهُ، فَقَدَ حَيَاتَهُ: قَتَلَ، قَضَى نَحْبَهُ

۸- فَم، یعنی دهان و جمع آن أفواه است به اعتبار اینکه اصل فَم فَوه می‌باشد. مثنای آن فَمَان، فَمَوَان و فَمِيَان به سه شکل به کار رفته است. اما شکل فَمَانِ بهتر است. اسم منسوب آن فَمِي است که فَمَوِي نیز کاربرد دارد. در ترکیب با کلمات معانی دیگری دارد؛ مثال:

فَمُ الْمَعِدَةِ = باب المعده / فَمُ الرَّجَاجَةِ = سر شیشه / فَمُ الْقَيْنَةِ = سر بطری / فَمُ السَّيْفِ = لبه شمشیر.^۱

۹- قُبِح زشتی در گفتار، کردار، پندار و چهره است. قَبِيح نیز زشت است که در برابر جَمِيل قرار دارد. متضاد قُبِح حُسْن یا جَمَال است.^۲

۱۰- رَصِيف یعنی «پیاده‌رو» و به معنای «استوار» نیز به کار رفته است.

عَمَلٌ رَصِيفٌ: کار استوار جَوَابٌ رَصِيفٌ: پاسخ استوار.^۳

۱۱- لَقَدَ ترکیب لَ + قَدَ است و بر سر فعل ماضی برای تأکید در معنا به کار می‌رود.

۱۲- لِمَ ترکیب (لِ + ما) است که حرف الف کوتاه شده است. هنگامی که حرف جر بر سر می‌آید، الف آن حذف می‌شود. مثال‌های دیگر: عَمَّ (عَنْ + ما)، مِمَّ (مِنْ + ما)، بِمَ (بِ + ما)، فِيمَ (فِي + ما)، اِلَمَّ (إِلَى + ما)، عَلَمَّ (عَلَى + ما)

۱۳- «ما» معانی و کاربردهای زیادی دارد؛ مثال:

→ فَقَدْ مَا كَانَ يَتَمَتَّعُ بِهِ مِنْ احْتِرَامٍ وَ حُظُوةٍ عِنْدَ النَّاسِ: صَغُرَ فِي عِيُونِهِمْ، ضَيَعَ، فَقَدْ صَوَابَهُ: جُنَّ فَقَدْ عَقَلَهُ، فَقَدْ صَبْرَهُ: عَيْلَ صَبْرَهُ وَ لَمْ يَبْدَأْ قَادِرًا عَلَى التَّحَمُّلِ، فَقَدْ صَدِيقَهُ: ضَيَعَهُ، أَوْ مَاتَ، فَقَدْ أَعْصَابَهُ: ثَارَ وَ غَضِبَ، لَمْ يَتَحَكَّمْ فِي نَفْسِهِ، فَقَدْ الْأَمْلَ: فَنَطَأَ، يَبْسُ فَقَدْ بَصْرَهُ: أَصِيبَ بِالْعَمَى، فَقَدْ ذَاكَرْتَهُ: نَسِيَ مَا يَعْرِفُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَ غَيْرِهِ، فَقَدْ رُشِدَهُ / فَقَدْ صَوَابَهُ / فَقَدْ عَقَلَهُ: جُنَّ، تَصَرَّفَ بِطَيْشٍ وَ تَسَرَّعَ، فَقَدْ شَعُورَهُ: غَشِيَ عَلَيْهِ

۱- فَم: (اسم) الجمع: أفهام و أفواه، مثني فَمَان و فَمَوَان، فَم، فَم

فَم الشَّخْصِ أَوْ الْحَيَوَانَ: فُوْهُ، فَتَحَةُ ظَاهِرَةٌ فِي وَجْهِهِ تَحْتَوِي عَلَى جِهَازِي الْمَضْغِ وَ النَّطْقِ
أَلْقَى بِنَفْسِهِ فِي فَمِ الذُّبَابِ: عَرَضَ نَفْسَهُ لِلْخَطَرِ دُونَ تَرَوُّ وَ لَا بَصِيرَةٍ

فَم الشَّيْءِ: فَتَحَتُهُ، أَوَّلُهُ، فَم الْوَادِي / الْقَرْبَةِ / التَّرْعَةِ، الْفَمَانِ: الْفَمُ وَ الْأَنْفُ، فَم الْقَارُورَةِ: رَأْسُهَا

۲- قُبِح: (اسم) الجمع: مَقَابِحُ، مصدر قَبِيحٌ، الْقُبْحُ: ضِدُّ الْحُسْنِ وَ يَكُونُ فِي الْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ وَ الصُّورَةِ
قُبْحًا لَهُ: دُعَاءٌ عَلَيْهِ بِالْإِبْعَادِ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ

۳- رَصِيف: (اسم) الجمع: أَرْصِيفَةٌ وَ رُصْفٌ وَ رُصْفَانٌ

الرُّصِيفُ: الرُّصَيْنُ، عَمَلٌ رَصِيفٌ: مُحْكَمٌ، رَجُلٌ رَصِيفٌ: مُحْكَمُ الْعَمَلِ، جَوَابٌ رَصِيفٌ: مُتَّقَنٌ لَا يَرُدُّ

الرُّصِيفُ: بِمَعْنَى الْمُرْصُوفِ، وَ يُطْلَقُ عَلَى حَاجِزٍ مِنَ الْبِنَاءِ يَمْتَدُّ عَلَى جَانِبِي الطَّرِيقِ

الرُّصِيفُ: مَكَانٌ مُرْتَفِعٌ قَلِيلًا عَلَى جَانِبِي الطَّرِيقِ لِلْمُشَاةِ، رَصِيفٌ وَسْطِيٌّ: رَصِيفٌ مَزْرُوعٌ بِالْأَشْجَارِ يَفْصَلُ شَارِعَيْنِ مُتَعَاكِسَيْنِ

فِي طَرِيقِ سَرِيحٍ، رَصِيفُ الْمِينَاءِ: رَصِيفٌ يَمْتَدُّ مِنَ الشَّاطِئِ إِلَى الْمَاءِ، تَدْعَمُهُ أَعْمَدَةٌ أَوْ دَعَامَاتٌ، يُسْتَعْمَدُ لِتَأْمِينِ وَ حِمَايَةِ وَ تَوْفِيرِ مَمَرٍ

دُخُولِ لِلسُّفْنِ وَ الْقَوَارِبِ، رَصِيفُ الْقَطَارِ: مَحْطَّةٌ وَقُوفٌ لِلْقَطَارِ ذَاتُ سِيَاحٍ حَجْرِيٍّ

﴿مَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ﴾: به او شعر نیاموختیم
 ﴿مَا يَنْبَغِي لَهُ﴾: شایسته او نیست.
 ﴿مَا هَذَا بَشَرًا﴾ این آدمیزاد نیست.
 ﴿وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾ مریم ۳۱: در اینجا ما دُمْتُ؛ یعنی مدت زندگی‌ام.
 ما هذا؟ این چیست؟
 ﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْقُذُ و ما عنداللهِ باقٍ﴾ آنچه نزد شماست تمام می‌شود و آنچه نزد خداست ماندگار است.

﴿إِنْ تَبَدَّوْا الصَّدَقَاتِ فَنِعْمًا هِيَ﴾ یعنی فَنِعْمَ الشَّيْءُ هِيَ.
 عَسَلْتُهُ غَسَلًا نِعْمًا و دَقَّقْتُهُ دَقًّا نِعْمًا؛ یعنی نِعَمَ الغُسلِ و نِعَمَ الدَّقِّ.
 مَرَرْتُ بِمَا مُعْجِبٌ لَكَ؛ یعنی بشيءٍ مُعْجِبٍ لَكَ.
 ما أَجْمَلُ الرَّبِيعِ!؛ بهار چه زیباست!
 إِنَّمَا أَخُوكَ ذُو هِمَّةٍ. در اینجا حرف كَافَةٌ ما اجازه نداده است که إِنَّ بتواند کلمه أَخ را منصوب کند. إِنَّ أَخَاكَ ذُو هِمَّةٍ.

مادامت السماوات و الأرض؛ یعنی چندان که آسمان‌ها و زمین بپایند. (از اقسام مای زائده مای تأکید به معنای «چندان که» است).

﴿القارعة ما القارعة﴾؛ یعنی قیامت و چه قیامت! در اینجا ما برای تفخیم به کار رفته است.
 ۱۴- مُشَاة جمع ماشی به معنای پیاده است. مانند قُضَاة که جمع قاضی است. الْمَشِي به معنای پیاده‌روی و راه‌رفتن است. (مَشَى، يَمْشِي، مَشِيًّا و تَمْشَاءُ) در سفرهای زیارتی فعل امر «إمْشِ» توسط مأموران بسیار به کار می‌رود که موجب ناراحتی برخی زائران می‌گردد و تصوّر می‌کنند معنای بدی دارد؛ زیرا در گذشته حشره‌کشی به نام «إمشی» وجود داشت.

۱۵- نَادَى، یعنی صدا زد. (نَادَى، يُنَادِي، مُنَادَاة و نِدَاء) نَادَا: او را صدا زد. فعل امر = نَادِ مانند نَادِ عَلِيًّا مظهر العجائب. در گویش محلی عراقی «صَيْحُ» معادل «نَادِ» است.

۱۶- هَادِي، یعنی آرام. مانند الْمُحِيطُ الْهَادِي: اقیانوس آرام. حروف اصلی هَادِي، (ه د ء) است و حروف اصلی هادي: راهنما (ه د ي) است. هُدوء: آرامش و يَهْدُوهُ: به آرامی از هم‌پن ریشه است.

اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱- معنای ۲۹ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۲- متن درس را درست بخواند، بفهمد و ترجمه کند؛
- ۳- پیام متن را درک کند؛^۱
- ۴- به هنگام ضرورت به حکمت‌های خوانده‌شده استشهاد کند.
- ۵- فعل امر معادل اوّل شخص مفرد (لِلْمُخَاطَبِ و لِلْمُخَاطَبَةِ) را بشناسد و آن را در جمله با توجه به قرائن درست ترجمه کند؛
- ۶- فعل امر مفرد مذکر و مفرد مؤنث را بشناسد و فرق آنها را بداند.

فرایند آموزش

متن درس ماجرای دو برادر است که با هم دشمنی پیدا می‌کنند و دشمنی میان خانواده‌هایشان نیز گسترش می‌یابد. تا جایی که برادر کوچک‌تر مزرعه را با نهری به دو نصف تقسیم می‌کند. در این هنگام نجاری از راه می‌رسد و از برادر بزرگ‌تر می‌پرسد آیا کاری دارد که برادر بزرگ‌تر درخواست می‌کند با چوب‌های انبار خانه‌اش دیواری بسازد تا دیگر چشمش به چشم برادرش نیفتد، اما نجار خیرخواه که متوجه می‌شود به جای دیوار پلی می‌سازد، برادر بزرگ که از بازار بر می‌گردد با تعجب به پل نگاه می‌کند و نجار را مؤاخذه می‌کند که چرا به جای دیوار پل ساخته است؟! برادر کوچک‌تر از راه می‌رسد و پل را می‌بیند و شرمنده می‌شود؛ او می‌پندارد که برادر بزرگ‌تر دستور ساختن پل را داده است تا پیمان دوستی دو برادر قطع نشود و گریه‌کنان می‌آید برادرش را می‌بوسد و معذرت‌خواهی می‌کند، برادر بزرگ‌تر با دیدن این صحنه متوجه ترفند نجار می‌شود. نجار پل دوستی ساخته بود. از او می‌خواهد که مهمان او باشد که نجار می‌گوید باید بروم و چند پل دوستی دیگر بسازم. معلوم می‌شود که نجار فردی شایسته و خیرخواه بوده است.

هماهنگی در ترجمه متن درس:

جَسُرُ الصَّدَاقَةِ: پِلِ دوستی

كَانَ حَمِيدٌ وَ سَعِيدٌ أَحْوَيْنِ فِي مَرْزَعَةٍ قَمَحٍ؛ فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ وَقَعَتْ عَدَاوَةٌ بَيْنَهُمَا وَ

۱- پیام درس دربارهٔ صلۀ رحم، احترام به همسایه و تلاش برای از بین بردن دشمنی بین همسایگان و خویشان است.

غَضِبَ الْأَخُ الْأَكْبَرُ «حَمِيدٌ» عَلَى الْأَخِ الْأَصْغَرَ «سَعِيدٍ» وَ قَالَ لَهُ: «أَخْرُجْ مِنْ مَزْرَعَتِي.»
 حمید و سعید دو برادر در یک مزرعه گندم (در مزرعه گندمی) بودند؛ در یکی از روزها
 میانشان دشمنی افتاد و برادر بزرگ‌تر حمید بر برادر کوچک‌تر خشم گرفت و به او گفت: «از مزرعه‌ام
 خارج شو.»

وَ قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِزَوْجَةِ سَعِيدٍ: «أَخْرُجِي مِنْ بَيْتِنَا.»
 و همسر حمید به همسر سعید گفت: «از خانه‌مان خارج شو.»
 فِي صَبَاحِ أَحَدِ الْأَيَّامِ طَرَقَ رَجُلٌ بَابَ بَيْتِ حَمِيدٍ؛ عِنْدَمَا فَتَحَ حَمِيدٌ بَابَ الْبَيْتِ؛ شَاهَدَ
 نَجَّارًا؛ فَسَأَلَهُ: «مَاذَا تَطْلُبُ مِنِّي؟» در صبح یکی از روزها مردی در خانه حمید را زد؛ وقتی که
 در خانه را باز کرد؛ نجاری را دید و از او پرسید: «از من چه می‌خواهی؟!»

أَجَابَ النَّجَّارُ: «أَبْحَثُ عَنْ عَمَلٍ؛ هَلْ عِنْدَكَ عَمَلٌ؟»
 نجار جواب داد: «دنبال کاری می‌گردم (در جست‌وجوی کاری هستم)؛ آیا کاری داری؟»
 فَقَالَ حَمِيدٌ: «بِالتَّأَكِيدِ؛ عِنْدِي مُشْكِلَةٌ وَ حَلُّهَا بِيَدِكَ.»
 حمید گفت: «البته؛ مشکلی دارم و حل آن در دست توست.»

قَالَ النَّجَّارُ: «مَا هِيَ مُشْكِلَتُكَ؟» أَجَابَ حَمِيدٌ: «ذَلِكَ بَيْتٌ جَارِي؛ هُوَ أَخِي وَ عَدُوِّي؛ أَنْظُرْ
 إِلَى ذَلِكَ النَّهْرِ؛ هُوَ قَسَمَ الْمَزْرَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ؛ إِنَّهُ حَفَرَ النَّهْرَ لِأَنَّهُ غَضَبَانُ عَلَيَّ.
 عِنْدِي أَخْشَابٌ كَثِيرَةٌ فِي الْمَخْرَزِنِ؛ رَجَاءً، إِصْنَعُ جِدَارًا حَسْبِيًّا بَيْنَنَا.»

نجار گفت: «مشکلت چیست؟» حمید جواب داد: «آن خانه همسایه‌ام است؛ او برادرم و
 دشمنم است؛ به آن رودخانه نگاه کن؛ او مزرعه را با آن نهر (جوی) به دو نیم تقسیم کرده است؛ او
 نهر را کنده است (حفر کرده)؛ زیرا از من عصبانی است (بر من خشمگین است). چوب‌های بسیاری
 در انبار دارم؛ لطفاً دیواری چوبی میان ما بساز.

ثُمَّ قَالَ لِلنَّجَّارِ: «أَنَا أَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ وَ أَرْجِعُ مَسَاءً.» عِنْدَمَا رَجَعَ حَمِيدٌ إِلَى مَزْرَعَتِهِ مَسَاءً
 تَعَجَّبَ كَثِيرًا؛ النَّجَّارُ مَا صَنَعَ جِدَارًا؛ بَلْ صَنَعَ جِسْرًا عَلَى النَّهْرِ؛ فَغَضِبَ حَمِيدٌ وَ قَالَ لِلنَّجَّارِ:
 «مَاذَا فَعَلْتَ؟! لِمَ صَنَعْتَ جِسْرًا؟!» سپس به نجار گفت: «من به بازار می‌روم و بعد از ظهر (اول
 شب) برمی‌گردم.» هنگامی که حمید بعد از ظهر به مزرعه‌اش برگشت خیلی تعجب کرد؛ نجار دیواری
 نساخت؛ بلکه پلی را روی نهر ساخت، پس حمید خشمگین شد و به نجار گفت: «چه کردی؟! (چه کار
 کرده‌ای؟! چرا پل ساختی؟! (ساخته‌ای؟!))»

فِي هَذَا الْوَقْتِ وَصَلَ سَعِيدٌ وَ شَاهَدَ جِسْرًا فَحَسِبَ أَنَّ حَمِيدًا أَمَرَ بِصُنْعِ الْجِسْرِ؛ فَعَبَّرَ الْجِسْرَ وَ

بَدَأَ بِالْبُكَاءِ وَ قَبَلَ أَخَاهُ وَ اعْتَدَرَ؛ در این وقت سعید رسید و پلی را دید و گمان کرد که حمید به ساختن پل دستور داده است (دانش‌آموز می‌تواند این جمله به چند شکل دیگر نیز ترجمه کند). پس، از پل عبور کرد و شروع به گریستن کرد و برادرش را بوسید و عذرخواست:

دَهَبَ حَمِيدٌ إِلَى النَّجَارِ وَ شَكَرَهُ وَ قَالَ: «أَنْتَ صَيْفِي لِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.»

حمید به سوی نجار رفت و از او تشکر کرد و گفت: «تو برای سه روز مهمان من هستی.»

اعْتَدَرَ النَّجَارُ وَ قَالَ: «جُسُورٌ كَثِيرَةٌ بَاقِيَةٌ عَلَيَّ الذَّهَابُ لِصُنْعِهَا.»

نجار عذرخواهی کرد و گفت: «پل‌های زیادی مانده است؛ باید برای ساختن آنها بروم.»

(شاید دانش‌آموز تحت اللفظ ترجمه کند. ← «رفتن برای ساختن آنها بر من لازم است.» در این

صورت نمرة کامل می‌گیرد؛ اما او را راهنمایی می‌کنیم که روان معنا کند.)

إِثْنَانٍ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: قَاطِعُ الرَّحِمِ وَ جَارُ السَّوَةِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

دو تن خداوند به آنها نگاه نمی‌کند: بُرَنده پيوندِ خویشان و همسایهٔ بد.

آموزش تصویری قواعد درس

دانش‌آموز جمله‌های زیر هر تصویر را می‌خواند و با توجه به آن و زیر نظر معلم ترجمه می‌کند؛ معلم قاعدهٔ درس را در اینجا با استفاده از کادر رنگی (کلیدواژهٔ تصویری) توضیح می‌دهد و دانش‌آموزان را به حروف رنگی در فعل‌های اِفْعَلْ و اِفْعَلِي ارجاع می‌دهد.

از همکاران درخواست می‌گردد دو کلمهٔ اِفْعَلْ و اِفْعَلِي را به صورت اِفْعَلْ و اِفْعَلِي؛ یعنی با همزهٔ قطع ننویسند؛ زیرا غلط است و همزهٔ این دو فعل همزهٔ وصل است. رعایت این امر برای دانش‌آموز لازم نیست؛ زیرا جزء آموزش نبوده است.

روش اکتشافی به فهم ساختار کمک بسیاری می‌کند. معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد آنچه را از آموزش تصویری قواعد دریافته‌اند توضیح دهد. سپس خودش آن را کامل می‌کند.

بدانیم

معادل عربی فعل امر اوّل شخص مفرد در این درس در کنار فعل مضارع آموزش داده شده است. ساخت فعل امر، هدف کتاب درسی نیست؛ هدف این است که دانش‌آموز فعل امر مفرد مذکر و مفرد مؤنث را در جمله تشخیص و ترجمه کند.

تبدیل صیغه و ساخت فعل در سایهٔ روان‌خوانی و ترجمه خودبه‌خود حاصل می‌گردد. اما در هر سه کتاب درسی عربی متوسطهٔ اول جزء اهداف آموزشی نیست. نه تنها در این درس، بلکه در همهٔ دروس کتاب در بخش بدانیم ارجاع به تصاویر برای فهم بهتر جملات شایسته و بایسته است. چون تصویر به فهم ساختار جملات کمک می‌کند.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف تقویت درک مطلب است. از آنجا که یکی از مهارت‌های چهارگانهٔ زبانی سخن گفتن است؛ این تمرین در این زمینه به دانش‌آموز کمک می‌کند. در این قسمت نباید سخت‌گیری کرد؛ زیرا ساختن جمله از اهداف اصلی کتاب نیست. بنابراین، سؤال به صورت تعیین درست و نادرست است. دانش‌آموز به سادگی به این تمرین پاسخ می‌دهد. برای اینکه او از آموختن لذت ببرد، سؤال ساده طراحی شده است.

تمرین دوم: هدف از این تمرین، ترجمهٔ جمله‌هایی است که معادل ساخت اول شخص مفرد از فعل امر دارد. تصویر، علاوه بر زیباسازی کتاب موجب تلطیف و تسهیل آموزش می‌شود.

تمرین سوم: همان هدف تمرین دوم در اینجا نیز به شکلی جدید تکرار شده، با این فرق که توانایی تشخیص فعل امر در جمله نیز مدنظر است. یک هدف اصلی آموزش عربی، فهم بهتر قرآن است؛ لذا این تمرین از آیات کلام الله مجید برگزیده شده است. حرف «و» عمداً در آغاز آیهٔ دوم و چهارم نیامده و به جای آن نقطه‌چین آمده است تا حرکت همزهٔ فعل امر آشکار شود.

تمرین چهارم: هدف تکرار آموخته‌های درس اول عربی هفتم است. آنچه را دانش‌آموز دو سال پیش آموخت، برای اینکه در ذهنش تثبیت گردد، مجدداً تکرار می‌کنیم.

تمرین پنجم: هدف تکرار و تمرین بر فعل امر در جمله است. دانش‌آموز جملهٔ دارای فعل امر را می‌خواند و به فارسی ترجمه می‌کند. در امتحانات نیز همین شیوه باید رعایت گردد. با این شیوه، آموزش ساده می‌گردد و ترس و نگرانی فراگیر در امتحان کاسته می‌شود.

تمرین ششم: هدف تقویت ذخیرهٔ واژگانی دانش‌آموز است. به‌منظور آسان‌سازی، تمرین به صورت دو گزینه‌ای طراحی شده است.

تمرین برای یادگیری است و با مسابقه فرق دارد؛ لذا ضرورتی ندارد که سؤال چهار گزینه‌ای طراحی شود.

تمرین هفتم: در آموزش هر زبانی تمرین مترادف و متضاد یکی از شیوه‌های اصلی کاربرد

واژگان است. دانش‌آموز با این تمرین ارتباط کلمات را با هم در می‌یابد.

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

هدف پیوند دادن درس عربی با فرهنگ اسلامی است. در اینجا دانش‌آموز سخنانی حکیمانه از پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی عَلِيٌّ می‌خواند که دارای فعل‌های گوناگون ماضی، مضارع و امر هستند.

فَعَالِيَت

دانش‌آموز سومین سالی است که درس عربی می‌خواند. پژوهش خواسته شده در حدّ توانایی اوست. از دانش‌آموز خواسته شده است تا یک متن کوتاه پیدا کند که در آن فعل امر به کار رفته باشد. این کار موجب می‌شود مهارت او در شناخت فعل امر تقویت شود.

اَرزِشِیَابِی

هرچه در دروس قبل دربارهٔ شیوه‌های ارزشیابی نوشته شد در این درس نیز مصداق دارد. علاوه بر آن از آنجا که متن درس گفت‌وگو میان چهار نفر است؛ لذا چهار نفر همراه با راوی متن می‌توانند درس را به صورت نمایشی در کلاس اجرا کنند. این فعالیت می‌تواند بخشی از نمرهٔ مستمر دانش‌آموزان را تشکیل دهد. انجام این فعالیت افزون بر زیباسازی، شادابی و تحرّک در کلاس موجب تقویت رفتار بهینهٔ اجتماعی در دانش‌آموزان می‌گردد. دانش‌آموزان به داستان علاقه‌مندند؛ این کار موجب علاقه‌مندی بیشتر می‌گردد. انجام این کار مستلزم داشتن فرصت کافی است.

وَسَائِلُ كَمَكِ اَمُوْشِی

در این درس نیز همچنان استفاده از کتاب گویا، نرم افزار، پاورپوینت، اینفوگراف، کلیپ آموزشی، پوستر و اسلاید توصیه می‌شود.

هماهنگی در ترجمهٔ آیات بخش «گَنْزُ الْحِكْمَةِ»:

۱- اِعْلَمُ اَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ. رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ

بدان که پیروزی (یاری) همراه بُردباری (صبر) است.

۲- لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

کسی که از مردم سپاسگزاری نمی‌کند از خدا هم سپاسگزاری نمی‌کند.

۳- أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِحْوَانِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ناتوان‌ترین (عاجزترین) مردم کسی است که از به‌دست آوردن دوستان (برادران، یاران) ناتوان

است.

۴- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هرگاه بر دشمنت چیره شدی (قادر شدی)؛ بخشایش را شکرانه چیرگی (قدرت یافتن) بر او قرار بده.

۵- أَلْعِلْمُ وَالْأَمْوَالُ يَسْتُرَانِ كُلَّ عَيْبٍ وَ الْجَهْلُ وَالْفَقْرُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دانش و دارایی (علم و ثروت) هر عیبی را می‌پوشانند و نادانی و فقر (جهل و فقر) هر عیبی

را آشکار می‌کنند.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه دانش‌آموز)

۱- «آخر» یعنی «پایان» و با «آخر» فرق دارد. «آخر» بر وزن «أفعل» در اصل «أآخر» بوده

و مؤنث آن «أخرى» به معنای «دیگر» است. اما آخر در اصل «ءآخر» و مؤنث آن آخره است که گاهی به معنای الدارُ الآخرة به کار می‌رود.^۲

۲- اجلس و أقد هر دو به معنای بنشین است. جلس و قعد هم معنا هستند. اما برخی میان

آنها فرق قائل‌اند.^۳

۱- حرف «ل» در «اجعل» در جمله «... اجعل العفو...» برای راحتی تلفظ، علامت کسره گرفته است؛ زیرا تلفظ دو حرف

ساکن در کنار هم در زبان عربی دشوار است. (اجعل العفو)

۲- آخر: (اسم) الآخر: مقابل الأول، الآخر من أسماء الله تعالى: الباقي بعد فناء خلقه

وَصَلَ فِي آخِرِ الْأَمْرِ: فِي نَهَايَةِ الْأَمْرِ، قَرَأَ الْقُرْآنَ إِلَى آخِرِهِ: أَيَّ بِكَامِلِهِ، الْيَوْمَ الْآخِرُ: يَوْمَ الْقِيَامَةِ

أُخْرَى: (اسم) الجمع: أُخْرُ، أُخْرِيَّاتُ / الْأُخْرَى: مؤنث الآخر، أحد شئین یكونان من جنس واحد

الأخرى: الآخرة، الحياة بعد الموت / في أخريات أيامه: في آخرها / انتقل إلى الدنيا الأخرى: الآخرة، دار البقاء

آخرة: (اسم) الجمع: أواخر، المؤنث آخر / الآخرة: مقابل الأولى، الآخرة دار الحياة بعد الموت

آخر: (اسم) الجمع: آخرون و أخر و أواخر، المؤنث: أُخْرَى، الجمع المؤنث أُخْرِيَّاتُ و أُخْرُ

۳- برخی اصرار دارند بین جلوس و قعود فرق بگذارند و می‌گویند: جلوس نشستن از پایین به طرف بالاست. اما قعود از

بالا به پایین است. به شخص خوابیده می‌گویم اجلس و به شخص ایستاده می‌گویم أقد. زمان اجلس کوتاه و أقد طولانی است.

قعد الشخص: جلس بعد إن كان واقفاً.



۳- «أَخ»، یعنی «برادر، دوست» مثال: «رُبَّ أَخٍ لَكَ لَمْ تَلِدْهُ أُمَّكَ.» چه بسا برادری که او را مادرت نزاییده است. «إِنَّ أَخَاكَ مَنْ آسَاكَ.» برادرت کسی است که با تو همدردی کند. أَخ به معنای مانند نیز به کار رفته است. هذا أخو ذلك؛ یعنی این مثل آن است. بصريون میگویند أَخَوَة برادران خونی و نسبی و إخوان دوستان است.

۴ «أُخْرَجُ» در گویش عامیانه «إِطْلَعُ بَرَه» گفته می‌شود.

۵- «إِذْ» یعنی «آن‌گاه» و ظرف است برای ماضی. ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَ أَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَ جَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ التَّوْبَةُ: ۴۰ اگر او [پیامبر] را یاری نکنید، قطعاً خدا او را یاری کرد: آن‌گاه که کسانی که کفر ورزیدند او را [از مگه] بیرون کردند و او نفر دوم از دو تن بود آن‌گاه که در غار [نُور] بودند، وقتی به همراه خود می‌گفت: «اندوه مدار که خدا با ماست.» پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد و او را با سپاهسانی که آنها را نمی‌دیدید تأیید کرد و کلمه کسانی را که کفر ورزیدند پست‌تر گردانید و کلمه خداست که برتر است و خدا شکست‌ناپذیر و حکیم است.

۶- «جِسْر» در گویش حجازی «کوبری» گفته می‌شود که برگرفته از ترکی است. افزون بر جُسور به صورت أَجْسِر نیز جمع بسته شده است.

۷- «رَجَاءً» به صورت «الرَّجَاء» نیز صحیح است و برای خواهش به کار می‌رود. «مِنْ فَضْلِكَ» نیز همین کاربرد را دارد.

۸- «قَبْلَ، يُقْبَلُ» و «بَاسَ، يَبُوسُ» مترادف‌اند. بَاسَ ریشه فارسی دارد.

۹- «مَخْزَنٌ» و «مُسْتَوْدَعٌ» مترادف‌اند.

۱۰- «أَيُّوب» نام غیر عربی (عبری) است؛ لذا تنوین نمی‌گیرد.

→ امروزه در گویش عامیانه أَفْعُد و در فصیح اجلس گفته می‌شود. أَفْعُد را در گویش محلی عراق اُكْعُد، در کویت اِكْعُد و در سوریه عُد می‌گویند.



اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱- معنای ۲۸ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۲- متن درس را درست قرائت و ترجمه کند؛
- ۳- پیام متن را درک کند؛^۱
- ۴- به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهد کند.
- ۵- فعل‌های امر معادل دوم شخص مفرد در زبان فارسی (للمخاطبین و للمخاطبات و للمخاطبین و للمخاطباتین) را بشناسد و آنها را در جمله با توجه به قرائن درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس داستانی زیباست که دانش‌آموز از خواندن آن لذت می‌برد. نه تنها نوجوانان، بلکه بزرگسالان نیز داستان دوست دارند و این داستان تکراری نیست.

پیام اخلاقی درس والاست و به چند آیه شریفه قرآن کریم مزین شده است. دانش‌آموز باید متن درس را روخوانی و ترجمه کند و معلم راهنما باشد. می‌توان جلوتر از چند دانش‌آموز خواست که برای هفته آینده متن درس را به صورت نمایشی در کلاس اجرا کنند.

نباید به دانش‌آموزان برای حفظ عبارات فشار آورد. هر یک از آنان نقش خود را روی کاغذ می‌نویسد و از روی آن می‌خواند.

یک نفر راوی داستان، یک نفر استاد، یک نفر گوینده جمله «فَقَدْنَا سَفِينَتَنَا»، یک نفر دانشجویی که کشتی را دید، یک نفر گوینده جمله «کیف وجدتم مکاننا؟» و یک نفر سرباز داخل کشتی می‌شود.

این کار کلاس را پرتحرک و شاداب می‌سازد.

۱- پیام متن درس درباره توکل به خدا و صبر است. انسان به یاد چند آیه شریفه قرآن مجید می‌افتد:

﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ البقرة: ۲۱۶

﴿... أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَدْكُرُونَ﴾ النمل: ۶۲

... (آیا آن شریکان بهترند) یا کسی که (دعای) شخص گرفتار را هنگامی که او را می‌خواند، پاسخ می‌دهد و آسیب و گرفتاریش را برطرف می‌سازد و شما را جانشینان (روی) زمین قرار می‌دهد (جانشینان خدا در روی زمین، و حاضران در جای رفتگان)؟ آیا با خدای یکتا معبودی هست؟ بسیار اندک متذکر می‌شوید.

هماهنگی در ترجمه متن درس:

الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ: صبر کلید گشایش است.

وَقَعَتْ هَذِهِ الْحِكَايَةُ قَبْلَ أَرْبَعِينَ سَنَةً فِي بِلَادٍ؛ ذَهَبَ اثْنَا عَشَرَ طَالِبًا مِنْ طُلَّابِ الْجَامِعَةِ مَعَ أَسَاتِذِهِمْ إِلَى سَفَرَةٍ عِلْمِيَّةٍ لِتَهْيِئَةِ أَبْحَاثٍ عَنِ الْأَسْمَاكِ؛

این حکایت چهل سال پیش در کشوری اتفاق افتاده است؛ دوازده دانشجو از دانشجویان دانشگاه همراه استادشان برای تهیّه پژوهش‌هایی درباره ماهی‌ها به گردشی علمی (سفری علمی) رفتند.

كَانَتْ مِيَاهُ الْبَحْرِ هَادِنَةً؛ فَجَاءَهُ ظَهْرٌ سَحَابٍ فِي السَّمَاءِ؛ ثُمَّ عَصَفَتْ رِيحٌ شَدِيدَةٌ وَ صَارَ الْبَحْرُ مَوَاجًا. ﴿وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ﴾

آب‌های دریا آرام بود؛ ناگهان ابری در آسمان آشکار شد (ظاهر شد)؛ پس بادهای سختی (شدیدی) وزید (وزیدند) و دریا توفانی شد. (و موج از هر جا به سویشان آمد).

فَأَصَابَتْ سَفِينَتَهُمْ صَخْرَةٌ؛ فَخَافُوا؛ السَّفِينَةُ انْكَسَرَتْ قَلِيلًا وَلَكِنَّهَا مَا غَرِقَتْ؛ عِنْدَمَا وَصَلُوا إِلَى جَزِيرَةٍ مَجْهُولَةٍ، فَرِحُوا كَثِيرًا وَ شَكَرُوا رَبَّهُمْ وَ نَزَلُوا فِيهَا؛ كَشْتِيشَانُ بِيهِ صَخْرَةٌ (تخته سنگی) بَرُخورد (اصابت کرد)؛ کشتی کمی شکست، ولی غرق نشد؛ وقتی که به جزیره‌ای (خشکی‌ای) رسیدند، بسیار خوشحال شدند و پروردگارش را شکر کردند و در آن پیاده شدند. (نازل شدند)

مَضَى يَوْمَانِ؛ فَمَا وَجَدُوا أَحَدًا فِي الْجَزِيرَةِ وَ مَا جَاءَ أَحَدٌ لِنَجَاتِهِمْ؛ قَالَ لَهُمُ الْأُسْتَاذُ: «يَا شَبَابُ، عَلَيْكُمْ بِالْمُحَاوَلَةِ. اسْمَعُوا كَلَامِي وَ اعْمَلُوا بِهِ كَأَنَّهُ مَا حَدَّثَ شَيْءٌ. عَلَيْكُمْ بِمُواصَلَةِ أَبْحَاثِكُمْ.»

دو روز گذشت و کسی را در جزیره پیدا نکردند و کسی برای نجاتشان (رهایی‌شان) نیامد؛ استادشان به آنها گفت: «ای جوانان، باید تلاش کنید. (تلاش بر شما لازم است؛ یا هر ترجمه مشابه دیگری) سختم را گوش کنید و به آن عمل کنید؛ گویا (انگار، مثل اینکه) چیزی نشده است. (چیزی اتفاق نیفتاده است). باید پژوهش‌هایتان (تحقیقاتتان) را ادامه دهید. (ادامه دادن پژوهش‌هایتان بر شما لازم است. یا هر ترجمه مشابه دیگر).

ثُمَّ قَسَمَهُمْ إِلَى أَرْبَعَةِ أَفْرَقَةٍ وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الْأَوَّلِ: «يَا طُلَّابُ، ابْحَثُوا عَنِ صَيْدٍ وَ اجْمَعُوا الْخَطَبَ.» سپس آنها را به چهار گروه (تیم) تقسیم کرد و به گروه اول گفت: «ای دانشجویان، دنبال صیدی بگردید و هیزم جمع کنید.»

وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّانِي: «يَا طَالِبَانِ، اجْلِبَا بَعْضَ الْأَشْيَاءِ الضَّرُورِيَّةِ مِنَ السَّفِينَةِ.» و به گروه دوم گفت: «ای دانشجوها (دو دانشجو) مقداری اشیای ضروری از کشتی بیاورید.

وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّلَاثِ: «يَا طَالِبَاتُ، أُطْبِخْنَ لَنَا طَعَامًا.»

و به تیم سوم گفت: «ای دختران دانشجو، غذایی برایمان پزید.»

وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الرَّابِعِ: «يَا طَالِبَاتِ، اِئْحَا عَنْ مَوَادِّ غِذَائِيَّةٍ.»

ثُمَّ قَالَ لِلْجَمِيعِ: «اصْبِرُوا؛ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» مَضَى أُسْبُوعٌ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ نَزَلَ مَطَرٌ شَدِيدٌ وَ أَصَابَتْ صَاعِقَةٌ سَفِينَتَهُمْ فَاحْتَرَقَتْ. قَالَ الطُّلَابُ: «لَا رَجَاءَ لِنَجَاتِنَا.» فَقَرَأَ الْأُسْتَاذُ هَذِهِ الْأَيَّةَ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا﴾. سپس به همگی گفت: «صبر کنید؛ زیرا (قطعاً) خدا با صبرکنندگان است. یک هفته (هفته‌ای) گذشت. در روزی از روزها باران شدیدی بارید (نازل شد) و صاعقه‌ای به کشتیشان برخورد کرد (اصابت کرد) و کشتی آتش گرفت. دانشجوها گفتند: «هیچ امیدی به نجاتمان نیست.»^۱ پس استاد این آیه را خواند (ای کسانی که ایمان آورده‌اید صبر کنید).

حَزَنَ الطُّلَابُ وَ قَالُوا: «فَقَدْنَا سَفِينَتَنَا.» وَ بَعْدَ آدَاءِ الصَّلَاةِ وَ الدُّعَاءِ صَرَخَ أَحَدُهُمْ بَعَثَتْ:

دانشجوها ناراحت شدند (غمگین شدند) و گفتند: «کشتیمان را از دست دادیم.»^۲ و پس از به جا آوردن (انجام، ادای) نماز و دعا یکی از ایشان ناگهان فریاد زد.

«أُنظُرُوا يَا زَمَلَانِي. أُنظُرُنَّ يَا زَمِيلَاتِي. تِلْكَ سَفِينَةٌ حَرَبِيَّةٌ تَقْتَرِبُ مِنَّا.»

«ای پسران هم‌کلاسی‌ام، نگاه کنید. ای دختران هم‌کلاسی‌ام نگاه کنید. آن یک کشتی جنگی است که به ما نزدیک می‌شود.»

السَّفِينَةُ الْحَرَبِيَّةُ اقْتَرَبَتْ مِنْهُمْ وَ نَزَلَ مِنْهَا جُنُودٌ. فَرِحَ الطُّلَابُ وَ سَأَلُوا الْجُنُودَ: «كَيْفَ وَجَدْتُمْ مَكَانَنَا؟» أَجَابَ الْجُنُودُ: «رَأَيْنَا دُخَانًا مِنْ بَعِيدٍ. فَأَتَيْنَا وَ شَاهَدْنَاكُمْ.»

کشتی جنگی به آنها نزدیک شد و سربازان از آن پیاده شدند. دانشجویان خوشحال شدند و از سربازان پرسیدند: «چگونه جای ما را پیدا کردید؟!» سربازان جواب دادند: «دودی را از دور دست دیدیم. پس آمدیم و شما را دیدیم.»

آموزش تصویری قواعد (کلیدواژه تصویری)

دانش آموز همانند دروس پیشین جمله‌های مصور را می‌خواند و با توجه به تصویر و با راهنمایی معلم ترجمه می‌کند معلم قاعده درس را در اینجا با استفاده از کادر رنگی توضیح می‌دهد و دانش‌آموزان را به حروف رنگی در فعل‌های اِفْعَلُوا و اِفْعَلْنَ و اِفْعَلَا ارجاع می‌دهد.

۱- باید توجه داشت که دانش‌آموز پایه نهم با «لای نفی جنس» آشنا نیست، لذا اگر گفت «امیدی به نجات ما نیست.»

باید از او بپذیریم.

۲- فَقَدَ دو معنا دارد: از دست داد، گم کرد



از همکاران درخواست می‌گردد سه فعل امر اِفْعَلُوا، اِفْعَلْنَ و اِفْعَلَا را به صورت اِفْعَلُوا، اِفْعَلْنَ و اِفْعَلَا؛ یعنی با همزه قطع نویسند؛ زیرا غلط است و همزه این دو فعل همزه وصل است. رعایت این امر برای دانش‌آموز فعلاً الزامی نیست.

در اینجا روش اکتشافی مورد نظر است. دانش‌آموز عبارت را می‌خواند و معلّم از او می‌خواهد یافته‌های خود را در مورد صیغه‌های فعل توضیح دهد. هرآنچه را معلّم در نظر دارد درباره ساخت‌های فعل توضیح دهد از دانش‌آموز می‌پرسد تا کلاس متکلم وحده نشود و دانش‌آموز در این میان فعّال باشد.

بدانیم

مقایسه‌ای میان فعل مضارع و فعل امر صورت گرفته است، تا بدون اینکه اشاره‌ای به نحوه ساختن فعل امر از مضارع شود خود دانش‌آموز فرقی میان آن دو را کشف کند و البته ساخت فعل امر از فعل مضارع از اهداف کتاب درسی عربی پایه نهم نیست.

از دانش‌آموز می‌خواهیم که به علائم رنگی در مثال‌ها توجه کند.

می‌توان از او خواست تا شفاهاً چنین فعل‌هایی را ترجمه کند.

أَخْرَجَ، أَخْرَجِي، أَخْرَجُوا، أَخْرَجْنَ، أَخْرَجَا / أُدْخِلُ، أُدْخِلِي، أُدْخِلُوا، أُدْخِلْنَ، أُدْخَلَا

و با فعل‌هایی دیگر مانند اِصْبِرْ، اِصْبِرِي، اِصْبِرُوا، اِصْبِرْنَ، اِصْبِرَا / اِصْبِرْ، اِصْبِرِي، اِصْبِرُوا، اِصْبِرْنَ، اِصْبِرَا

معلّم می‌تواند بگوید «اِصْبِرْ»، یعنی «صبر کن» سپس بپرسد «اِصْبِرُوا» یعنی چه؟

در چنین مواردی خوب است که از کلماتی مانند: اُعْبُدْ، اِفْهَمْ، اِعْمَلْ، اَذْكَرْ و ... استفاده شود که

حروف اصلی آنها در زبان فارسی نیز به کار می‌رود.

اگر از دانش‌آموز سؤال کنیم: «أَخْرَجْ» یعنی چه؟ به سادگی جواب می‌دهد؛ یعنی «خارج شو»

اما اگر بپرسیم: اَطْرُقْ یعنی چه؟ سؤال سخت می‌شود و موجب کندی آموزش می‌گردد.

این کار فقط در این درس و یا در عربی نهم قابلیت اجرا ندارد بلکه در هر سه کتاب هفتم و

هشتم و نهم مصداق دارد.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در درک مطلب است. این تمرین در کتاب درسی به صورت متنوع طراحی شده است.

در اینجا دانش‌آموز عبارت‌ها را می‌خواند و ترجمه می‌کند و پاسخ هریک را در میان واژگان جدید درس چهارم جست‌وجو می‌کند. این کار می‌تواند نمره شفاهی او را تشکیل دهد.

تمرین دوم: هدف تقویت مهارت زبانی خواندن و ترجمه است. تصویر به خواننده کمک می‌کند تا ترجمه درستی ارائه دهد.

چهار تصویر ارائه شده علاوه بر زیباسازی کتاب درسی در جهت تثبیت آموخته‌های فراگیر در زمینه فعل امر بسیار کمک می‌کند.

تمرین سوم: هدف تقویت مهارت خواندن و ترجمه است. دانش‌آموز در ضمن قرائت باید بتواند فعل امر را در جمله تشخیص دهد.

هر پنج جمله از ساده‌ترین آیات قرآن انتخاب شده است، تا هدف نهایی آموزش عربی جامعه عمل پوشد.

تمرین چهارم: هدف این است که دانش‌آموز کشف کند ترجمه چنین جملاتی به فارسی یکی می‌شود و علت را نیز دریابد.

يا طَلَّابُ، اُنظَرُوا اِلَى نَزْوِلِ الْمَطَرِ. يا طَالِبَاتُ، اُنظَرْنَ اِلَى نَزْوِلِ الْمَطَرِ.

تمرین پنجم: هدف کاربرد واژگان است.

این کلمات در کل کتاب به صورت مبتدا و خبر تنظیم شده است. دانش‌آموز کلمات و عبارات را می‌خواند، آن‌گاه در پی این بر می‌آید که ارتباط معنایی میان آنها را دریابد. به لحاظ آموزشی این تمرین بسیار موفق است. طرح چنین تمرینی برای معلم وقت‌گیر است، زیرا باید با توجه به آموخته‌های او طراحی کند.

کنز الحکمة

دانش‌آموز احادیثی از پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی عليه السلام می‌خواند که همگی درباره «خرد و دانش» است.

در اینجا دو کار صورت می‌گیرد. هم مهارت زبانی آموزش داده می‌شود و هم اهداف برنامه درسی ملی اجرا می‌گردد.



تحقیق

تحقیق در هر سه پایه هفتم، هشتم و نهم مطابق با توانایی دانش آموز و واقعیات موجود تنظیم شده است. برای اینکه دانش آموز بداند در زمینه قرآن و حدیث نرم افزارهای خوبی تهیه شده است و شیوه کار کردن با آنها را بیاموزد این تمرین، تذکر خوبی است تا معلّم به بهانه انجام آن وارد این بحث شود.

ارزشیابی

در مورد ارزشیابی از این درس، آنچه در دروس قبلی نوشته شد را در این درس نیز می توان اجرا کرد.

از چند دانش آموز می خواهیم کارهایی را در کلاس انجام دهند؛ مثلاً به یک دانش آموز دستور می دهیم که اجلس في مكانك. به دو دانش آموز دستور می دهیم که اجلسا في مكانكما. و در پایان به سه دانش آموز دستور می دهیم که اجلسوا في مكانكم. مثال برای دانش آموز پسر. (در کلاس دخترانه مثالها برای مؤنث می شود).

افتح الباب. اخرج من الصف. ادخل في الصف. اجلس على الكرسي. اذهب إلى اللوح. اكتب على اللوح. انظر إلى ساحة المدرسة. اسمع صوت صديقك. اقرأ الدرس. العب بالكرة. ارفع حقيبتك. اشرب الماء. اضرّب على المنضدة.

دانش آموزان هنرمندی که استعداد هنرپیشگی دارند می توانند نقش پسر و دختر را همزمان اجرا کنند. البته گروه عربی دفتر تألیف به دلیل مشکلات احتمالی بر این کار تأکید نمی کند. همین کارها را دانش آموزان در گروه های دو و سه نفره نیز می توانند اجرا کنند تا سایر ساخت های فعل را نمایش دهند.

وسایل کمک آموزشی

هرچه در دروس پیشین درباره وسایل کمک آموزشی گفته شد در اینجا نیز مصداق دارد.

همانگی در ترجمه آیات بخش «کنز الحکمة»:

۱- لا عمَلَ كَالتَّحْقِيقِ.

هیچ کاری مانند تحقیق نیست.

۲- أَلْعِلْمُ أَضَلُّ كُلِّ خَيْرٍ وَ الْجَهْلُ أَضَلُّ كُلِّ شَرٍّ.

دانش ریشه هر خوبی و نادانی ریشه هر بدی است. (علم اصل هر خیر و جهل اصل هر شر است.)

۳- أُطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.

دانش را جست‌وجو کنید گرچه در چین باشد؛ زیرا جست‌وجی دانش بایسته است.

(علم را طلب کنید ولو در چین باشد که قطعاً طلب علم واجب است.)

۴- خَيْرُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَ شَرُّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ.

خوبی دنیا و آخرت همراه دانش و بدی (شر) دنیا و آخرت همراه نادانی است.

۵- لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ.

دانا کسی نیست که خوبی را از بدی بشناسد؛ (تشخیص دهد)

بلکه دانا کسی است که بهترین را از میان دو بد (دو شر) بشناسد.

اشاره به اینکه از میان بد و بدتر بد را تشخیص دهد.

دانش‌افزایی برای دیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱- أبحاث: پژوهش‌ها، تحقیقات^۱
- ۲- فعل امر أَجِبْ، أَجِبْ است که مؤنث آن أَجِيبِي می‌شود.
- أَجَابَ سؤَالَهُ و عَنْ سؤَالِهِ و إِلَى سؤَالِهِ؛ یعنی به پرسش او پاسخ داد.
- ۳- احْتَرَقَ: آتش گرفت.^۲

۱- بَحَثَ: (فعل)

بَحَثَ / بَحَثَ عن / بَحَثَ في يَبْحَثُ، بَحْثًا، و اسم فاعله باحِث، و اسم مفعوله مَبْحُوث
 بَحَثَ الأَرْضَ: حَفَرَهَا و طَلَبَ شَيْئًا فِيهَا بَحَثَ في الأَرْضِ فَبَعَثَ اللهُ غُرَابًا يَبْحَثُ في الأَرْضِ (المائدة: ۳۱)
 بَحَثَ عَنْ مَكَانٍ اخْتِفاءِ صَدِيقِهِ: فَتَشَّ عَنْهُ.
 بَحَثَ عَنْ أَدَوَاتِهِ المَدْرَسِيَّةِ فَلَمْ يَجِدْهَا.
 ابْحَثْ عَنْ كَلِمَةِ قانونِ في المَعْجَمِ: فَتَشَّ عَنْهَا، اسْتَوْضِحْ مَعْنَاهَا
 بَحَثَ مَوْضُوعَهُ بَحْثًا دَقِيقًا: رَسَمَهُ و عَرَفَ رِقَائِقَهُ و حَقَائِقَهُ.
 بَحَثَ الشَّيْءَ و عنه: طلبه في التراب و نحوه، و فتش عنه
 بَحَثَ الأَمْرَ و فيه: اجتهد فيه، و تعرفَ حقيقته
 بَحَثَ عنه: سأل و استقصى، و اسم فاعله باحِث
 بَحَث: (اسم) الجمع: بُحُوث و أَبْحَاثُ
 البَحْثُ: بذلُ الجُهدِ في موضوعِ ما و جمعُ المسائلِ التي تتصلُ به. (محدثة)
 على بساط البحث: معروض للمناقشة و التفكير، جارٍ نقاشه
 على طاولة البحث: قابل للنقاش (گزینه روی میز)
 نشر بحثه / أبحاثه / بحوثه في المجلة العلمية.
 أبحاث تاريخية: دراسات علمية، مكتوبة و منشورة.
 إدارة البحوث / مركز البحوث: مؤسسة تعنى بالبحوث.
 بَحَثٌ سطحيّ: يكتفي بظاهر الأمر دون التعمق فيه.
 تحت البحث / قيد البحث / محل البحث: موضع دراسة لم يُتَّخَذْ بشأنه قرار نهائيّ.

قُبِلَ الموضوعُ بحثًا: دُرِسَ الأمرُ من كلِّ جوانبه.

بَحَثٌ علميٌّ / بَحَثٌ أدبيٌّ: مادة درس أو مناقشة.

حلقة بحث / حلقة بحث: مجموعة صغيرة من الطلبة الخريجين من جامعة أو مدرسة مُنخَرِطَة في البحث العلمي أو

الدراسة المكثفة تحت إشراف أستاذ معين.

ما زالَ البَحْثُ عَنِ البُتُولِ مُسْتَمِرًّا: التَّنْقِيبُ

كَانَ هَدْفُهُ هُوَ البَحْثُ عَنِ الحَقِيقَةِ: مَعْرِفَةُ الحَقِيقَةِ، تَحْرِيهَا

۲- احْتَرَقَ: (فعل) احْتَرَقَ يحترق، احتراقًا، و اسم فاعله مُحْتَرِقٌ

احْتَرَقَ الوَرَقَ، شَبَّ حَرِيقٌ في السُّوقِ فَاحْتَرَقَتْ كُلُّ الدَّكَاكِينِ



۴- «أَصَابَ، يَصِيبُ، إِصَابَةٌ» چند معنا دارد؛ مثال:

لَقَدْ أَجَبْتَ فَأَصَبْتَ. (پاسخ دادی و جواب درست را گفتی.)

صَدِيقِي رَامٍ مَاهِرٌ؛ سَهْمُهُ يُصِيبُ الْهَدَفَ. (دوستم تیرانداز چیره‌دستی است که به هدف می‌زند.)

أَصَبْنَا مِنَ الطَّعَامِ حَاجَتَنَا. (سیر شدیم.)

أَصَابَ الشَّيْءُ. (به آن چیز رسید.)

أَصَابَتْهُ الْمُصِيبَةُ. (مصیبت به او رسید. دچار مصیبت شد.)

۵- جمع «جامِعة» می‌شود «جامِعات».

۶- «دَعَا، يَدْعُو، دُعَاءٌ و دَعْوَةٌ و دَعْوَى و دَعْوَاءٌ». دَعَا چندین معنا دارد؛ مثال:

دَعَاهُ: او را فراخواند. از او یاری خواست. او را به مهمانی دعوت کرد.

دَعَا لَهُ: برایش دعای خیر کرد.

دَعَا عَلَيْهِ: او را نفرین کرد.

دَعَاهُ بِسَعِيدٍ. او را سعید نامید.

دَعَاهُ أَنْ يَأْتِيَ: او را به آمدن فراخواند.

۷- معادل «فرا یاد زد» در عربی می‌شود: صَبَّحَ، صَرَخَ، هَتَفَ -

۸- حرف چ در عربی به شکل‌های مختلف معرَّب می‌شود؛ مثال:

چاد ← تشاد چین ← الصَّين چنگ ← صنج چکش ← شاکوش گچ ← جَص، جِص جای ← شای

۹- «مُضْطَرَّ» در اصل بر وزن «مُفْتَعِل» (مُضْطَرِر) است. ریشه سه حرف آن «ض ر ر» است

که بر وزن «افتعال» می‌شود ← اضْطَرَّ، سپس حرف ت به ط تبدیل شده است.

کلماتی که فاء‌الفعْل آنها ص یا ض است چنین ابدالی در آنها صورت می‌گیرد؛ مثال بیشتر:

ص ك ك ← اصْطِكاك / ضرب ← اضْطراب / ض ر ر ← اضْطرار / ص ي د ← اصْطیاد

ص ف و ← اصْطفاء ض ه د ← اضْطهاد (اضْطَهْدَه: او را به سبب مذهب آزار داد.)

ض ل ع ← اضْطلاع (نیرومند شدن) ص ب ر ← اضْطبار (شکیبایی) ﴿وَأَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ

وَ اضْطَبَّرَ عَلَيْهَا﴾ ص ي ف ← اصْطیاف (گذراندن تابستان)

→ اخْتَرَقَ النَّبَاتُ: أَصَابَهُ تَلَفٌ مِنْ حَرٍّ أَوْ بَرْدٍ أَوْ رِيحٍ أَوْ آفَةٍ أُخْرَى

اِخْتَرَقَ قَلْبِي مِنْ شِدَّةِ الْآلَامِ: دَلِمَ مِنْ شِدَّةِ نَارِحَتِي سُوخَتِ.

۱- الجامِعةُ: مجموعةٌ معاهد علميَّة، تُسَمَّى كَلِمَاتٍ، تُدْرَسُ فِيهَا الْآدَابُ وَ الْفَنُونُ وَ الْعُلُومُ.

جامعة شعبيَّة: مجموعةٌ معاهد تُدْرَسُ موادَّ حَرَّةَ

الجامِعة العَرَبِيَّة: رابطةٌ تُضَمُّ كُلَّ الْبُلْدَانِ الْعَرَبِيَّةِ لِدِرَاسَةِ قَضَايَاها وَ مَشَاكِلِها، وَ بَحْثِها، الْعُضْبَةُ.

۱۰- جمع «ماء» علاوه بر «مياه» می‌شود: أمواه^۱

۱۱- معادل «گیاه» در عربی: نَبَات، عُشْب، عَلْف، حَشِيش و بَقْلَة

۱۲- «وَقَعَ، يَقَعُ، وَقوعاً» چند معنا دارد: افتاد، واقع شد.

وَقَعَ مِنْ فَوْقِ السَّطْحِ. از پشت بام افتاد.

وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ. سخن بر آنان واجب شد.

وَقَعَتِ الْأَيْلُ. شتر بر زمین زانو زد.

وَقَعَ الْكَلَامُ فِي نَفْسِهِ. سخن در وی اثر نهاد.

۱- الجمع: أمواه و مياه، مثنى ماءان و ماوان و مايان

الماء: سائل عليه عماد الحياة في الأرض، و هو في نقائه شفاف لا لون له و لا رائحة و لا طعم، يغلي عند ۱۰۰ م، و يتجمد

عند درجة الصفر المئوية، جزيته تتكون من اتحاد ذرتين من غاز الهيدروجين بذرة واحدة من الأكسجين.



اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱- معنای ۱۵ واژه جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند؛
- ۲- متن درس را درست بخواند و ترجمه کند؛
- ۳- پیام متن را درک کند؛^۱
- ۴- به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهد کند؛
- ۵- فعل مضارع مجزوم «فعل نهی» (للمخاطب و للمخاطبة) را بشناسد و آن را در جمله با توجه به قرائن درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس داستانی زیبا از زبان حیوانات است. در اصطلاح به این گونه داستان‌ها فابل گفته می‌شود. در اصطلاح ادبی فابل داستان کوتاه و ساده‌ای است که معمولاً شخصیت‌های آن حیوانات هستند و هدف آن آموختن و تعلیم یک اصل و حقیقت اخلاقی یا معنوی است. البتّه «فابل» گاهی نیز برای داستان‌های مربوط به موجودات طبیعی و یا وقایع خارق‌العاده و افسانه‌ها و اسطوره‌ها و داستان‌های دروغین به کار می‌رود، شخصیت‌ها در «فابل» اغلب حیوانات‌اند، اما گاهی اشیای بی‌جان نیز در آن حضور دارند. کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، موش و گربه از عبید زاکانی، منطق الطیر از عطار نیشابوری کتاب‌هایی از زبان حیوانات هستند.

شش شکارچی که می‌خواهند حیواناتی را شکار کنند و به باغ وحش ببرند، حفره عمیقی می‌کنند و رویش را با شاخ و برگ می‌پوشانند، روباهی و آهوپی در آن می‌افتند و کمک می‌خواهند، ولی حیوانات با شنیدن صدای شکارچیان می‌ترسند و می‌گریزند. آنها خیلی تلاش می‌کنند تا خود را نجات دهند، ولی سودی ندارد. پس از چند دقیقه چند حیوان بر می‌گردند و...

هماهنگی در ترجمه متن درس:

الرَّجَاءُ: امید

كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ فِي غَابَةِ الْأَسَدِ وَالثَّلْبِ وَالدَّبِّ وَالْغَزَالَةِ وَالكَلْبِ وَ...

۱- پیام متن درس درباره تلاش و امید است. ﴿لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾

گروهی از جانوران (حیوانات) در جنگلی بودند؛ شیر، روباه، گرگ، آهو، سگ و...

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَاءَ سِتَّةُ صَيَّادِينَ وَ حَفَرُوا حُفْرَةً عَمِيقَةً ثُمَّ سَتَرُوا لِيَصِيدَ الْحَيَوَانَاتِ وَ بَيْعَهَا لِحَدِيقَةِ الْحَيَوَانَاتِ. وَقَعَ ثَعْلَبٌ وَ غَزَالَةٌ فِي الْحُفْرَةِ بَعْتَهُ؛ فَطَلَبَا مُسَاعَدَةً؛ در روزی از روزها شش شکارچی (صیاد) آمدند و چاله گودی (حفره عمیقی) کردند سپس آن را برای شکار (صید) حیوانات و فروش آنها به باغ وحش پوشاندند. روباهی و آهوئی ناگهان در حفره افتادند و کمک خواستند.

لِكِنَّ الْحَيَوَانَاتِ هَرَبْنَ لِإِنَّهِنَّ سَمِعْنَ مِنْ بَعِيدٍ أَصْوَاتِ الصَّيَّادِينَ. حَاوَلَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ لِلنَّجَاةِ؛

ولی حیوانات فرار کردند؛ زیرا از دوردست صداهای شکارچی‌ها را شنیدند. روباه و آهو برای رهایی (نجات) تلاش کردند.

بَعْدَ دَقَائِقٍ: پَسِ از چند دقیقه

قَالَتْ حَمَامَةٌ لِلثَّعْلَبِ: «لَا فَائِدَةَ لِلْمُحَاوَلَةِ. لَا تَصْعَدُ. أَنْتَ لَا تَقْدِرُ. لَقَدْ جَرَّحْتَ بَدَنَكَ.»
کبوتری به روباه گفت: «تلاش هیچ فایده‌ای ندارد. (هیچ فایده‌ای برای تلاش نیست.) بالا نیا. تو نمی‌توانی. بدنت را زخمی کردی.»

وَ قَالَ كَلْبٌ لِلْغَزَالَةِ: «لَا رَجَاءَ لِنَجَاتِكَ. لَا تَصْعَدِي. أَنْتِ لَا تَقْدِرِينَ. لَقَدْ جَرَّحْتَ بَدَنَكَ.»
و سگی به آهو گفت: «امیدی به نجات تو نیست. بالا نیا. تو نمی‌توانی. بدنت را زخمی کردی.»
حَاوَلَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى وَلَكِنْ بِدُونِ فَائِدَةٍ.

روباه و آهو برای بیرون آمدن بار دیگر تلاش کردند ولی بی‌فایده بود.

يَسَّسَتِ الْغَزَالَةُ وَ بَقِيَتْ فِي مَكَانِهَا وَلَكِنَّ الثَّعْلَبَ حَاوَلَ كَثِيرًا.

آهو ناامید شد و در جایش ماند، ولی روباه خیلی تلاش کرد.

قَالَتْ لَهُ الْحَمَامَةُ: «أَنْتَ لَا تَقْدِرُ، لِمَ تُحَاوِلُ؟! اِقْبَلْ مَصِيرَكَ.»

کبوتر به او گفت: «تو نمی‌توانی، چرا تلاش می‌کنی؟! سرنوشتت را بپذیر. (قبول کن)

لَكِنَّ الثَّعْلَبَ خَرَجَ مِنْ الْحُفْرَةِ. فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ وَصَلَ هُدُودَهُ وَ قَالَ:

ولی روباه از حفره بیرون آمد. در این (آن) هنگام همدهد رسید و گفت:

«أَنَا أَعْرِفُ هَذَا الثَّعْلَبَ؛ هُوَ ثَقِيلُ السَّمْعِ؛ هُوَ ظَنَّ أَنَّ الْحَمَامَةَ تُشَجِّعُهُ عَلَى الْخُرُوجِ.»

«من این روباه را می‌شناسم؛ او کم‌شنواست؛ (سنگین گوش است.) او گمان کرده است که کبوتر

او را تشویق به بیرون آمدن می‌کند.»



قَالَتِ الْحَيَوَانَاتُ: «نَحْنُ ظَلَمْنَا الْعِزَالََةَ. عَلَيْنَا بِمُسَاعَدَتِهَا.»

حیوانات گفتند: «ما به آهو ستم کردیم. (ظلم کردیم) باید به او کمک کنیم.»
قَالَتِ الْحَمَامَةُ لِلْعِزَالََةَ: «أُخْرِجِي. أَنْتِ تَقْدِرِينَ عَلَى الْخُرُوجِ بِسُهُولَةٍ. لَا تَتِيَّأِي.» کبوتر به آهو
گفت: «بیرون بیا. (خارج شو) تو به آسانی می‌توانی بیرون بیایی. (خارج شوی) ناامید نشو. (مایوس
نشو)

حَاوَلَتِ الْعِزَالََةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى فَخَرَجَتْ وَفَرِحَتِ الْحَيَوَانَاتُ.

آهو یک بار دیگر تلاش کرد و بیرون آمد و حیوانات خوشحال شدند.
مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَجَدَّ، وَجَدَّ.
هرکس چیزی بخواهد و تلاش کند، موفق می‌شود. (هرکس چیزی خواست و تلاش کرد، موفق
شد.)

آموزش تصویری قواعد «کلیدواژه تصویری»

دانش آموز جمله‌های مصور را قرائت و با توجه به تصویر و زیر نظر معلم ترجمه می‌کند. معلم
قاعده درس را در اینجا با استفاده از کادر رنگی توضیح و دانش‌آموزان را به حروف رنگی در فعل‌های
لاتفعل و لاتفعلي ارجاع می‌دهد.



لازم است که دانش‌آموز با فرق فعل مضارع مجزوم «نهی» و فعل مضارع منفی «نفی» آشنا
شود. در این بخش مقایسه‌ای میان دو فعل نهی و نفی صورت گرفته است و پاره‌ای علامت‌ها نیز رنگی
شده‌اند تا دانش‌آموز بتواند فرق معنایی میان این دو فعل را کشف کند.
در فعل «لاتفعلن» نهی و نفی هیچ فرقی جز در نحوه تلفظ ندارند و با توجه به قرینه در
جمله قابل تشخیص است؛ می‌توان از مثال‌های فارسی استفاده کرد تا دانش‌آموز متوجه شود؛ مثلاً
فعل «می‌دوید» دو معنا دارد: «او می‌دوید.» و «شما می‌دوید.» و باید در جمله دقت کرد تا متوجه
فرق آنها شد.

برای تثبیت آموخته‌ها نیز تمرین ترجمه طراحی شده است.

تمرین‌ها

همه تمرین‌ها را دانش‌آموز قرائت و حل می‌کند.

تمرین اول: هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و نیز درک مطلب است. این تمرین در کتاب درسی متنوع طراحی شده است.

در اینجا دانش‌آموز جمله را می‌خواند و ترجمه می‌کند؛ سپس به دنبال کلمه‌ای می‌گردد که در واژه‌نامه آغازین درس آمده است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد.

تمرین دوم: هدف تقویت مهارت زبانی خواندن و ترجمه است. تصویر به خواننده کمک می‌کند تا درست ترجمه کند. در اینجا تصویر علاوه بر زیباسازی کتاب نقش آموزشی نیز دارد.

تمرین سوم: یافتن فعل امر و نهی در میان چند آیه مبارکه و حدیث شریف یکی از دو هدف اصلی آموزش درس عربی را به نمایش می‌گذارد. در جملات این تمرین فعل ماضی و مضارع نیز وجود دارد، پس این تمرین می‌تواند فراگیر را در شناخت انواع فعل نیز کمک کند.

تمرین چهارم: چهار تمرین دارای فعل امر و نهی و با صیغه‌های یکسان طراحی شده است که دانش‌آموز بتواند آنها را درست بفهمد و درست ترجمه کند.

تمرین پنجم: هدف تقویت مهارت کاربرد واژگان است. از دانش‌آموز می‌خواهیم که دلیل ناهماهنگی هر کلمه را در مقایسه با سه کلمه دیگر بیان کند. سؤال امتحانی در این بخش باید چهار گزینه داشته باشد. دانش‌آموز در این تمرین می‌تواند ارتباط معنایی کلمات را با هم بیابد.

تمرین ششم: این تمرین علاوه بر زیباساختن کتاب درسی، در مهارت واژه‌شناسی دانش‌آموز مؤثر است.

در قرآن مجید آمده است که: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ الغاشية - ۱۷
آیا برای اینکه به تدبیر خدا پی ببرند، به شتران نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده‌اند؟
پس با این نگاه توجه دانش‌آموز را جلب کنیم.

تمرین هفتم: دانش‌آموزان و حتی بزرگسالان به حل جدول علاقه‌مندند. در عربی هفتم و هشتم این موضوع اثبات شد؛ لذا در کتاب درسی عربی پایه نهم مجدداً این تمرین طراحی شده است. این تمرین دست مؤلف را باز می‌گذارد تا بتواند کلماتی را که کمتر تکرار شده است در جدول جا دهد.

رمز جدول عبارت است از: ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ التوبة - ۴۰

کَنْزُ الْحِکْمَةِ

دانش‌آموز احادیثی از حضرت علی علیه السلام می‌خواند که همگی درباره «علم» است. در اینجا هم مهارت زبانی آموزش داده می‌شود و هم اهداف برنامه درسی ملی اجرا می‌گردد. دانش‌آموز همان‌طور که از نامش پیداست آموزنده دانش است و در این حکمت‌ها جایگاه علم تبیین شده است.

تحقیق

پژوهش مطابق با توانایی دانش‌آموز تنظیم شده است. کتاب‌های بسیاری در ادبیات فارسی و جهان از زبان حیوانات و حتی اشیای بی‌جان است؛ مثال: کلیله و دمنه، مرزبان نامه، مزرعه حیوانات و ...

مزرعه حیوانات: به انگلیسی: Animal Farm که در ایران به نام قلعه حیوانات نیز شناخته شده است، رمانی به زبان انگلیسی و نوشته جورج اورول است. این رمان درباره گروهی از حیوانات است که در اقدامی آرمان‌گرایانه و انقلابی، صاحب مزرعه آقای جونز را از مزرعه فراری می‌دهند تا خود اداره مزرعه را به دست گرفته و «برابری» و «رفاه» را در جامعه خود برقرار سازند. رهبری این جنبش را گروهی از خوک‌ها به دست دارند، ولی پس از مدتی این گروه جدید نیز به رهبری خوکی به نام ناپلئون همچون آقای جونز به بهره‌کشی از حیوانات مزرعه می‌پردازند و هرگونه مخالفتی را سرکوب می‌کنند.

مرزبان‌نامه: کتابی است در اصل به زبان مازندرانی، نوشته اسپهبد مرزبان بن رستم. بعدها سعدالدین وراوینی آن را از زبان طبری به فارسی دری نقل کرد. این اثر یکی از آثار ارزنده زبان فارسی است که در نیمه نخست سده هفتم هجری قمری نوشته شد. مرزبان‌نامه از جمله شاهکارهای ادب فارسی است.

این کتاب از زبان حیوانات و به تقلید از کلیله و دمنه نصرالله منشی نوشته شده است. در واقع نویسنده کتاب از زبان حیوانات اندرزه‌های خود را به پادشاه زمان خود می‌گوید. این روش در میان دانایان هندی و ایرانی رواج داشت و در ایران پس از اسلام نیز ادامه یافت.

کتاب مرزبان‌نامه نمونه زیبایی از ادبیات تمثیلی (فابل) به شمار می‌رود.
ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی: در این درس با درس قبلی یکسان است.

هماهنگی در ترجمه بخش «کنز الحکمة»:

- ۱- «قَوْلٌ لَا أَعْلَمُ نِصْفُ الْعِلْمِ.»
گفتن نمی‌دانم نیمی از دانستن است. (گفتن نمی‌دانم نصف علم است.)
- ۲- «مَنْ سَأَلَ فِي صَغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ.»
هرکس در کوچکی پرسید، در بزرگی پاسخ داد.
(هرکس در خردسالی سؤال کند، در بزرگسالی جواب می‌دهد.)
- ۳- «كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُضُ عَلَى الْإِنْفَاقِ، إِلَّا الْعِلْمَ.»
هر چیزی به جز دانش (علم) با بخشیدن (انفاق) کم می‌شود.
- ۴- «جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَ تَمَرُّهُ الْعَمَلُ بِهِ.»
زیبایی دانش پخش آن و میوه آن به کار بستن آن است.
(جمال علم نشر آن و ثمره اش عمل به آن است.)
- ۵- «أَيُّهَا النَّاسُ، إِعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ.»
ای مردم، بدانید که کمال دین جستن دانش و عمل کردن به آن است.

دانش‌افزایی برای دیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱- می‌گویند «شیر» در عربی نام‌های بسیاری دارد و بیش از صد نام ذکر کرده‌اند؛ اما در حقیقت این اسم‌ها صفت‌های شیر هستند. بسیاری از این اسم‌ها نیز کاربرد ندارند؛ مثال‌های معروف عبارت‌اند از: حَيْدَرٌ، غَضَنْفَرٌ، ضِرْغَامٌ، ضَيْغَمٌ، فِرْنَاسٌ، قَسْوَرَةٌ، هَيْثَمٌ، لَيْثٌ، عَبَّاسٌ، لَبْوَةٌ (شیر ماده)^۱
- ۲- تَعَلَّبٌ: روباه^۲

۱- أَسَدٌ: (اسم) الجمع: آساد و أُسد و أُسد و أُسود، حیوان مفترس يشمل الذكر و الأنثی و يطلق على الأنثی أسدة و لبوّة و له في العربية أسماء كثيرة أشهرها الليث و الضيغم و الغضنفر و الضرغام.

هذا الشبل من ذاك الأسد: يُشبهه الابن أباه في صفاته.

الأسد أحد بروج السماء، بين السرطان و العذراء

أسد الله: حمزة بن عبد المطلب ﷺ

بين فكّي الأسد: في خطر، في مأزق، حصّة الأسد: الجزء الأكبر

۲- تَعَلَّبٌ: (اسم) الجمع: تَعَالِبٌ، الموثن: تَعَلْبَةٌ، حیوانٌ وحشي من الفصيلة الكلبية و رتبة اللّواعم، أصغر حجماً من الذئب، يأكل ما استطاع إليه سبيلاً من حیوان أو طير أو حشرات أو ثمار سكرية، يُضرب به المثل في المكر و الحيلة، فلان تَعَلَّبَ في سياسته: ماکرٌ مُراوغٌ، متّصف بالدهاء و الاحتیال.

- ٣- ثَقِيلُ السَّمْعِ: کسی که گوشش سنگین است، سنگینُ شنوا، کم شنوا^١
- ٤- «جَدَّ: تلاش کرد» جَدَّ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ: اجتهد فيه و اهتم به
- ٥- «جَرَحَ» و «جَرَّحَ» به معنای «زخمی کرد» هستند؛ اَمَّا مَعْنَى جَرَّحَ قَوِيٌّ تَرِازِ جَرَّحَ اسْت. جَرَّحَ، يُجَرِّحُ، تَجَرِّحًا، جَرَّحَ بَدَنَهُ: أَكْثَرَ فِيهِ الْجِرَاحَ
- ٦- حَدِيقَةُ الْحَيَوَانَاتِ: باغ وحش^٢
- ٧- شَجَّعَ: تشویق کرد، مترادف با أَغْرَى، حَبَّدَ، حَرَّصَ، حَثَّ ُ اسْتَحَثَّ^٣
- ٨- ظَنَّ: گمان کرد، مترادف با زَعَمَ َ خَالَ َ حَسِبَ َ تَصَوَّرَ، اِفْتَكَّرَ^٤

١- ثَقِيلُ: (اسم) الجمع: ثِقَالٌ

يَحْمِلُ حِمْلًا ثَقِيلًا: أَي حِمْلًا ذَا ثِقَلٍ

ثَقِيلُ الْفَهْمِ: بَلِيدٌ، أَبْلَهٌ، ثَقِيلُ الْهَيْمَةِ: كَسُولٌ، جَيْشٌ ثَقِيلٌ: كَثِيرٌ الْعَدَدُ،

رَجُلٌ ثَقِيلُ الدَّمِ: الْبَلِيدُ، مُسْتَثْقَلٌ غَلِيظٌ، مَنْ لَا يَفْهَمُ الْأُمُورَ فِي بَسَاطَتِهَا

أَصْبَحَ ثَقِيلَ السَّمْعِ: يَسْمَعُ يَضُوعِيَّةً

﴿إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾ (المزمل: ٥): الْقَوْلُ الْخَطِيرُ الْعَظِيمُ الشَّأْنِ

ثَقِيلُ الظَّلِّ: غَيْرُ مَرْغُوبٍ فِي وُجُودِهِ، مُرْجَعٌ

٢- حَدِيقَةٌ: (اسم) الجمع: حَدَائِقُ

الْحَدِيقَةُ: كُلُّ أَرْضٍ ذَاتِ شَجَرٍ مُتَمَرٍّ وَ نَخْلٍ أَحَاطَ بِهِ حَاجِزٌ

حَدِيقَةُ الْحَيَوَانَاتِ: غَابَةُ صَغِيرَةٌ مُحَاطَةٌ، تَوْضَعُ فِيهَا مُخْتَلِفُ الْحَيَوَانَاتِ دَاخِلَ حَوَاجِزٍ

الْحَدَائِقُ الْمُعْلَقَةُ: حَدَائِقُ مُثَشَّاهٌ عَلَى شَكْلِ مَدْرَجَاتٍ أَوْ سَطُوحٍ مَرْفُوعَةٍ عَنِ الْأَرْضِ، حَدَائِقُ غَنَاءٍ اشتهرت بها مدينة بابل و

اعتُبرت إحدى عجائب الدنيا السبع

حديقة أطفال: مدرسة لِحِضَانَةِ الْأَطْفَالِ وَ تَعْلِيمِهِمْ

حديقة عامة: مَسَاحَةٌ مِنَ الْأَرْضِ يُغَطِّيهَا الْعُشْبُ وَ يَذْهَبُ إِلَيْهَا النَّاسُ لِلتَّنَزُّهِ وَ التَّسْلِيَةِ

٣- شَجَّعَ: (فعل) شَجَّعَ يَشَجِّعُ، تَشْجِيعًا وَ اسْمُ فَاعِلِهِ مُشَجِّعٌ، وَ اسْمُ مَفْعُولِهِ مُشَجَّعٌ

شَجَّعَ الْبَطْلَ: حَمَلَهُ عَلَى الشَّجَاعَةِ، قَوَى عَزِيمَتَهُ

شَجَّعَ الْوَلَدَ: قَوَى قَلْبَهُ

شَجَّعَهُ عَلَى الْعَمَلِ: حَثَّهُ وَ بَعَثَ فِي نَفْسِهِ الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ

٤- ظَنَّ / ظَنَّنْتُ، يَظُنُّ، اِظْنُنْ / ظَنَّ، ظَنَّاً وَ اسْمُ فَاعِلِهِ ظَانٌّ وَ اسْمُ مَفْعُولِهِ مَظْنُونٌ

ظَنَّ الشَّيْءَ / ظَنَّ الْأَمْرَ: عَلِمَهُ بِغَيْرِ يَقِينٍ

ظَنَّ الرَّجُلُ: شَكَّ

ظَنَّ الطَّابَّ مَجْتَهِدًا: فَعَلَ يَنْصِبُ مَفْعُولِينَ أَصْلُهُمَا الْمَبْتَدَأُ وَ الْخَبْرُ، يَدُلُّ عَلَى الشَّكِّ أَوْ الرَّجْحَانِ

لَا أَظُنُّكَ تُخَالِفُ الْقَانُونَ: لَا لِإِحْوَاطِكَ تُخَالِفُهُ

فيما أظن: فيما أرى

ظَنَّ بِهِ الظَّنُونُ: ظَنَّ بِهِ شَرًّا



۹- مَصِير: سرنوشت^۱

۱۰- نَقَصَ: کم شد متضاد با زاد^۲

۱۱- معادل «تلاش کردن» غیر از «مُحاوَلَة» می‌شود: جِدُّ، جَهْدٌ، اِجْتِهَادٌ، سَعْيٌ، كُدْحٌ و كَدٌّ

۱۲- معادل «کمک کرد» در عربی: سَاعَدَ، أَعَانَ، أَعَانَتْ

۱- مَصِير: (اسم) الجمع: مَصَائِرُ و مَصَائِرُ، مصدر صَارَ / صَارَ إِلَى / الْمَصِيرُ: ما ينتهي إليه الأمر

حَقُّ تَقْرِيرِ الْمَصِيرِ: (في السياسة) حَقُّ الشُّعُوبِ فِي أَنْ تُقَرَّرَ بِنَفْسِهَا نِظَامَ الْحُكْمِ فِي بِلَادِهَا وَ اتِّجَاهَ سِيَاسَتِهَا وَ رِبْطَ عِلَاقَاتِهَا

مع سائر الدَوْلِ دُونَ الرَّجُوعِ إِلَى سُلْطَةِ خَارِجِيَّةٍ

۲- نَقَصَ يَنْقُصُ، نَقْصًا وَ نُقْصَانًا، وَ اسْمُ فَاعِلِهِ نَاقِصٌ، وَ اسْمُ مَفْعُولِهِ مَنْقُوصٌ - لِلْمَتَعَدِّيِّ

نَقَصَ الشَّيْءُ: قَلَّ، عَكْسَ زَادٍ



اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱- معنای ۲۲ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند؛
- ۲- متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند؛
- ۳- پیام درس را درک کند؛^۱
- ۴- به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند؛
- ۵- فعل مضارع مجزوم «فعل نهی معادل دوم شخص جمع در فارسی» (للمخاطِبِينَ، للمخاطبات، للمخاطِبِينَ و للمخاطَبَاتِ) را در عربی بشناسد و آن را در جمله با توجه به قرائن درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس دربارهٔ داستان زندگی دانش‌آموزی روستایی به نام ساره در کلاس چهارم دبستان است. ساره در پایهٔ چهارم مردود شده است و آموزگار او در پی علت مردودی برمی‌آید، او درمی‌یابد که دلیل مردودی، مرگ مادر دانش‌آموز است و... پس از پایان متن درس پنج سؤال درک مطلب تنظیم شده است تا دانش‌آموز پس از خواندن متن به آنها پاسخ دهد.

همانگی در ترجمهٔ متن درس:

تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ: تغيير زندگی

إِبْتَدَاءَ الْعَامِ الدَّرَاسِيِّ الْجَدِيدِ وَ ذَهَبَ تَلَامِيذُ الْقَرْيَةِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. كانت القرية صغيرة و جميلة. دَخَلَتِ الْمَدْرَسَةَ فِي الصَّفِّ الرَّابِعِ.

سال تحصیلی نو (جدید) آغاز شد و دانش‌آموزان روستا به مدرسه رفتند. آن روستا کوچک و زیبا بود خانم معلم وارد کلاس چهارم شد.

كَانَ الصَّفُّ مَرْدَحِمًا. قَالَتِ الْمَدْرَسَةُ لِلْبَنِينَ: «اجْلِسُوا عَلَى الْيَمِينِ.» وَ قَالَتْ لِلْبَنَاتِ: «اجْلِسْنَ عَلَى الْيَسَارِ.» کلاس شلوغ بود. خانم معلم به پسرها گفت: «سمت راست بنشینید.» و به دخترها گفت: «سمت چپ بنشینید.»

۱- پیام درس نقش رفتار انسان‌ها در جامعه است؛ چه بسا سخن، رفتار و تصمیمی زندگی یک فرد را نابود کند، یا

به عکس در زندگی او تأثیر مثبت داشته باشد.

هِيَ شَاهِدَتْ تَلْمِيذَةً رَاسِبَةً بِاسْمِ «سَارَةَ». فَحَزَنْتُ وَ ذَهَبْتُ لِمُشَاهَدَةِ مِلْفِهَا لِإِطْلَاعِ عَلَيَّ مَاضِيهَا.

او دانش‌آموزی مردود به نام ساره را دید (مشاهده کرد). ناراحت شد (اندوهگین شد) و برای دیدن پرونده‌اش و برای آگاه شدن (اطلاع) بر گذشته‌اش رفت.

فِي مِلْفِ السَّنَةِ الْأُولَى: هِيَ تَلْمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا. تَكْتُبُ وَاجِبَاتِهَا جَيِّدًا. هِيَ نَشِيطَةٌ. دَرِ پرونده سال نخست: او دانش‌آموزی بسیار کوشاست. تکلیف‌هایش را خوب می‌نویسد. او فعال (چالاک) است.

وَ فِي مِلْفِ السَّنَةِ الثَّانِيَةِ: هِيَ تَلْمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا. لَكِنَّهَا حَزِينَةٌ. أُمُّهَا رَافِدَةٌ فِي الْمُسْتَشْفَى. وَ دَرِ پرونده سال دوم: او دانش‌آموزی بسیار کوشاست. ولی غمگین است. مادرش در بیمارستان بستری (خوابیده) است.

وَ فِي مِلْفِ السَّنَةِ الثَّلَاثَةِ: هِيَ فَقَدَتْ وَالِدَتَهَا فِي هَذِهِ السَّنَةِ. هِيَ حَزِينَةٌ جِدًّا. وَ دَرِ پرونده سال سوم: او مادرش را امسال (در این سال) از دست داد. او بسیار غمگین است. وَ فِي مِلْفِ السَّنَةِ الرَّابِعَةِ: هِيَ تَرَكَتِ الدِّرَاسَةَ وَ لَا تُحِبُّ الْمَدْرَسَةَ وَ تَنَامُ فِي الصَّفِّ. وَ دَرِ پرونده سال چهارم: او درس‌خواندن را ترک کرد و مدرسه را دوست ندارد و در کلاس می‌خوابد.

الْمُدْرَسَةُ لَامَتْ نَفْسَهَا وَ غَيَّرَتْ طَرِيقَةَ تَدْرِيسِهَا. خانم معلم خودش را سرزنش (ملامت) کرد و روش تدریسش را تغییر داد. بَعْدَ مُدَّةٍ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ الْمُدْرَسَةِ جَلَبَ التَّلَامِيذُ هَدَايَا لَهَا وَ جَلَبَتْ سَارَةُ لِمُدْرَسَتِهَا هَدِيَّةً فِي وَرَقَةٍ صَحِيفَةٍ.

پس از مدتی دانش‌آموزان در جشن تولد (زادروز) خانم معلم برایش هدیه‌هایی آوردند و ساره برای خانم معلمش هدیه‌ای در برگه (ورقه) روزنامه‌ای آورد.

كَانَتْ الْهَدِيَّةُ رُجَاجَةً عَطْرِ أُمِّهَا، فِيهَا قَلِيلٌ مِنَ الْعَطْرِ فَصَحَّكَ التَّلَامِيذُ؛ فَقَالَتِ الْمُدْرَسَةُ لِلْبَنِيْنَ: «لَا تَضْحَكُوا» وَ قَالَتْ لِلْبَنَاتِ: «لَا تَضْحَكْنَ». الْمُدْرَسَةُ عَطَّرَتْ نَفْسَهَا بِذَلِكَ الْعَطْرِ. آن هدیه شیشه‌ی عطر مادرش بود که اندکی عطر در آن بود و دانش‌آموزان خندیدند؛ خانم معلم به پسرها گفت: «نخندید» و به دخترها گفت: «نخندید». خانم معلم با آن عطر به خودش عطر زد. (خودش را معطر کرد؛ خودش را خوشبو کرد).

جَاءَتْ سَارَةُ عِنْدَ مُدْرَسَتِهَا وَ قَالَتْ: «رَائِحَتُكَ مِثْلُ رَائِحَةِ أُمِّي.»

ساره نزد معلّمش آمد و گفت: «بوی (رایحه) تو مانند بوی مادرم است.»
شَجَعَتِ الْمُدْرَسَةُ سَارَةَ؛ فَصَارَتْ تَلْمِذَةً مِثَالِيَّةً. خانم معلّم ساره را تشویق کرد و او دانش‌آموزی
موفق شد.

وَبَعْدَ سَنَوَاتٍ؛ اسْتَلَمَتِ الْمُدْرَسَةُ رِسَالَةً مِنْ سَارَةَ مَكْتُوبَةً فِيهَا: «أَنْتِ أَفْضَلُ مُعَلِّمَةٍ شَاهَدْتُهَا
فِي حَيَاتِي. أَنْتِ غَيْرَتِ مَصِيرِي. أَنَا الْآنَ طَبِيبَةٌ.» و پس از چند سال؛ خانم معلّم نامه‌ای از ساره
دریافت کرد که در آن نوشته شده بود: «تو بهترین معلّمی هستی که در زندگی‌ام دیده‌ام. تو سرنوشتم
را تغییر دادی. من حالا پزشک هستم.»

وَبَعْدَ مُدَّةٍ، اسْتَلَمَتِ الْمُدْرَسَةُ رِسَالَةً أُخْرَى مِنَ الطَّبِيبَةِ سَارَةَ؛ طَلَبَتْ مِنْهَا الْخُضُورَ فِي حَفَلَةِ
زَوَاجِهَا وَ الْجُلُوسَ فِي مَكَانِ أُمِّ الْعَرُوسِ. و پس از مدّتی، خانم معلّم نامه‌ای دیگر (نامه دیگری) را از
خانم دکتر ساره دریافت کرد که در آن از وی حضور در جشن عروسی‌اش و نشستن در جایگاه مادر
عروس را خواسته بود. (خواست)

عِنْدَمَا حَضَرَتْ مُدْرَسَتُهَا فِي حَفَلَةِ زَوَاجِهَا؛ قَالَتْ لَهَا سَارَةُ: شُكْرًا جَزِيلًا يَا سَيِّدَتِي؛ أَنْتِ غَيْرَتِ
حَيَاتِي. فَقَالَتْ لَهَا الْمُدْرَسَةُ: «لَا يَا بِنْتِي؛ أَنْتِ غَيْرَتِ حَيَاتِي؛ فَعَرَفْتُ كَيْفَ أُدْرَسُ.» هنگامی که خانم
معلّم در جشن عروسی‌اش حاضر شد؛ ساره به او گفت: ای خانم من (خانم!)، تو زندگی‌ام را تغییر
دادی. پس خانم معلّم به او گفت: «نه ای دخترم، تو زندگی‌ام را تغییر دادی؛ پس یاد گرفتم (آموختم)
چگونه درس بدهم.»

آموزش تصویری قواعد «کلیدواژه تصویری»

دانش‌آموز جمله‌های مصوّر را می‌خواند و با توجه به تصویر و با راهنمایی معلّم ترجمه می‌کند.
معلّم همچون دروس قبل قاعده درس را با استفاده از کادر رنگی توضیح می‌دهد و دانش‌آموزان را به
حروف رنگی در فعل‌های تفعّلون، تفعّلن و تفعّلان ارجاع می‌دهد.

دانش‌آموز با شیوه اکتشافی با فعل مضارع مجزوم «فعل نهی معادل دوم شخص جمع در زبان
فارسی» (للمخاطبين، للمخاطبات، للمخاطبين و للمخاطباتين) آشنا می‌شود.

فراگیر جمله‌های زیر هر تصویر را می‌خواند و با توجه به تصویر، آنها را ترجمه می‌کند. تصویر
امر یادگیری را تسهیل می‌کند.

نباید توقع داشته باشیم که دانش‌آموز به سرعت مطلب را بیاموزد. یادگیری در سایه تمرین و
تکرار و تلاش به دست می‌آید.



بدانیم

در یک جدول فعل‌های مضارع و نهی در کنار همدیگر آمده است تا دانش‌آموز بتواند با مقایسه آنها فرق معنایی میان مضارع و نهی را تشخیص دهد. هرگاه دانش‌آموز بتواند فعل مضارع و فعل نهی را درست تشخیص دهد و درست ترجمه کند، کم‌کم می‌تواند آنها را در دوره دوم متوسطه نیز بسازد.

البته ساختن فعل ماضی، مضارع، امر و نهی از اهداف سه کتاب عربی هفتم، هشتم و نهم نیست، اما در سایه شناخت افعال خود به خود به دست می‌آید. آموخته‌های قبلی در کنار آموزش جدید برای مقایسه قرار می‌گیرد. او باید فعل‌ها را بشناسد تا بتواند در جمله و به کمک قرائن درست ترجمه کند و هدف کتاب این نیست که دانش‌آموز بتواند فعلی را از مضارع به نهی، یا به عکس تبدیل کند. چند تمرین بلافاصله پس از این بخش طراحی شده است تا آموخته‌ها تثبیت و ملکه ذهن شود.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. او باید بتواند معنای جملات را بفهمد تا بتواند کلمه مرتبط با معنای آنها را در واژه‌نامه آغازین درس بیابد.

تمرین دوم: هدف تقویت مهارت زبانی خواندن و ترجمه است. تصویر به خواننده کمک می‌کند تا درست ترجمه کند. جمله‌ها به دانش‌آموز کمک می‌کند تا بتواند مفاهیم (للمخاطبین، للمخاطبات، للمخاطبتین و للمخاطبتین) را بی‌آنکه معلم نام برد بفهمد و بداند که در زبان عربی معادل فعل نهی فارسی «انجام ندهید» سه فعل «لاتفعلوا، لاتفعلن و لاتفعلا» است.

تمرین سوم: هدف تقویت مهارت قرائت و ترجمه است. دانش‌آموز باید بتواند فعل ماضی پایه هفتم و مضارع پایه هشتم و امر و نهی پایه نهم را در جمله تشخیص دهد. جمله‌های این تمرین از آیات قرآن انتخاب شده است تا دانش‌آموز بتواند آموخته‌های خودش را در فهم قرآن به کار بگیرد. شبیه این تمرین در بسیاری از جاهای کتاب درسی آمده است.

تمرین چهارم: هدف تشخیص انواع فعل است. هرچند تبدیل و ساختن ساخت‌های مختلف فعل

مطلوب ما نیست؛ اما توانایی تشخیص و ترجمه درست فعل مدّ نظر است. تشخیص نوع فعل و ترجمه درست آن به تدریج موجب می‌شود تا دانش‌آموز بتواند فعل نیز بسازد. شیوه درست آموزش نیز همین است که ابتدا باید بتواند درست بشنود و درست بخواند، سپس درست بفهمد و درست ترجمه کند، آن‌گاه بی آنکه معلّم از او ساختن را بخواهد ساختن نیز حاصل می‌شود.

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

دانش‌آموز چند حدیث را در بخش انتهایی درس می‌خواند، احادیثی که شکل‌های مختلف ساختارهای آموزش داده شده و نیز بسیاری از واژگان خوانده شده را در بر دارد.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

از چند دانش‌آموز انجام دادن و ندادن چند کار درخواست می‌شود. دانش‌آموزی خطاب به آنان می‌گوید این کار را انجام بده، سپس می‌گوید انجام نده؛ مثال:

إِحْمِلَا هَذِهِ الْمُنْضِدَةَ. لَا تَحْمِلَا هَذِهِ الْمُنْضِدَةَ. اُكْتُبُوا عَلَيَّ اللَّوْحَ. لَا تَكْتُبُوا عَلَيَّ اللَّوْحَ.
أُخْرِجَنَّ مِنَ الصَّفِّ. لَا تَخْرُجَنَّ مِنَ الصَّفِّ. أُدْخِلْ فِي الصَّفِّ. لَا تَدْخُلْ فِي الصَّفِّ.

می‌توان در این مورد پاورپوینت، یا کلیپ‌های کوتاهی تهیه کرد و مفاهیم مطلوب را به کمک آنها بهتر آموزش داد؛ مثلاً از چند دانش‌آموز فیلمی دو ثانیه‌ای گرفته می‌شود که نماینده کلاس خطاب به آنها می‌گوید: اِنْهَضُوا و معلّم پس از ورود به کلاس می‌گوید: اِجْلِسُوا و در پایان کلیپ اِنْهَضُوا و اِجْلِسُوا ظاهر می‌شود.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی این درس همانند درس قبلی است. روش کار یکی است.

هماهنگی در ترجمه بخش «گَنْزُ الْحِكْمَةِ»:

۱- «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ ... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ.»

به بسیاری نمازشان و روزه‌شان و بسیاری حج نگاه نکنید؛ بلکه به راستگویی و امانت‌داری نگاه کنید.

۲- «عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ.» باید صبر کنید (لازم است صبر کنید، بر شماست صبر کردن)؛ زیرا صبر از ایمان است، مانند نسبت سر به بدن.

۳- «أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.»

بنگر به آنچه گفته و ننگر به آنکه گفته است.

(به چیزی که گفته است نگاه کن و به کسی که گفته است نگاه نکن.)

۴- « لا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَ لا مِراثَ كَالْأَدَبِ. »

هیچ نداری ای (فقری) مانند نادانی نیست و هیچ میراثی مانند ادب نیست.

۵- « مَنْ دَفَعَ غَضَبَهُ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ. »

هرکس خشمش را دفع کند، خداوند عذابش را از او برطرف کند.

هرکس عصبانیتش را دور کند، خدا هم عذابش را از او دور می‌کند.

(ترجمه فعل به صورت ماضی توسط دانش‌آموز بی‌اشکال است.)

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱- «اِسْتَلَمَ» به معنای «دریافت کرد» در مقابل «سَلَّمَ» به معنای «تحویل داد» است. «سَلَّمَ» به

معنای «تسلیم شد» و «سلام کرد» نیز می‌باشد. «سَلَّمَ نَفْسَهُ» یعنی «خودش را تسلیم کرد.»^۱

۲- «حَفْلَةٌ» به معنای «جشن» و مترادف با «اِحْتِفَال» است.^۲

۳- «دَفَعَ» چند معنا دارد: هُل داد، دفع کرد، پرداخت، دَفَعَ عَن يَدَفْعُ، دَفَعًا

۱- اِسْتَلَمَ: (فعل) اِسْتَلَمَ يَسْتَلِمُ، استلاماً و اسم فاعله مُسْتَلِمٌ و اسم مفعوله مُسْتَلَمٌ

استلمَ الحاجَّ الحجرَ الأسودَ بالكعبة: لَمَسَهُ بِالْقَبْلَةِ أَوْ بِالْيَدِ

استلمَ الرِّسَالَةَ: تَسَلَّمَهَا وَ تَلَقَّأَهَا، اِسْتَلَمَ بَضَائِعَ جَدِيدَةً: أَخَذَهَا

۲- حَفْلَةٌ: (اسم) الجمع: حَفَلَاتٌ وَ حَفَلَاتٌ

حَفَلُ الاستقبال: حفل خاص أو عام يُقام لتكريم زائر أو نابه أو ضيف أو مناسبة ما،

حَفْلَةٌ تأبين: اجتماع لِرثاء مَيِّت و ذكر مآثره،

حَفْلَةٌ خيرية: احتفالٌ غايته مُساندة الأعمال الخيرية و جمع التبرعات،

حَفْلَةٌ دينية: خاصة بمناسبة دينية،

حَفْلَةٌ ساهرة: حفلة موسيقية أو غنائية تستمرُّ فترةً من الليل،

حَفْلَةٌ سينمائية: تُعرض فيها الأفلام،

حَفْلَةٌ عرس أو زواج: تُقام بمناسبة زواج،

حَفْلَةٌ غنائية: يشارك فيها مُغنٍّ أو أكثر،

حَفْلَةٌ موسيقية: تُعزف فيها الموسيقى

اِجْتَمَعَ فِي بَيْتِهِ حَفْلٌ مِنَ النَّاسِ: جَمَعَ كَثِيرٌ

حَفْلُ افتتاح: مراسم الافتتاح بمناسبة بدء مؤتمر أو اجتماع أو نحوهما،

حَفْلُ رياضي: مهرجان خاص بالألعاب الرياضية،

- ٤- «رَاسِبٌ» به معنای «مردود» در مقابل «ناجِح» به معنای «قبول» قرار دارد.^١
- ٥- «رَاقِدٌ» به معنای «بستری» و «خوابیده» است و با «نَائِمٌ» مترادف است.^٢
- ٦- «صَوْمٌ» مطلق روزه است. شامل نخوردن و سخن نگفتن ولی «صیام» روزه ماه رمضان است.^٣
- ٧- «نَامٌ» و «رَقَدٌ» مترادف هستند.^٤
- ٨- «نَشِيطٌ» به معنای «چالاک» و «فَعَالٌ» است.^٥

١- (اسم) الجمع: راسبون و راسبٌ، المؤنث: راسبة، و الجمع للمؤنث: راسبات و راسبٌ
 راسب بریة: مواد متجمعة بالقرب من الشواطئ جرفتها الأنهار إلى البحر
 راسب كلسية: راسب تكون قشرة بيضاء، تلتصق بجوانب أوعية المياه، تسد مع الوقت مبردات الماء في السيارات و أنابيب
 شبكة التدفئة المركزية

رَاسِبٌ فِي الْأَمْتِحَانِ: السَّاقِطُ الْمُخْفِقُ، عَكْسُ النَّاجِحِ
 سَكَّرَ رَاسِبٌ فِي الْكَأْسِ: ثَابِتٌ فِي قَعْرِهِ
 رَسَبَ التَّلْمِيزُ: أَخْفَقَ فِي الْأَمْتِحَانِ

٢- راقِد: (اسم) الجمع: راقدون و رُقِد و رُقود، المؤنث: راقدة، و الجمع للمؤنث: راقِدات و رُقِد
 اسم فاعل من رَقَدَ / رَقَدَ عَلَى / رَقَدَ عَنْ: نَائِمٌ
 رَقَدَ / رَقَدَ عَلَى / رَقَدَ عَنْ يَرْقُدُ، رَقْدًا و رُقَادًا و رُقودًا، و اسم فاعله راقِد و الجمع: رُقود، و رُقَد، و اسم مفعوله مرقودٌ عليه
 رَقَدَ الشَّخْصُ: نَامَ لَيْلًا أَوْ نَهَارًا
 رَقَدَ عَلَى ظَهْرِهِ: اسْتَلْقَى
 رَقَدَتِ السُّوقُ: كَسَدَتْ
 رَقَدَ عَنْ أُمُورِهِ: غَفَلَ عَنْهَا
 جَنَّةٌ رَاقِدَةٌ: مَتَوَقِّفَةٌ عَنِ الْحَرَكَةِ، طَرِيحَةٌ،
 رَقَدَ رَقْدَتَهُ الْأَخِيرَةَ: مَاتَ
 رَقَدَ الشَّيْءُ: سَكَنَ وَ هَبَطَ
 رَقَدَ الْعَكْرُ وَ الثُّفُلُ: إِذَا انْحَدَرَ إِلَى أَسْفَلٍ وَ سَكَنَ،
 رَقَدَ الطَّيْرُ عَلَى بَيْضِهِ: حَضَنَهُ

٣- صَوْمٌ: (اسم) مصدر صام، الصَوْمُ: الإمساك عن أي فعل أو قول كان، الصَوْمُ: الصَّمْتُ / الصَّيَامُ: الصَّوْمُ، الإِمْسَاكُ عَنِ شَهْوَاتِي
 الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى غُرُوبِ الشَّمْسِ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾ البقرة: ١٨٣
 ٤- نَامٌ / نَامَ إِلَى / نَامَ عَنِ / نَامَ لَيْلًا، نَمٌ، نَوْمًا وَ مَنَامًا، و اسم فاعله نَائِمٌ، و اسم مفعوله نَمَوَ إليه
 نَامَ الْوَلَدُ: نَعَسَ، إِضْطَجَعَ، رَقَدَ
 نَامَ الرَّجُلُ نَوْمَتَهُ الْأَبْدِيَّةَ: مَاتَ

٥- نَشِيطٌ: (اسم) الجمع: نُشَطَاءٌ وَ نَشَاطٌ، نَشَاطِي، المؤنث: نَشِيطَةٌ، و الجمع للمؤنث: نَشِيطَاتٌ وَ نَشَاطٌ
 صفة مشبهة تدل على الثبوت من نَشِطَ إِلَى / نَشِطَ فِي / نَشِطَ لـ
 شَابَّ نَشِيطًا: ذُو نَشَاطٍ، مَنْ يَعْمَلُ بِحَيَوِيَّةٍ وَ خِفَّةٍ

اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱- معنای ۲۹ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند؛
- ۲- متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند؛
- ۳- پیام آموزشی درس را درک کند؛^۱
- ۴- به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهد کند؛
- ۵- ترکیب اضافی دارای صفت مؤخر مانند «قَلَمُكَ الْأَحْمَرُ» را در جمله (نه به تنهایی) درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس داستان زندگی توماس ادیسون است. بسیاری افراد می‌پرسند که فرجام مخترعان و مکتشفانی که به بشریت خدمت کرده، ولی مسلمان نبوده‌اند، چه می‌شود؟
داوری در مورد نیت درونی این افراد کار دشواری است، مشهور است که کار مخترعانی مانند ادیسون خدمت به بشریت بوده است، پس هیچ دلیلی نداریم که آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ شاملشان نشود؛ زیرا محسنین در قرآن فقط به مؤمنان اطلاق نشده است. مُحْسِن یعنی نیکوکار.
از این گذشته آیه ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ و من يعمل مثقال ذرة شراً يره ﴿زلزال ۷-۸ هرکس به اندازه سنگینی ذره‌ای کار خوب کند آن را می‌بیند و هرکس به مقدار ذره‌ای کار بد کند، آن را خواهد دید. به وضوح شامل این‌گونه اشخاص می‌شود؛ زیرا در آیه تصریح شده، عمل خوب پاداش و عمل بد کیفر را در پی دارد. خوبی و بدی کارها، قراردادی نیست؛ بلکه واقعی است و آثار خود را دارد؛ پس هر گاه اعمالی به‌وجود آمد که ذاتاً خوب است، بالطبع پاداش دارد؛ لذا در قرآن آمده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾ الْكَهْفُ ۳۰

شهادت استاد مرتضی مطهری می‌نویسد: «چون خداوند اهل تبعیض نیست و چون عمل نیک از

۱- پیام درس درباره تلاش افراد است.

کنج خواهی در طلب رنجی بر خرمی می‌بایدت تخمی بکار

﴿لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾

هرکس نیک است، پس هرکس کار نیک بکند، ضرورتاً و الزاماً از طرف خدای متعال پاداش نیک خواهد داشت...» (عدل الهی، ص ۳۳۹)

از این آیات استفاده می‌شود که پاداش و کیفر بر نفس اعمال مترتب بوده و مسلمان بودن در اعطای پاداش شرط نشده است، همان‌طوری که در عذاب شدن غیر مسلمان بودن شرط نشده است. ولی عده‌ای عقیده دارند که اگر بنا باشد اعمال غیرمسلمان مقبول درگاه خداوند باشد، پس فرق میان مسلمان و غیرمسلمان در چیست؟ اصولاً اگر تفاوت مسلمانان با غیرمسلمانان در پاداش ظهور نکند اسلام لغو خواهد بود. برخی از آیات نیز آمده است که عمل کافر غیر مقبول است. در آیه ۱۸ سوره ابراهیم اعمال کفار به خاکستری تشبیه شده است که به وسیله تندبادی پراکنده شود:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ البَعِيدُ﴾ (ابراهیم، آیه ۱۸ و تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۰۸)

کسانی که به پروردگارشان کافر شده‌اند، اعمالشان در مثل به خاکستری می‌ماند که در روزی طوفانی، تندبادی بر آن بوزد که بر اندکی هم از آنچه فراهم آورده‌اند دست نمی‌توانند یافت. این است آن گمراهی‌ای که از حق فاصله‌ای دور و دراز دارد. روشن است که این آیه در برگزیده کفار است؛ یعنی کسانی که حقیقت اسلام را به روشنی دریافته‌اند، ولی با این حال کفر و عناد می‌ورزند. اما مسلمان نبودن کسانی که ستیزه‌جویی با دین ندارند و تنها به خاطر اینکه حقیقت اسلام به آنها نرسیده، مسلمان نیستند، شامل کفار این آیه نمی‌شوند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «بهشت هشت در دارد، نخستین آن برای انبیا و صدیقین، دومین آن برای شهدا و صالحین و پنجم در بعدی برای مؤمنان راستین، و در هشتم برای مردمانی که با حق و حقیقت در ستیز نباشند.» (خصال صدوق، ج ۲، ص ۴۰۸-۴۰۷)

در نتیجه حکم دادن به کفر و عناد مخترعینی مانند ادیسون که به بشریت خدمت کرده‌اند کار سختی است. هیچ دلیلی نداریم که آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ شامل این‌گونه اشخاص نشود.

برای مطالعه بیشتر به تفسیر نمونه، جلد ۱۰، صفحات ۳۱۷-۳۱۲ و عدل الهی شهید استاد مطهری، صفحات ۳۳۸ - ۳۳۷ مراجعه شود.

هماهنگی در ترجمه متن درس:

ثَمَرَةُ الْجِدِّ: میوه تلاش (دسترنج)

كَانَ إِدِيسُونُ فِي السَّابِعَةِ مِنْ عُمُرِهِ، عِنْدَمَا عَجَزَتْ أُسْرَتُهُ عَنْ دَفْعِ نَفَقَاتِ دِرَاسَتِهِ: فَطَرَدَهُ مُدِيرُ مَدْرَسَتِهِ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَقَالَ عَنْهُ: «إِنَّهُ تَلْمِيزٌ أَحْمَقٌ». فَصَارَ بَائِعَ الْفَوَاكِهِ؛ اديسون در سن هفت سالگی بود، (هفت ساله بود) هنگامی که خانواده اش از پرداخت هزینه های تحصیلش (درس خواندنش) درماند (عاجز شد)، پس مدیر مدرسه اش او را از مدرسه راند (بیرون کرد، طرد کرد) و درباره اش گفت: «او دانش آموزی نادان است.» پس میوه فروش شد.

وَلَكِنَّهُ مَا تَرَكَ الدِّرَاسَةَ؛ بَلْ دَرَسَ بِمُسَاعَدَةِ أُمِّهِ؛ هِيَ سَاعَدَتْهُ كَثِيرًا. كَانَ إِدِيسُونُ ثَقِيلَ السَّمْعِ بِسَبَبِ حَادِثَةٍ أَوْ مَرَضٍ أَصَابَهُ أَيَّامَ الطُّفُولَةِ.

ولی او تحصیل (درس خواندن) را ترک نکرد؛ بلکه به کمک مادرش درس خواند. او خیلی کمکش کرد.

ادیسون به سبب حادثه ای یا بیماری ای که روزهای کودکی دچارش شده بود (دچارش شد) کم شنوا بود.

تِمْنَالُ إِدِيسُونِ أَمَامَ الْجِسْرِ: تندیس (مجسمه) اديسون روبه روی پل

إِديسون أَحَبَّ الْكِيمِيَاءَ. فَصَنَعَ مُخْتَبَرًا صَغِيرًا فِي مَنْزِلِهِ وَبَعْدَ مُدَّةٍ قَدَرَ عَلَى شِرَاءِ بَعْضِ الْمَوَادِّ الْكِيمِيَاءِيَّةِ وَالْأَدَوَاتِ الْعِلْمِيَّةِ؛ اديسون شیمی را دوست داشت. پس آزمایشگاهی کوچک در خانه اش ساخت و پس از مدتی توانست برخی مواد شیمیایی و ابزارهای علمی را بخرد. (قادر به خریدن برخی مواد شیمیایی و ابزارهای علمی شد).

وَ بَعْدَ مُحَاوَلَاتٍ كَثِيرَةٍ صَارَ مَسْئُولًا فِي أَحَدِ الْقَطَارَاتِ وَ قَدَرَ عَلَى شِرَاءِ آلَةِ طِبَاعَةٍ وَ وَضَعَهَا فِي عَرَبَةِ الْبَضَائِعِ.

و پس از تلاش های بسیاری مسئول یکی از (مسئول در یکی از) قطارها شد و توانست دستگاه

چاپی بخرد و آن را در واگن کالاها گذاشت،

وَ فِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمُرِهِ كَتَبَ صَحِيفَةً أُسْبُوعِيَّةً وَ طَبَعَهَا فِي الْقِطَارِ. وَ دَرِ سَنٍ

پانزده سالگی روزنامه ای هفتگی نوشت و آن را در قطار چاپ کرد.

فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ انْكَسَرَتْ إِحْدَى زُجَاجَاتِ الْمَوَادِّ الْكِيمِيَاءِيَّةِ فِي الْمَطْبَعَةِ؛ فَحَدَّتْ حَرِيْقُ فَطَرْدِهِ

رَئِيسُ الْقِطَارِ وَ عِنْدَمَا أَنْقَذَ طِفْلًا مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ، جَعَلَهُ وَالِدُ الطِّفْلِ رَئِيسًا فِي شَرِكَتِهِ. دَرِ يَكِي از روزها

یکی از شیشه های مواد شیمیایی در چاپخانه شکسته شد (شکست) و آتش سوزی روی داد و رئیس

قطار او را بیرون کرد (طرد کرد) و وقتی که کودکی را از زیر قطار نجات داد، پدر کودک او را رئیس

شرکتش کرد.

كانَ اِدِيْسُونُ مَشْغُولًا فِي مَخْتَبَرِهِ لِيَلًا وَ نَهَارًا. هُوَ اَوَّلُ مَنْ صَنَعَ مُخْتَبَرًا لِلْاَبْحَاثِ الصَّنَاعِيَّةِ. اِدِيْسُونُ شَبَّ وَ رُوْزٌ دَرِ اَزْمَايشْگَاهَشْ مَشْغُولٌ بُوْد. اَوْ نَخْسْتِيْنِ كَسِيْ بُوْد كِه اَزْمَايشْگَاهِيْ بَرَايِ پِژُوْهَشْ هَايِ صَنْعَتِيْ سَاخْت.

اِخْتَرَعَ اِدِيْسُونُ اَكْثَرَ مِنْ اَلْفِ اِخْتِرَاعٍ مُهِمٍّ؛ مِنْهَا الطَّاقَةُ الْكَهْرَبَائِيَّةُ وَ الْمِصْبَاحُ الْكَهْرَبَائِيُّ وَ مُسْجَلُ الْمَوْسِيقَى وَ الصُّوْرُ الْمُتَحَرِّكَةُ وَ اَلَّةُ السِّيْنِمَا وَ بَطَّارِيَّةُ السِّيَّارَةِ وَ الطَّاقَةُ الْكَهْرَبَائِيَّةُ فِي هَذَا الْعَصْرِ سَبَبٌ رَئِيْسِيٌّ لِتَقَدُّمِ الصَّنَاعَاتِ الْجَدِيْدَةِ. اِدِيْسُونُ بِيْشْتَرُ اَزْ هَزَارِ اِخْتِرَاعٍ مُهِمٍّ اِخْتِرَاعٌ كَرْد. (اِدِيْسُونُ بِيْشْ اَزْ هَزَارِ اِخْتِرَاعٍ مُهِمٍّ دَاشْت). اَزْ اَنْ جَمَلِهْ نِيْرُوْیْ بَرْقِ، چَرَاغِ بَرْقِ، ضَبْطْ كَنْنَدَهْ مَوْسِيقَى، عَكْسْ هَايِ مِتْحَرَكْ، دَسْتْگَاهِ سِيْنِمَا وَ بَاتِرِيْ خُوْدْرُوْ وَ نِيْرُوْیْ بَرْقِ دَرِ اَيْنِ رُوْزْگَارِ دَلِيْلِ اَصْلِيْ پِيْشْرِفْتِ صَنْايعِ نُوِيْنِ بُوْدَهْ اَسْت.

﴿ اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَ عَمِلُوْا الصَّالِحَاتِ اِنَّا لَا نُضِيْعُ اَجْرَهُمْ مِنْ اَحْسَنَ عَمَلًا ﴾ الْكُهْفِ ۳۰

قَطْعًا كَسَانِيْ كِه اِيْمَانِ اَوْرَدَهْ وَ كَارِهَايِ شَايْسْتَهْ كَرْدَهْ اَنْد، مَا پَا دَاشْ كَسِيْ رَا كِه كَارِ نِيْكَوْ كَنْدِ تَبَاهِ نَمِيْ كْنِيْم. ^۱

آموزش تصویری قواعد «کلیدواژه تصویری»

دانش آموز جمله‌های مصور را می‌خواند و با توجه به تصویر و با راهنمایی معلم ترجمه می‌کند. بدیهی است که برای فهم ترکیب وصفی و اضافی ابتدا باید دانش‌آموزان را به آموخته‌هایشان در ادبیات فارسی ارجاع داد.

برای تشخیص ترکیب وصفی از ترکیب اضافی باید به نوع کلمات هر ترکیب توجه داشت. ترکیب اسم + اسم یک «ترکیب اضافی» و ترکیب اسم + صفت «ترکیب وصفی» است. شیوه اصلی تشخیص ترکیب وصفی از اضافی تشخیص نوع کلمات ترکیب (از نظر اسم یا صفت بودن) است؛ اما معمولاً شیوه‌های زیر برای تفهیم دانش‌آموز به کار برده می‌شوند. با افزودن چیزهایی می‌توان ترکیب وصفی را شناخت.

۱- افزودن «تر» یا «ترین» به آخر ترکیب؛ مثال: پسرِ زرنگ، پسرِ زرنگ تر

۱- ترجمه آیت الله مکارم شیرازی:

مسلماً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد.

ترجمه آیت‌الله موسوی همدانی (ترجمه المیزان):

آنان که (به خدا) ایمان آوردند و نیکوکار شدند ما هم اجر نیکوکاران را ضایع نخواهیم گذاشت.



۲- افزودن فعل ربطی به آخر ترکیب‌ها؛ مثال: پسر زرنگ است. پسر زرنگ بود.

۳- افزودن «ی» یا «بسیار» بین دو کلمه؛ مثال: پسر زرنگ، پسر بسیار زرنگ
اگر با افزودن موارد فوق ترکیب‌ها از نظر معنا صحیح باشند، نوع ترکیب وصفی و در غیر این صورت اضافی است.

نکته: برای تشخیص اسم و صفت، بیشترین مشکل دانش‌آموزان در شناخت اسم معناست؛ یعنی اسمی که وجود ظاهری ندارد و وجودش وابسته به چیزی دیگر است؛ مثل هوش.

بدانیم

آنچه را دانش‌آموز در کلیدواژه تصویری با آن آشنا شده است، در بخش «بدانیم» در قالب یک جدول ملاحظه می‌کند و با تعریف ترکیب وصفی و اضافی آشنا می‌گردد. لازم به تذکر است که هدف آموزش تطابق موصوف و صفت از نظر جنس، عدد، معرفه و نکره بودن و اِعراب نیست. هرچند خودبه‌خود این اتفاق می‌افتد و در خلال قرائت جمله‌ها دانش‌آموز پی می‌برد که تطابق وجود دارد، اما آموزش مطابقت موصوف و صفت از اهداف آموزشی نیست.

همچنین آموزش اینکه مضاف ال و تنوین و نون مثنی و جمع نمی‌گیرد و مضاف الیه مجرور است از اهداف کتاب نیست. تمییز ترکیب وصفی از اضافی نیز از اهداف کتاب نیست؛ زیرا در فهم زبان چندان مؤثر نیست.

لذا مطلقاً نباید وارد این مباحث شد.

فَنَ ترجمه

آموزش ترکیب وصفی و اضافی در فهم زبان تأثیر چندانی ندارد، دلیل آوردن این قاعده این است که ترکیب مخلوط مانند «صَدِيقِي الْعَزِيزُ» آموزش داده شود. در کتاب درسی، ترکیب مخلوط با ضمائر طَرَّاحِي شده است و مثال‌های این چنینی مانند «صَدِيقُ جَوَادِ الْعَزِيزُ» یا «حَقِيبَةُ أُخْتِي الصَّغِيرَةِ» نیامده است؛ زیرا ترجمه ترکیب‌هایی مانند «حَقِيبَةُ أُخْتِي الصَّغِيرَةِ» بسیار سخت است و دانش‌آموز باید اطلاعات زبانی بسیاری داشته باشد تا بتواند آن را درست ترجمه کند.

ترکیب مخلوط نباید مستقلاً آموزش یا ارزشیابی شود؛ زیرا یادگیری، بسیار دشوار می‌شود و باید ترکیب مخلوط را در جمله به دانش‌آموز ارائه کرد؛ مثال: رَأَيْتُ صَدِيقِي الْعَزِيزَ فِي السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.

دانش آموز نمی‌تواند ترکیب مخلوط «صَدِيقِي الْعَزِيزُ» را بیرون از جمله درست ترجمه کند و نمی‌داند کدام یک از این دو ترجمه درست است: «دوستِ عزیزم» یا «دوستم عزیز است.»

همچنین در امتحانات و مسابقات صرفاً باید از همان مثال‌های کتاب درسی بدون هیچ تغییری استفاده کرد. چند مثال دیگر نیز در درس‌های بعدی برای تقویت فهم ترکیب مخلوط آمده است. از آن مثال‌ها نیز می‌توان در امتحان استفاده کرد.

تمرین‌ها

حلّ تمرینات در کلّ کتاب بر عهده دانش آموز است و معلّم نقش مصحّح و راهنما دارد. دانش آموز می‌خواند و ترجمه می‌کند و معلّم اصلاح می‌کند و نمره شفاهی روخوانی نیز در دفتر معلّم درج می‌شود. معلّم برخی از تمرین‌های نیازمند توضیح را قدری بیشتر توضیح می‌دهد.

تمرین اوّل: هدف تقویت توانایی دانش آموز در درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم جمله‌ها را بخواند و ترجمه کند. معلّم بر قرائت و ترجمه او نظارت می‌کند. درک مطلب در یادگیری هر زبانی نقشی مهم را ایفا می‌کند.

تمرین دوم: چهار تصویر در این تمرین ارائه شده است. مرقد ابوعلی سینا در همدان، پل سفید در اهواز، مسجد امام در اصفهان و صحنه‌ای از نماز جماعت رزمندگان هشت سال دفاع مقدّس.

تصاویر به لحاظ فرهنگی هدفمندند و ذیل هر یک از آنها ترکیب‌های وصفی و اضافی آمده است.

تمرین سوم: تمرین مترادف و متضاد موجب تقویت مهارت واژه‌شناسی دانش آموز می‌شود.

تمرین چهارم: دانش آموز باید جمله‌های داده شده را درست بخواند و بفهمد تا بتواند تشخیص دهد کدام کلمه برای جای خالی مناسب است. برای اینکه قدرت تفکر دانش آموز تقویت شود و به منظور جلوگیری از پاسخ‌های حدسی دو کلمه اضافه نیز در تمرین داده شده است. می‌توان در امتحان نوبت اوّل و دوم فقط یک کلمه اضافه داد.

تمرین پنجم: هدف تقویت قدرت ترجمه انواع گوناگون افعال ماضی، مضارع، مستقبل، امر و نهی است. در امتحان از طرح سؤال شبیه به این تمرین خودداری شود. این تمرین صرفاً برای تقویت دانش آموز است. ترجمه فعل باید در جمله و به کمک قرائن صورت گیرد. این تمرین فقط برای کار در کلاس طراحی شده است. ترجمه «سَتَغَسِلُ» برای دانش آموز در سرفاقرین است، ولی ترجمه آن در جمله «وَالِدَتِي سَتَغَسِلُ الْمَلَابِسَ غَدًا.» ساده است. در عین حال که دانش آموز امتحان می‌دهد هم‌زمان یاد نیز می‌گیرد. در چنین حالتی امتحان ادامه یادگیری می‌شود.

تمرین ششم: هدف تقویت اندوختهٔ واژگانی دانش آموز است. از آنجا که ترجمه از فارسی به عربی از اهداف کتاب نیست؛ لذا شانزده پاسخ روبه روی دانش آموز قرار دارد. دانش آموزان حل جدول رمزدار را دوست دارند. رمز جدول «لا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ: هیچ جهادی مانند جهاد با خود نیست.» از حضرت علی علیه السلام است. در این تمرین کلماتی که به هر دلیل کمتر تکرار شده است جا داده شده‌اند.

کنز الحکمة

سخنان حکیمانه از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام زینت بخش انتهای درس می‌باشد. سعی شده است حکمت‌های به کار رفته در عین حال که از نظر ساختاری دقیقاً مطابق با اهداف آموزشی کتاب‌اند از نظر مفهومی به روز و قابل فهم برای دانش آموز باشد.

ارزشیابی

روش نمایشی شیوه‌ای مناسب برای آموزش ساختار این درس است. چند وسیله یا چند تصویر در کلاس نمایش داده می‌شود و راجع به هر کدام ترکیبی گفته می‌شود تا دانش آموز ترجمه کند؛ مسلماً استفاده از امکانات رایانه و تخته هوشمند این کار را فوق العاده جذاب می‌سازد؛ مثال:

حَقِيبَةٌ صَغِيرَةٌ، قَلَمٌ طَوِيلٌ، فَالاحونَ مجتهدونَ، طالباتٌ محجباتٌ و ...

هماهنگی در ترجمهٔ بخش «کنز الحکمة»

۱- «عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ.»

باید خدا را یاد کنی؛ زیرا او روشنایی دل است. (ذکر خدا بر تو لازم است که قطعاً او نور قلب

است.)

۲- «جَلِيسُ السُّوءِ شَيْطَانٌ.» همنشین بد، اهریمن (شیطان) است.

۳- «الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ.» گیتی کشتزار رستاخیز است. (دنیا مزرعهٔ آخرت است.)

۴- «الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ.» دانش، گنجی بزرگ است. (علم گنجی عظیم است.)

۵- «النَّوْمُ أَخُو الْمَوْتِ.» خواب، برادر مرگ است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱- «شیطان» معادل «اهریمن» در فارسی است. در انگلیسی Satan با تلفظ سی تین گفته می‌شود که به نظر می‌رسد از عربی یا عبری یا سریانی یا... وارد انگلیسی شده باشد.^۱
- ۲- «آلة» به معنای «دستگاه» است که در فارسی به صورت «آلت» نوشته می‌شود.^۲
- ۳- «أداة» به معنای «ابزار» است که در فارسی به شکل جمعی «ادوات» کاربرد دارد.^۳
- ۴- «أضاع» به معنای «گم کرد، تباہ کرد، ضایع کرد» و مترادف «ضَيَع» است.^۴

- ۱- شَيْطَانٌ: جمع: شَيْطَانٌ [ش ي ط].
 - إِحْذِرِ الشَّيْطَانَ: وَ هُوَ الرُّوحُ الشَّرِيرُ الَّذِي يَرْمِي بِكَ لِلتَّهْلُكَةِ لِبُعْدِهِ عَنِ الْخَيْرِ وَ طَرِيقِ الْحَقِّ.
 - يَا لَهُ مِنْ وَدِّ شَيْطَانَ: عِبَارَةٌ تَقَالُ لِكُلِّ وَدِّ مُشَاكِسٍ أَوْ مُتَمَرِّدٍ.
 - شَيْطَانُ الشَّعْرِ: مَنْ يُلْهِمُ الشَّاعِرَ الشَّعْرَ، حَسَبَ مَا كَانَ يُعْتَقَدُ فِي الْعُصُورِ الْأُولَى.
 - رَاكِبَةُ الشَّيْطَانِ: مَنْ غَضِبَ وَ سَارَعَ إِلَى الْقِيَامِ بِعَمَلٍ لَمْ يُرَاعِ نَتَائِجَهُ.
- ۲- آلة: (اسم) الجمع: آلات جهاز يُؤدِّي عملاً بتحويل القوى المحركة المختلفة كالحرارة و البخار و الكهرباء إلى قوى آليّة مثل الآلات التي تُحرِّك السفن.

آلة حاسوبية: الحاسوب،

آلة بخارية: آلة تحرك بالبخار،

آلة كهربائية: آلة تحرك بالكهرباء

هُوَ آلَةٌ فِي يَدِهِ هُوَ مَنْ يَتَحَرَّكُ بِمَشِينَتِهِ عَلَى غَيْرِ إِرَادَةٍ مِنْهُ هُوَ آلَةٌ صَمَاءٌ بَيْنَ يَدَيْهِ.

۳- أداة: (اسم) الجمع: أدوات، آلة، ما يُستعان به لإنجاز غرض من الأغراض.

أداة الحرب: سلاحها

أدوات احتياطية: قطع غير

أدوات المائدة: الأطباق والآنية والملاعق وغيرها اللازمة لتناول الطعام،

أدوات كتابية أو مكتبية: مجموع ما يُستعمل من أشياء في مصلحة أو مؤسسة،

أدوات منزلية: ما يحتاجه البيت من أدوات أو أجهزة كالنلاجة وغيرها

الأداة (في اصطلاح النحويين): اللفظة تستعمل للربط بين الكلام أو للدلالة على معنى في غيرها، كالتعريف في الاسم أو

الاستقبال في الفعل و الجمع: أدوات

أدوات النفي: (النحو والصرف) كلمات تدل على أنّ الخبر غير واقع؛ مثل: لا، ما، لم، ليس إلخ

۴- أضاع: (فعل) أضاع يُضيع، أضغ، إضاعه و اسم فاعله مُضيع و اسم مفعوله مُضاع

أضاع الشيء: بدّده، أفناه بلا فائدة

إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لَكُمْ ثَلَاثًا: قِيلَ وَ قَالَ وَ إِضَاعَةَ الْمَالِ (حديث)

أضاع وقتَه: أهدره، تركه يذهب سدى

أضاع عليه فرصةً من ذهب: أفاته إياها



۵- «أَنْقَذَ» به معنای «نجات داد» و مترادف با «نَجَّى» است.^۱

۶- «بِضَاعَةَ» به معنای «کالا» است که در فارسی کاربرد دیگری دارد؛ مثال:

بضاعت مالی: توانایی مالی، بی‌بضاعت: ندار^۲

۷- «عَرَبِيَّةٌ» به معنای «گاری، چرخ، چهارچرخه» است که از واژه فارسی «ارابه» گرفته شده

است؛ به صورت «عَرَبِيَّةٌ» در سوریه و عربستان سعودی و «عَرَبَانَةٌ» در عراق به معنای گاری به کار می‌رود.^۳

۸- «كَهْرُبَاءٌ» در اصل واژه‌ای فارسی و از ریشه «کاه‌رُبا» است. کاه‌رُبا همان الکتریسیته است

که به عنوان مثال هنگام شانه کردن موی سر با شانه چوبی ایجاد می‌شده است و کاه را به خود جذب می‌کرده است و آن را کاه‌رُبا نامیده‌اند؛ زیرا که کاه را می‌ربوده است. همچون آهن‌رُبا که آهن را می‌رباید. سپس کاه‌رُبا تبدیل به کَهْرُبَا و سپس کَهْرُبَاءٌ شده است.

۹- «کیمیاء» به معنای «شیمی» برگرفته از «کیمیا» در فارسی است. دانشمند ایرانی محمد بن

زکریای رازی در جست‌وجوی ماده‌ای بود که به پندار پیشینیان می‌توانست مس را تبدیل به طلا کند. او آزمایش‌های بسیاری انجام داد و چنین چیزی نیافت، اما مجموعه کارهای او باعث شد که دانش شیمی

أَضَاعَ يَتَصَرَّفُهُ كُلُّ سُبُلِ النَّجَاحِ: ضَيَعَ، خَسِرَ
أَضَاعَ فُلَانٌ: فَشَّتْ ضَيَعَتُهُ أَوْ ضِيَاعُهُ وَ كَثُرَتْ
أَضَاعَ الْفَلَاخُ: كَثُرَتْ ضِيَاعُهُ

۱- أَنْقَذَ: (فعل) أَنْقَذَ يُنْقِذُ، إِنْقَاذًا، و اسم فاعله مُنْقِذٌ و اسم مفعوله مُنْقَذٌ
أَنْقَذَهُ مِنَ الْغَرَقِ: خَلَصَهُ وَنَجَّاهُ

حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَهُ مِنْ وَرَطَّتِهِ أَوْ أَرَمَتِهِ: أَنْ يُخْرِجَهُ مِنْهَا سَالِمًا

۲- بِضَاعَةٌ: (اسم) الجمع: بضائع، سلعة، ما يُتَّجَرُ فِيهِ مِنْ سَلَعٍ وَمَصْنُوعَاتٍ وَغَيْرِهِمَا،
أَخْرَجَ مَا عِنْدَهُ مِنَ الْبِضَاعَةِ: قَالَ مَا كَانَ يَنْوِي أَنْ يَقُولَهُ،

بِضَائِعٌ عَابِرَةٌ: بِضَائِعٌ مُعْفَاةٌ مِنَ الرُّسُومِ فِي طَرِيقِ نَقْلِهَا مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ آخَرَ،

قِطَارِ الْبِضَاعَةِ: نَوْعٌ مَعْيَنٌ مِنَ الْقِطَارَاتِ غَيْرِ مُخَصَّصٍ لِرُكُوبِ النَّاسِ يَنْقُلُ الْبِضَائِعَ قِطْفًا،

كَانَ قَلِيلَ الْبِضَاعَةِ مِنَ الْعَرَبِيَّةِ: لَهُ مَعْرِفَةٌ قَلِيلَةٌ بِهَا

۳- الْعَرَبِيَّةُ: وَاحِدَةُ الْعَرَبَاتِ، وَ هِيَ سُفْنٌ رَوَاكِدُ كَانَتْ فِي دِجْلَةِ

الْعَرَبَةِ: مَرْكَبَةٌ ذَاتُ عَجَلَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ يَجْرُهَا حَيَوَانٌ أَوْ إِنْسَانٌ، تُنْقَلُ عَلَيْهَا الْأَشْيَاءُ، جَمْعُ عَرَبَاتٍ.

وَضَعُ الْعَرَبَةَ أَمَامَ الْحِمَاةِ: وَضَعَ الْأَمْرَ فِي غَيْرِ مَحَلِّهِ، خَالَفَ نِظَامَ الْأُمُورِ، عَكَسَ التَّرْتِيبَ

العربة القلابة: عربة لها جسم قابل للقلب بحيث تعمل على تفرغ محتوياتها.

عربة نوم: مقطورة سكة الحديد مزودة بوسائل الراحة و النوم

از نام کیمیای او ریشه بگیرد.^۱

۱۰- «نَفَقَةٌ» به معنای «هزینه» است. «نَفَقَةٌ» از «نَفَقَ» به معنای «تونل» است و کلمات منافق و نفاق نیز از آن مشتق شده‌اند. نفاق مصدر است به معنای منافق بودن، منافق کسی است که در باطن کافر و در ظاهر مسلمان است.

﴿يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾ آل عمران - ۱۶۷.

طبرسی در وجه این تسمیه می‌گوید:

منافق به سوی مؤمن با ایمان خارج می‌شود و به سوی کافر با کفر.

و ادامه می‌دهد که علت این تسمیه آن است که منافق از ایمان به طرف کفر خارج شده است.

نَفَقَ نَقْبِی است در زیر زمین که در دیگری برای خروج دارد و در این آیه:

﴿فَإِنِ اسْتَفْعَتِ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلْمًا فِي السَّمَاءِ...﴾ انعام - ۳۵

مراد همان نقب است؛ یعنی اگر بتوانی نقبی در زمین یا نردبانی بر آسمان بجویی...

ضمناً «یربوع» موش صحرایی است که دو لانه می‌سازد؛ یکی به نام نافقاء که آن را پنهان می‌دارد؛ دیگری به نام قاصعاء که آشکار است، چون دشمن در قاصعاء به آن حمله کند وارد نافقاء شده و از آن خارج می‌شود؛ این مطلب در صحاح و قاموس و اقرب الموارد نقل شده است، طبرسی در علت تسمیه نافقاء فرموده که: یربوع از آن خارج می‌شود.

نفقه آذوقه‌ای بوده است که در نقبی در جایی مانند کوه می‌گذاشتند تا دست دیگری بدان نرسد و هزینه را در عربی نفقه نامیده‌اند که از این ریشه است.

۱۱- «وَضَعَّ» به معنای «گذاشت، قرار داد» است. در گویش عامیانه به جای آن گفته می‌شود:

«خَلَّى» یا «حَطَّ»؛ مثل: «صَعَهُ هُنَا».

در عربستان سعودی: «خَلَّى هینا».

در مصر: «حَطُّ هینا».

در عراق: «خَلَّى إهنا».

۱- Chemistry در انگلیسی، chimie در فرانسه، química در اسپانیایی، chimica در ایتالیایی، chemia در لهستانی،

χημεία در یونانی که همان کیمیا تلفظ می‌شود و در همه زبان‌های جهان همگی برگرفته از نام کیمیا است.



اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱- معنای ۱۶ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند؛
- ۲- متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند؛
- ۳- پیام درس را درک کند؛^۱
- ۴- به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهد کند؛
- ۵- معادل فعل مضارع سوم شخص جمع (لِلغَائِبِينَ، لِلغَائِبَاتِ، لِلغَائِبِيْنَ) را در عربی بشناسد و آن را در جمله با توجه به قرائن درست ترجمه کند؛
- ۶- بتواند در سفرهای زیارتی به خانه خدا و مدینه منوره و عتبات مقدسه در حد نیاز از توانایی‌های زبانی‌اش در زمینه عربی استفاده کند.^۲

فرایند آموزش

متن درس گفت‌وگویی بین زائری ایرانی و یک راننده تاکسی در شهر مکه مکرمه است. در این متن، هشت کلمه پرسشی هَلْ، أَمْ، مَنْ، مِمَّنْ، مَاذَا، لِمَاذَا، كَمْ و ما به کار رفته است. گفت‌وگوی متنوعی تنظیم شده که در آن شیوه درست مکالمه آموزش داده شده است. هرچند مکالمه هدف اصلی کتاب درسی نیست، ولی تمرین مناسبی برای یادگیری زبان عربی است و کلاس را فعال و پرتحرک می‌سازد. همچنین اطلاعات خوبی در اختیار دانش‌آموز قرار می‌دهد. بسیاری از کسانی که به مکه مشرف شده‌اند از موزه مکه آگاهی ندارند، درحالی‌که در آن آثار تاریخی حرمین شریفین نگهداری می‌شود؛ مانند ستون چوبی کعبه، آثار چاه قدیمی زمزم، عکس‌های قدیمی حرمین شریفین و بقیع شریف و ... پس از پایان متن، درس به‌روال دروس پیشین درک مطلب طراحی شده است که باید درست، یا نادرستی هر عبارت با توجه به متن درس طراحی شود.

۱- پیام درس یادآور این آیه شریفه است: ﴿سِيرُوا فِي الْأَرْضِ..﴾ آل عمران - ۱۳۷. زائران ایرانی به زبان عربی آشنا هستند و این توانمندی آنها را نشان می‌دهد. راننده تاکسی در تعیین قیمت کرایه دچار خطا می‌شود، ولی آنان هوشیارند و تذکر می‌دهند. به موزه می‌روند، جایی بسیار دیدنی و مقدس که بسیاری از زائران از آن غافل‌اند و معمولاً کاروان‌های زیارتی به آنجا نمی‌روند. این خود گونه‌ای آموزش صحیح است.

۲- سؤال و جواب در حد گفت‌وگوی موجود در تمرینات است.

هماهنگی در ترجمه متن درس:

حَوَارٍ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ: گفت وگویی میان زائر و راننده تاکسی
– السَّلَامُ عَلَيْكُمْ. – عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟

– سلام بر شما (درود بر شما). – درود و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

کجا می‌روید؟

– نَذْهَبُ إِلَى مُتَحَفِ مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ. – أَهلاً وَ سَهلاً بِكُمْ. تَفَضَّلُوا. إِزْكَبُوا.

– به موزه مکه مکرمه می‌رویم. – خوش آمدید. بفرمایید. سوار شوید.

– كَمْ رِيَالًا تَأْخُذُ مِنَّا؟ – أَرْبَعِينَ رِيَالًا.

– چند ریال از ما می‌گیری؟ – چهل ریال.

– الْأَجْرَةُ غَالِيَةٌ. نَحْنُ ثَلَاثَةٌ أَشْخَاصٍ. – عَفْوًا؛ ثَلَاثُونَ رِيَالًا. لِكُلِّ زَائِرٍ عَشْرَةُ رِيَالٍ.

– کرایه گران است. ما سه نفریم. – ببخشید؛ سی ریال. برای هر زائری ده ریال.

– هَلْ تَقْبَلُ النُّقُودَ الْإِيرَانِيَّةَ؟ – نَعَمْ. لَا بَأْسَ. يَا شَبَابُ، هَلْ أَنْتُمْ إِيرَانِيُونَ؟

– آیا پول ایرانی می‌پذیرید؟ – بله؛ اشکالی ندارد. ای جوان‌ها، آیا شما ایرانی

هستید؟

– نَعَمْ وَ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ – أَنَا بَاكِسْتَانِيٌّ^۱ وَ أَشْتَعِلُ هُنَا. فِي وَطَنِي كُنْتُ أَشْتَعِلُ

فِي الْمَرْعَةِ.

– بله و شما اهل کجا هستید؟ – من پاکستانی هستم و اینجا کار می‌کنم. در

میهنم در مزرعه کار می‌کردم.

– أَرَأَيْتَ الْمُتَحَفَ حَتَّى الْآنَ؟ – لَا؛ مَا رَأَيْتُهُ. مَا عِنْدِي فُرْصَةٌ.

– آیا تا حالا موزه را دیده‌ای؟ – نه؛ ندیده‌ام. فرصت ندارم. (فرصتی ندارم)

۱- در زبان عربی فصیح چهار حرف گ، چ، پ، ژ وجود ندارد؛ لذا اسم‌هایی مانند پاکستان و پروین را باکستان و بروین

تلفظ می‌کنند و می‌نویسند. حرف «پ» گاهی به «ف» نیز تبدیل شده است؛

مثال: پیروز/ فیروز/ پیل/ فیل / پارس/ فُرس/ تَبُورستان/ طبرستان/ آتورپاتگان/ آذربایجان/ پهلوی: فَهْلَوی، قَبیلی (نام کردهای

ایلام و شرق عراق)/ پسته: فُسْتَق

با توجه به قید زمان «تا حالا» فعل «رَأَيْتَ» در ترجمه فارسی «دیدهای» ترجمه می‌شود. توضیح اینکه در زبان عربی مانند فارسی و انگلیسی فرمول خاصی برای ماضی نقلی وجود ندارد؛ مثلاً كَتَبَ، قَدْ كَتَبَ، هُوَ كَاتِبٌ، كَتَبَ حَتَّى الْآنَ را «نوشته است» ترجمه می‌کنیم.

– لِمَاذَا مَا ذَهَبْتَ إِلَى هُنَاكَ؟! – لِأَنِّي أَشْتَغِلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الْمَسَاءِ.

– چرا به آنجا رفته‌ای؟ – زیرا من از صبح تا شب کار می‌کنم.

– عَفْواً كَمْ السَّاعَةُ؟ – الْعَاشِرَةُ تَمَاماً.

– ببخشید. ساعت چند است؟ – ده تمام.

– تَعَالَ مَعَنَا. ثُمَّ نَرْجِعُ مَعَا؛ – همراه ما بیا. سپس باهم برمی‌گردیم.

– هَلْ تَقْبَلُ؟ – لا؛ لَا أَقْدِرُ. شُكْرًا جَزِيلاً.

– آیا می‌پذیری؟ (قبول می‌کنی؟) – نه؛ نمی‌توانم. بسیار سپاسگزارم.

جَوَارُ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ دَلِيلِ الْمُتَحَفِّ: گفت و گویی میان زائر و راهنمای موزه

– مَاذَا فِي هَذَا الْمُتَحَفِّ؟ – الْأَثَارُ التَّارِيخِيَّةُ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ.

– در این موزه چه چیزی هست؟ – آثار تاریخی حرمین شریفین. (دو حرم شریف)

– مَا ذَلِكَ الْعَمُودُ؟ – الْعَمُودُ الْحَشَبِيُّ لِلْكَعْبَةِ.

– آن ستون چیست؟ – ستون چوبی کعبه.

– وَ مَا هَذِهِ الْأَثَارُ؟ – بَابُ الْمِنْبَرِ الْقَدِيمِ لِلْمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ؛

– و این آثار چیست؟ – در منبر قدیمی مسجد نبوی؛

توجه: در ترکیب‌هایی مانند «بَابُ الْمِنْبَرِ الْقَدِيمِ لِلْمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ» نیازی به ترجمه حرف

جَرَّ نیست؛ مثال‌های مشابه عبارت‌اند از:

الرَّسَالَةُ الْمُهَمَّةُ لِلرَّئِيسِ: نامه مهم رئیس‌جمهوریه الاسلامیه فی ایران: جمهوری اسلامی ایران

أَثَارُ بَنِي زَمَرْمَ: صُورُ الْحَرَمَيْنِ وَ مَقْبَرَةُ الْبَقِيعِ؛ وَ أَثَارُ جَمِيلَةٌ أُخْرَى.

آثار چاه زمزم؛ عکس‌های دو حرم و مقبره (قبرستان) بقیع؛ و آثار زیبای دیگری.

– أَشْكُرُكَ عَلَى تَوْضِيحَاتِكَ الْمُفِيدَةِ. – لَا شُكْرَ عَلَيَّ الْوَاجِبِ.

– به‌خاطر توضیحات سودمندتان (مفید شما) سپاسگزارم. – وظیفه بود، تشکر لازم نیست.



در اینجا خوب است که اشاره‌ای به آموخته‌های صفحه کتاب عربی هفتم شود؛ در این صفحه آمده بود که:

- | | |
|--|---|
| – لا؛ ما رَأَيْتُهُ. ما عِنْدِي فُرْصَةٌ. | – أَرَأَيْتَ الْمُتَحَفَّ حَتَّى الْآنَ؟ |
| – نه؛ ندیده‌ام. فرصت ندارم. | – آیا موزه را تا حالا دیده‌ای؟ |
| – لِأَنِّي أَشْتَغِلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الْمَسَاءِ. | – لِمَاذَا مَا ذَهَبْتَ إِلَى هُنَاكَ؟! |
| – چون من از صبح تا شب کار می‌کنم. | – چرا به آنجا نرفته‌ای؟ |
| – الْأَثَارُ التَّارِيخِيَّةُ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ. | – ماذا فِي هَذَا الْمُتَحَفِّ؟ |
| – آثار تاریخی حرمین شریفین. (دو حرم شریف) | – چه چیزی در این موزه هست؟ |
| – بَابُ الْمِنْبَرِ الْقَدِيمِ لِلْمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ؛ | – وَ مَا هَذِهِ الْأَثَارُ؟ |
| – در قدیمی مسجد نبوی. | – و این آثار چیست؟ |
| – لَا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ. | – أَشْكُرُكَ عَلَى تَوْضِيحَاتِكَ الْمُفِيدَةِ. |

– از توضیحات مفید (سودمند) شما متشکرم. – وظیفه بود، تشکر لازم نیست.
 فعل‌هایی مانند شَكَرَ و سَأَلَ و عَبَّرَ در ترجمه فارسی همراه با حرف اضافه می‌آیند؛ مثال:
 شَكَرَهُ: از او تشکر کرد / سَأَلَهُ: از او پرسید / عَبَّرَهُ: از آن عبور کرد
 برخی اشتباهی در ترجمه این فعل‌ها حرف جرّ «مِنْ» می‌آورند که نادرست و تحت تأثیر فارسی است؛ مثال: (شَكَرَ مِنْهُ، سَأَلَ مِنْهُ و عَبَّرَ مِنْهُ) هر سه غلط هستند.

آموزش تصویری قواعد «کلیدواژه تصویری»

قواعد درس هشتم درباره معادل ماضی استمراری در زبان عربی است. تذکر مهم این است که در زبان عربی چنین اصطلاحی وجود ندارد؛ اصطلاح ماضی استمراری در فارسی معادل Past continuous در انگلیسی است و در عربی به کار نمی‌رود و برای فهم بهتر زبان عربی به عنوان معادل سازی توضیح داده می‌شود. حتی اصطلاح ماضی بسیط نیز وجود ندارد. در زبان عربی فعل سه نوع است: ماضی، مضارع و امر.

فعل نهي فعل مضارع مجزوم است، فعل مستقبل نیز همان مضارع است که با افزودن یکی از دو حرف سَ یا سوف بر آینده دلالت می‌کند.

ماضی استمراری: نشان‌دهنده کاری است که در گذشته چند بار تکرار شده است؛ مثال:
 می‌نوشت، می‌گفت. ترجمه فعل «ماضی ملموس یا در جریان» مانند «داشت می‌رفت» با فعل

«می‌رفت» یکی است.

كَانَ يَذْهَبُ: داشت می‌رفت، می‌رفت

توجه کنیم که از چنین تعریبی بهتر است خودداری کنیم: عَلِيٌّ كَانَ يَذْهَبُ. بهتر است بگوییم

كَانَ عَلِيٌّ يَذْهَبُ.

در ارزشیابی از طرح سؤالی که حرف الف در فعل كَانَ حذف می‌شود؛ مانند: «كُنَّ يَسْمَعْنَ»

هیچ سؤالی طرح نشود؛ زیرا در هیچ یک از سه کتاب درسی عربی هفتم، هشتم و نهم فعل معتل،

مضعف یا مهموز آموزش داده نشده است.

فَنّ ترجمه

آنچه را دانش آموز در بخش «کلیدواژه تصویری» آموخته است، در بخش «فَنّ ترجمه» به صورت

کوتاه، مختصر و مفید می‌خواند. یادگیری این بحث همانند سایر مباحث کتاب تنها با تکرار و تمرین

حاصل می‌شود.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف این تمرین تقویت توانایی درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر

جمله را بخواند و ترجمه کند. حل همه تمرینات بر عهده دانش‌آموز است و معلم فقط نظارت

می‌کند. هدف تقویت مهارت خواندن و ترجمه است. دانش‌آموز باید با توجه به متن درس درستی یا

نادرستی عبارت‌ها را معلوم کند.

طراحی این تمرین عمداً ساده صورت گرفته است، شایسته است در امتحان نیز این تسهیل

صورت بگیرد.

تمرین دوم: هدف تقویت مهارت روان‌خوانی و ترجمه است. تصویر علاوه بر تلطیف کتاب

یاری‌رسان دانش‌آموز در ترجمه عبارت‌هاست. هدف اصلی این تمرین ترجمه معادل فعل ماضی

استمراری در زبان عربی است. باید بدانیم که همیشه معادل ماضی استمراری در عربی این‌گونه

نیست؛ مثال:

رَأَيْتُ رَجُلًا يَرْكُضُ؛ یعنی: مردی را دیدم که می‌دوید.

تمرین سوم: هدف واژه‌شناسی است. هر جمله علاوه بر اینکه خوانده می‌شود،

خواهی نخواهی باید ترجمه نیز شود، هرچند در صورت سؤال ترجمه خواسته نشده است؛

برای اینکه دانش‌آموز بتواند هر کلمه را در جای خالی مناسب قرار دهد، ناگزیر است که معنای عبارت را درک کند. این تمرین در امتحانات نیز بسیار مناسب است.

تمرین چهارم: هدف تقویت قدرت ترجمهٔ افعال ماضی، مضارع و معادل ماضی استمراری در فارسی است. این تمرین برای تقویت شناخت و ترجمهٔ فعل طراحی شده است. در امتحان لازم است که ترجمهٔ فعل در داخل جمله خواسته شود. به منظور تسهیل تمرین یک نمونه برای فراگیر حل شده است.

تمرین پنجم: این تمرین در اصطلاح «جورکردنی» نامیده می‌شود. در تقویت زبانی دانش‌آموز مؤثر است. از نظر یادگیری در سطح بالایی قرار دارد. دانش‌آموز باید بتواند معنای همهٔ کلمات و عبارات را بفهمد تا بتواند ارتباط آنها را با همدیگر دریابد. طرح چنین سوالی در امتحان برای معلم دشوار است، ولی در امتحان برای دانش‌آموز در امتحان لذت‌بخش و ساده است. این سؤال موجب می‌شود تا فرایند یادگیری در ارزشیابی نیز ادامه یابد.

تمرین ششم: این تمرین علاوه بر زیباسازی محیط کتاب درسی و اهداف ثانویه برای آموزش غیر مستقیم مفهوم ترکیب اضافی و وصفی طراحی شده است. معلم می‌تواند در اینجا از دانش‌آموز بخواهد تا نوع ترکیب را در شش مثال این تمرین تشخیص دهند، اما تشخیص نوع ترکیب از اهداف کتاب نیست؛ زیرا تأثیر چندانی در فهم متن ندارد. لازم است معلم راجع به تصاویر اطلاعاتی داشته باشد، تا اگر دانش‌آموز پرسید بتواند پاسخ دهد.^۱

۱- سازه‌های آبی تاریخی شوشتر مجموعه‌ای به هم پیوسته از پل‌ها، بندها، آسیاب‌ها، آبشارها، کانال‌ها و تونل‌های بزرگ هدایت آب هستند که در ارتباط با یکدیگر کار می‌کنند و در دوران هخامنشیان تا ساسانیان، جهت بهره‌گیری بیشتر از آب ساخته شده‌اند. این سازه‌ها با عنوان نظام آبی تاریخی شوشتر در فهرست میراث جهانی یونسکو با شمارهٔ ۱۳۱۵ به ثبت رسید. یکی از سفرنامه‌نویسان نامدار که از شگفتی‌های شوشتر ستایش کرده است، ابن بطوطه است او در این شهر با علمایی ملاقات نموده که از دانش آنها شگفت‌زده شده است، او از شوشتر با نام معرب توستر یا تستر نام برده است. او همچنین از عظمت پل‌های شوشتر نام برده است.

پل گاومیشان یک پل باستانی مربوط به دورهٔ ساسانیان است که در فاصلهٔ ۳۰ کیلومتری پلدختر در مرز بین دو استان لرستان و ایلام و نزدیک دره شهر بر روی رودخانهٔ سیمیره واقع شده است. بیشتر سازهٔ این پل در استان لرستان قرار داد، اما این اثر به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران در محدودهٔ استان ایلام، به ثبت رسیده است. طول پل حدود ۱۷۵ متر و عرض گذر سطح پل نزدیک به ۸ متر و ۲۰ سانتی‌متر است و در حال حاضر شش چشمه طاق دارد. دهانهٔ پل گاومیشان با بیش از ۵۰ متر عرض بزرگ‌ترین دهانهٔ پل ایران است. یکی از این دهانه‌ها بعد از عقب‌نشینی سپاه ایران در جریان حملهٔ اعراب به ایران تخریب شد. پل تاریخی گاومیشان یکی از حیرت‌انگیزترین پل‌های تاریخی غرب کشور است.

به نظر می‌رسد نام گاومیشان جمع گاومیش باشد، ولی به احتمال قوی از نام گاماسیاب برگرفته شده است که آن هم نام رودی در غرب ایران است. (گا: گاو+ ماسی: ماهی+آب) رودی که ماهیانی به بزرگی گاو دارد؛ یعنی دارای ماهی‌های بزرگ.

←

تمرین هفتم: حلّ جدول مورد علاقه بزرگ و کوچک است؛ لذا یک درس در میان جدول کلمات متقاطع تنظیم شده است. رمز جدول «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ» از پیامبر اسلام ﷺ است. ترجمه حدیث این است: سرور قوم در سفر خدمتگزار آنان است. معمولاً «فِي السَّفَرِ» در این حدیث ذکر نمی‌شود.

کنز الحکمة

احادیث برگزیده دقیقاً مطابق با واژگان و ساختار خوانده شده است. دانش‌آموز با ترجمه احادیث احساس شادی و اعتماد می‌کند. او به تدریج حس می‌کند با خواندن درس عربی می‌تواند با قرآن و متون دینی انس بیشتری بگیرد. این بخش از درس به او می‌فهماند که یکی از اهداف اصلی آموزش عربی آشنایی با سخنان گهربار بزرگان دین است.

هماهنگی در ترجمه احادیث بخش کنز الحکمة

- ۱- «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ إِدْخَالُ السُّرُورِ عَلَى الْمُسْلِمِ.» محبوب‌ترین کارها (اعمال) نزد خدا پس از واجبات دینی، داخل کردن شادی بر مسلمان است. (شاد کردن مسلمان است).
- ۲- «أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الْأَيْدِي؛» محبوب‌ترین خوراک نزد خدا آن است که دست‌ها بر آن زیاد باشند. (افراد زیادی بر سر سفره غذا نشسته باشند).
- ۳- «أَحَبُّ بُيُوتِكُمْ إِلَى اللَّهِ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مُكْرَمٌ؛» محبوب‌ترین خانه‌هایتان نزد خدا خانه‌ای است که در آن یتیمی گرامی داشته شود. (یتیمی گرامی داشته شده در آن باشد).
- ۴- «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.» محبوب‌ترین بندگانش نزد خدا سودمندترین‌شان نسبت به بندگانش است. (این حدیث شبیه حدیث «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.» است).

۵- «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ حِفْظُ اللِّسَانِ.»

محبوب‌ترین کارها (اعمال) نزد خداوند نگه داشتن (حفظ) زبان است.

سراب یا چشمه بیستون به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. گردشگاهی پرطرفدار در غرب ایران است که چون کتیبه بیستون نیز همان جاست، لذا گردشگر بسیار دارد. این سراب در سی کیلومتری شمال شرقی کرمانشاه و در دامنه کوه بیستون قرار دارد. جنگل‌های استان گلستان نیز هر سال گردشگران بسیاری را به خود جذب می‌کند.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

توصیه‌هایی که در دروس پیشین نوشته شد در این درس نیز مصداق دارد.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱- «إِدْخَالَ»، یعنی «داخل کردن» و متضاد آن «إِخْرَاج» است.^۱
- ۲- «إِسْتَعْلَلَ»، یعنی «کار کرد»، «مشغول شد»^۲
- ۳- «بِئْرٌ» به معنای «چاه» و جمع مکسر آن «آبار» است که در گویش عامیانه مفردش «بیر» و جمعش «آبیار» گفته می‌شود؛ مانند مسجد آبیارِ علی در مدینه منوره^۳؛ کلمه بئر، مؤنث معنوی است.^۴
- ۴- «تَعَالَ» فعل امر به معنای «بیا» است. فعل‌های «أَتَى، يَأْتِي» و «جَاءَ، يَجِيءُ» به معنای

۱- إِدْخَالَ: (اسم) مصدر أَدْخَلَ يَدْخُلُ، إِدْخَالًا، و اسم فاعله مُدْخِلٌ، و اسم مفعوله مُدْخَلٌ

أَدْخَلَ الْمَكَانَ وَغَيْرَهُ / أَدْخَلَهُ فِي الْمَكَانِ وَغَيْرِهِ: صَيَّرَهُ دَاخِلًا، سَمَحَ لَهُ بِالذُّخُولِ،

أَدْخَلَ يَدَّهُ فِي الْحَقِيْبَةِ: أَوْلَجَهَا بِدَاخِلِهَا

أَدْخَلَ السُّرُورَ إِلَى نَفْسِهِ: جَعَلَ نَفْسَهُ مَسْرُورَةً

أَدْخَلَ تَعْدِيلاً عَلَى شَيْءٍ / أَدْخَلَ تَغْيِيرًا عَلَى شَيْءٍ: أَجْرَاهُ، أَحْدَثَهُ.

أَدْخَلَ الْبَيَانَاتِ فِي الْحَاسُوبِ: حَزَنَهَا لِلِاسْتِفَادَةِ مِنْهَا.

۲- اسْتَعْلَلَ: (فعل) اسْتَعْلَلَ ب- / اسْتَعْلَلَ عَن / اسْتَعْلَلَ فِي اسْتَعْلَلَ، اسْتَعْلَالًا و اسم فاعله مُسْتَعْلِلٌ و اسم مفعوله مُسْتَعْلَلٌ بِهِ

اسْتَعْلَلَتِ الْآلَاتُ: دَارَتْ، عَمَلَتْ

اسْتَعْلَلَ الدَّوَاءُ: أَدَّى مَفْعُولَهُ، نَجَحَ

اسْتَعْلَلَ قَلْبُهُ هَمًّا وَ حُزْنًا: اضْطَرَبَ، تَشَوَّشَ

اسْتَعْلَلَ عَنْهُ: تَلَهَّى عَنْهُ بِغَيْرِهِ

اسْتَعْلَلَ فِيهِ السُّمُّ: جَرَى

اسْتَعْلَلَ قَلْبُهُ: تَشَوَّشَتْ أَفْكَارُهُ

اسْتَعْلَلَ بِكَذَا: عَمِلَ بِهِ، زَاوَلَ مِهْنَةً أَوْ صِنْعَةً

۳- يقع مسجد ذي الحليفة (أبيار علي) على الجانب الغربي من وادي العقيق المبارك في المنطقة المعروفة باسم "أبيار علي"

و يطلق عليه البعض مسمى مسجد أبيار علي أو آبار علي. و يبعد عن المسجد النبوي قرابة أربعة عشر كيلومترا.

۴- بئر: (اسم) الجمع: أَبْوَارٌ و أَبَارٌ و بئار، وَ قَدْ تَقَدَّمَتِ الْهَمْزَةُ عَلَى الْبَاءِ (أَبَارٌ ← أَبَارٌ) فَأَصْبَحَتْ أَبَارٌ.

البئر: حفرة عميقة، يُسْتَخْرَجُ مِنْهَا الْمَاءُ أَوْ النَّفْطُ وَ غَيْرِهِمَا.

«آمد، می‌آید» هستند؛ ولی فعل امر از آنها کاربرد ندارد.^۱

۵- «تَفَضَّلَ» معادل «بفرما» در فارسی است.^۲

۶- «ثَلَاثُونَ» یا «ثَلَاثِينَ» در گویش عامیانه به صورت «ثلاثین» به کار می‌رود؛ در گویش شامی و برخی گویش‌های دیگر «ثلاثین» گفته می‌شود؛ تلفظ «ث» در برخی گویش‌ها به «ت» تبدیل می‌شود.

۷- «دکیل» به معنای «راهنما» است؛ مانند «دلیل سَفَر» به معنای «راهنمای سفر».^۳

۸- «ریال» کلمه‌ای به زبان اسپانیایی و پرتغالی (real) است که وارد فارسی و عربی شده است. ریال به معنای «شاهی» است، نام سکه نقره رایج در آن دو کشور و سرزمین‌های وابسته به آنها بود. ریال از زمان حضور اسپانیاییان و پرتغالیان در خلیج فارس وارد دو زبان فارسی و عربی شده است. ریال از واژه لاتینی «رگالیس» (regalis) به معنای «شاهنشاهی» می‌آید که صفتی از اسم «رکس» (rex) به معنای «شاه» است. واژه انگلیسی «رویال» (royal) هم‌ریشه با «real» اسپانیایی و پرتغالی است.

سکه نقره با نام ریال در اسپانیا از سال ۱۴۹۷ تا ۱۸۷۰ میلادی ضرب می‌شد. ریال همچنین واحد پول بسیاری از مستعمره‌های اسپانیا بود؛ به‌عنوان مثال، واحد پول برزیل، «رنال» نام دارد.

۹- «سِیَّارَة» به معنای «خودرو» است. در گویش عامیانه سوریه به «خودرو»، «عَرَبِيَّة» نیز

۱- تَعَالَى: (فعل) اسم فعل أمر للمذكر بمعنى أقبل، هَلُمَّ، و تتصل به الضمائر فيبقى على فتحه؛ تَعَالَى لِلْمَوْتِ وَ تَعَالَى لِلْمُنَى وَ تَعَالَوْا لِلْجَمْعِ الْمَذْكَرِ وَ تَعَالَيْنِ لِلْجَمْعِ الْمؤنثِ، وَ رُبَّمَا تَضَمُّ اللام مع جمع المذكر وَ تكسر مع المؤنث (تَعَالَوْا وَ تَعَالَيْنِ)

تَعَالَى فِي أَيِّ وَقْتٍ يُعْجِبُكَ: أَحْضُرْ

۲- تَفَضَّلَ: (فعل) تَفَضَّلَ عَلَى يَتَفَضَّلُ، تَفَضُّلاً، وَ اسْمُ فَاعِلِهِ مُتَفَضِّلٌ، وَ اسْمُ مَفْعُولِهِ مُتَفَضَّلٌ عَلَيْهِ

تَفَضَّلَ عَلَى غَيْرِهِ: تَبَيَّنَ لَهُ الْفَضْلُ عَلَيْهِ فِي الْقَدْرِ وَالْمَنْزِلَةِ

تَفَضَّلَ عَلَيْهِ مِمَّا يَمْلِكُ: أَنَالَهُ مِنْ فَضْلِهِ

تَفَضَّلَ عَلَيْهِ: إِدْعَى الْفَضْلَ عَلَيْهِ

وَ تَفَضَّلُوا بِقَبُولِ بَالِغِ الْاحْتِرَامِ / وَ تَفَضَّلُوا بِقَبُولِ فَائِقِ الْاحْتِرَامِ: عِبَارَةٌ تُذَيِّلُ بِهَا الرُّسَائِلَ

تَفَضَّلَ: (اسم) مصدر تَفَضَّلَ

رَغَبَ فِي التَّفَضُّلِ عَلَيْهِ: إِعْطَاؤُهُ، إِنَالَتَهُ شَيْئًا مِنْ فَضْلِهِ

دَعَاهُ إِلَى التَّفَضُّلِ: دَعَاهُ لِلْجُلُوسِ أَوْ تَنَاوُلِ شَيْءٍ عَلَى سَبِيلِ التَّجَمُّلِ

۳- دَلِيلٌ: (اسم) الجمع: أدلاء و أدلة و دلائل

الدَّلِيلُ: المرشد و الجمع: أدلة و أدلاء

الدَّلِيلُ: مَا يُسْتَدَلُّ بِهِ، بَرهَانٌ، بَيِّنَةٌ، حُجَّةٌ، شَاهِدٌ، عِلْمَةٌ

الدَّلِيلُ: كِتَابٌ يَدُلُّ الْقَارِئَ وَ يُرْشِدُهُ إِلَى مَعْلُومَاتٍ خَاصَّةٍ بِمَوْضُوعٍ مَا، دَلِيلُ الْفَنَادِقِ أَوْ الْمَطْبُوعَاتِ أَوْ الْجَمَاعَاتِ أَوْ الْهَاتِفِ

گفته می‌شود که برگرفته از «ارابه» و ریشه فارسی دارد.^۱

۱۰- «لَا بَأْسَ» اصطلاحی معادل «اشکالی ندارد.» است. در گویش سعودی «ما فی مُشْکَلَة» گفته می‌شود که در اصل «ما فیهِ مُشْکَلَة» بوده است و در گویش عراقی «مَیْخَالِفُ» (ما یُخَالِفُ) گفته می‌شود. خود کلمه «بَأْسَ» به معنای «نیرو، شجاعت، شکنجه و...» است.^۲

۱۱- «مُتَحَف» که در تداول گاهی «مُتَحَف» گفته می‌شود، نیز به معنای موزه است.^۳

۱۲- «نُقُود» جمع «نَقْد» و به معنای «پول» یا «پول‌ها» است. در گویش عراقی و سعودی به جای آن «فُلُوس» و در گویش شامی «مَصارِی» گفته می‌شود.^۴

۱- سَيَّارَة: (اسم) الجمع: سَيَّارات
السَّيَّارَة: القافلة ﴿وَجَاءَتْ سَيَّارَة فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ﴾ يوسف: ۱۹
السَّيَّارَة: مَرْكَبَة آليَّة تَسِيرُ بِمَحْرِكٍ مُخَرِّقٍ لِلْبِنَزِينَ تُسْتَعْدَمُ لِلرُّكُوبِ وَ النُّقْلِ
سَيَّارَة أُجْرَة: تاکسي، سياره لنقل الناس مقابل أجره،
سَيَّارَة إِسعاف: سَيَّارَة مُعَدَّة طَبِيبًا لِنَقْلِ المَرَضَى إِلَى المَسْتَشْفَى،
سَيَّارَة إِصلاح: سياره تصليح في الطريق يُمكنها عند الحاجة أَنْ تَرَفَعَ عَطَلَ السَّيَّارات.
سَيَّارَة دَوْرِيَّة: سياره يطوف بها رجال الأمن ليلاً،
سَيَّارَة رُكَّاب: سياره تُستعمل لنقل الناس،
سَيَّارَة شُحْن: سياره تُستعمل لنقل البضائع وتسمى شاحنة،
سَيَّارَة مَصْفَحَة: سياره حربيَّة مكسوَّة بصفائح من الفولاذ تكون دَرَعًا لها، و تحفظها من قذائف العدو، و سُلِّحت بِمدافع
دبابة.

۲- لَا بَأْسَ عَلَيَّكَ: لَا خَوْفَ عَلَيَّكَ (باکی بر تو نیست.) / لَا بَأْسَ فِيهِ: سختی و دشواری در آن نیست. / لَا بَأْسَ مِنْهُ: مانعی از آن نیست. / لَا بَأْسَ بِهِ: خواری و نقصانی در آن نیست؛ عیبی ندارد.

مصدرٌ مِنْ بَأْسٍ وَ بَيْسٍ، رَجُلٌ ذُو بَأْسٍ: قوی شدید، شدید البأس: شجاع
۳- مَتَحَف: (اسم) الجمع: مَتاحِفُ (مَتَحَفٌ أَوْ مَتَحَفٌ)

المَتَحَفُ: موضع التُّحَفِ الفُنِّيَّةِ أَوْ الأَثَرِيَّةِ وَ الجمع: مَتاحِفُ
مَتَحَفِ السَّمْعِ: موضع يضمُّ تَمائيلَ من شمع لشخصيات ذات شهرة عالميَّة

۴- الفُلُوسُ عملة نقدية عربية مُستعملة في الأردن و الإمارات و البحرين و العراق و الكويت و اليمن و يختلف سعرها بحسب البلد.

اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱- معنای ۲۹ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی بداند؛
- ۲- متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند؛
- ۳- پیام درس را درک کند؛^۱
- ۴- به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهد کند؛
- ۵- ساعت‌های کامل، یک ربع مانده به ... و ربع، ... و نیم را بگوید.

فرایند آموزش

متن درس شامل سه قسمت است که هر سه قسمت بهداشتی هستند. دانش‌آموز علاوه بر اینکه واژه‌های جدیدی می‌آموزد و مهارت شنیداری و خوانداری او تقویت می‌شود، چند مطلب علمی نیز یاد می‌گیرد. این امر موجب افزایش علاقه او به کتاب درسی عربی می‌شود.

هماهنگی در ترجمه متن درس:

نُصُوصٌ حَوْلَ الصَّحَّةِ : مَتَنَ هَایِی دَرِبَارَهُ بَهْدَاثَت

أَفْضَلُ الْأَلْوَانِ: بَعْضُ النَّاسِ يَطْنُونَ بِأَنَّ الْأَلْوَانَ لِلتَّلْوِينِ أَوْ لِلرَّسْمِ أَوْ لِلتَّزْيِينِ فَقَط. وَلَكِنْ هَلْ سَأَلْنَا أَنْفُسَنَا يَوْمًا: «هَلْ يُمَكِّنُ مُعَالَجَةُ الْأَمْرَاضِ بِالْأَلْوَانِ؟ مَا هُوَ تَأْثِيرُ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ؟»

بهترین رنگ‌ها: برخی از مردم گمان می‌کنند که رنگ‌ها فقط (تنها) برای رنگ‌آمیزی یا نقاشی کردن یا تزئین (زینت دادن) هستند. ولی آیا روزی از خودمان پرسیده‌ایم: «آیا درمان بیماری‌ها با رنگ‌ها ممکن است؟ (امکان دارد؟) تأثیر رنگ‌های مختلف (گوناگون) چیست؟»

يَعْتَقِدُ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ أَنَّ لِلْأَلْوَانِ تَأْثِيرًا عَلَيْنَا. إِنَّ أَحَبَّ الْأَلْوَانِ إِلَى الْعَيْنِ، الْأَلْوَانُ الطَّبِيعِيَّةُ الَّتِي نَشَاهِدُهَا حَوْلَنَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ هِيَ اللَّوْنُ الْأَخْضَرُ وَاللَّوْنُ الْأَزْرَقُ السَّمَاوِيُّ ثُمَّ اللَّوْنُ الْأَصْفَرُ مِثْلَ لَوْنِ بَعْضِ أَوْرَاقِ الْخَرِيفِ.

برخی از دانشمندان معتقدند (عقیده دارند، اعتقاد دارند، بر این باورند) که رنگ‌ها بر ما تأثیر دارند. قطعاً محبوب‌ترین رنگ‌ها برای چشم، رنگ‌های طبیعی‌ای است که شب و روز در

۱- پیام درس درباره مسائل بهداشتی است. اهمیتی چنین متونی بر هیچکس پوشیده نیست.

اطراف (پیرامون) خودمان می بینیم که عبارت اند از: رنگ سبز و رنگ آبی آسمانی سپس رنگ زرد، مانند رنگ بعضی برگ های پاییز.

أَمَّا النَّوْرُ الْأَحْمَرُ فَتَشْعُرُ بِالْتَّعَبِ عِنْدَمَا تَنْظُرُ إِلَيْهِ لِأَنَّهُ يُحَرِّكُ الْأَعْصَابَ. فَقَانُونُ الْمُرُورِ يَسْتَحْدِمُهُ فِي الْأَمَاكِنِ الَّتِي بِحَاجَةٍ إِلَى الْإِنْتِبَاهِ كَالْإِشَارَاتِ الْمُرُورِ؛ أَمَّا عَرَفُ النَّوْمِ فَلْأَفْضَلُ فِيهَا اسْتِخْدَامُ الْأَلْوَانِ الْمُهْدِئَةِ لِلْأَعْصَابِ كَاللَّوْنِ الْبَنَفْسَجِيِّ.

اما رنگ سرخ، وقتی به آن نگاه می کنیم احساس خستگی می کنیم؛ زیرا (برای اینکه) اعصاب را تحریک می کند. در نتیجه قانون راهنمایی و رانندگی در جاهایی (اماکنی) که نیاز به توجه دارد، مانند علامت های راهنمایی و رانندگی آن را به کار می گیرد؛ اما اتاق های خواب بهتر است که در آن رنگ های آرام بخش اعصاب مثل رنگ بنفش به کار گرفته شود.

ویتامین «ا» (A): مِنْ فَوَائِدِ فَيْتَامِينِ «ا» زِيَادَةُ وَزْنِ الْأَطْفَالِ وَ هُوَ مُفِيدٌ لِلْعَيْنِ وَ كَانَ الطَّيَّارُونَ فِي الْحَرْبِ الْعَالَمِيَّةِ الثَّانِيَةِ يَتَنَاوَلُونَهُ قَبْلَ ابْتِدَاءِ الْغَارَاتِ اللَّيْلِيَّةِ وَ هَذَا الْفَيْتَامِينُ مَوْجُودٌ فِي النَّبَاتَاتِ وَالْفَوَاكِهِ بِاللَّوْنِ الْأَصْفَرِ كَالْمِشْمِشِ وَالْجَزْرِ وَ قِشْرِ الْبُرْتُقَالِ.

ویتامین آ: از فواید (سودهای) ویتامین آ افزایش وزن کودکان است. این ویتامین برای چشم مفید (سودمند) است و خلبان ها در جنگ جهانی دوم پیش از آغاز حملات شبانه می خوردند (تناول می کردند) و این ویتامین در گیاهان و میوه های به رنگ زرد مانند زردآلو، هویج و پوست پرتقال موجود است.

ویتامین «سی» (C): يَوْجَدُ هَذَا الْفَيْتَامِينُ فِي الْحَلِيبِ الطَّازِجِ وَلَكِنَّهُ لَا يَوْجَدُ فِي الْحَلِيبِ الْمَجْفَفِ وَ الْأَطْفَالُ الَّذِينَ يَتَنَاوَلُونَهُ وَحْدَهُ، فِي أَكْثَرِ الْأَوْقَاتِ يَحْدُثُ لَهُمْ صَعْفٌ فِي السَّاقَيْنِ. وَ يُمَكِّنُ تَعْوِيضَ هَذَا النَّقْصِ فِي التَّغْذِيَةِ بِتَنَاوُلِ عَصِيرِ اللَّيْمُونِ أَوْ عَصِيرِ الْبُرْتُقَالِ.

ویتامین ث: این ویتامین در شیر تازه وجود دارد (یافت می شود)، ولی در شیر خشک وجود ندارد (یافت نمی شود) و کودکانی که تنها آن را می خوردند بیشتر اوقات برایشان ناتوانی (ضعف) ساق ها پیش می آید و این کمبود (نقص) در تغذیه (خوراک) با خوردن آب لیمو یا آب پرتقال جبران می شود. پس از پایان متن، درک مطلب تنظیم شده است که پاسخ آنها به ترتیب ص، غ، غ، ص است. این تمرین موجب تقویت قوه درک و فهم متن می شود.

آموزش تصویری قواعد (کلیدواژه تصویری)

معلم از یکی از دانش آموزان می خواهد تا این بخش را بخواند و یافته های خود را در مورد ساعت خوانی برای دوستانش توضیح دهد.

ساعت خوانی عربی تا اندازه‌ای شبیه فارسی است. برای ساعت خوانی سه حالت وجود دارد:
کامل، مانده به ...، گذشته از ...

۱- ساعت کامل: مثال: الْوَاحِدَةُ تَمَاماً / الثَّانِيَةُ تَمَاماً ..

۲- ساعت کامل به اضافه نیم و ربع: مثال: الرَّابِعَةُ وَالنِّصْفُ / الْخَامِسَةُ وَالرُّبْعُ ..

۳- یک ربع مانده به ساعت کامل: مثال: السَّابِعَةُ إِلَّا رُبْعاً / الثَّامِنَةُ إِلَّا رُبْعاً ..

در عربی عامیانه ساعت خوانی با عددهای ترتیبی گفته می‌شود؛ مثلاً «ساعت پنج» را در عربی فصیح «الْخَامِسَةُ» و در عامیانه «خَمْسَه» می‌گویند. ^۱ ساعت را در زبان عربی فصیح بر وزن «الْفَاعِلَةُ» می‌گویند.

همچنین خوب است معلّم بداند که «بیست دقیقه به پنج» را «الْخَامِسَةُ إِلَّا ثَلَاثًا» می‌گویند. هرچند «الْخَامِسَةُ إِلَّا عِشْرِينَ دَقِيقَةً» غلط نیست.

آموزش عدد معطوف از اهداف کتاب نیست؛ زیرا تجربه نشان می‌دهد یادگیری آن دشواری‌هایی دارد؛ مثال: چهار و بیست و پنج دقیقه؛ زیرا در زبان عربی ابتدا یکان سپس دهگان گفته می‌شود؛
مثال:

الرَّابِعَةُ وَخَمْسُ وَعِشْرُونَ دَقِيقَةً

تمرین‌ها

در هر سه کتاب عربی هفتم، هشتم و نهم قرائت، ترجمه و حلّ تمرین‌ها برعهده دانش‌آموز است و معلّم، تنها نقش راهنما دارد. همواره تمرین سخت برای دانش‌آموز توانا تر و تمرین آسان برای دانش‌آموز دیرآموز یا کم‌توان در نظر گرفته می‌شود. ارزشیابی و تمرین ادامه یادگیری است.

هدف این است که در خلال تمرین آموخته‌ها ملکه ذهن شود. از دیرباز گفته‌اند:

«الدَّرْسُ حَرْفٌ، وَ التَّكْرَارُ أَلْفٌ.»

تمرین اول: هدف این تمرین همچنان تقویت توانایی درک مطلب است. از دانش‌آموز

۱- عددهای یک تا بیست و یک در عربی عامیانه تقریباً به این شکل تلفّظ می‌کند:

واحد، اثنین، ثلاثه (اتلاثه، ثلاثه)، اربعه، خمسة، ستة، سبعة، ثمانية (ثمانیه، ثمانی)، تسعة، عشرة، احدعش (دعش)، اثنعش (اتنشعش)، ثلثعش (تلطعش)، اربطعش، خمسطعش (مسطعش)، سبطعش (سطعش)، اسبطعش (اسبطعش)، ثمنطعش، تسطعش، واحد عشرين

می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. سپس از متن درس پاسخ مناسب را پیدا کند. پاسخ‌ها عبارت‌اند از:

إِشَارَاتُ الْمُرُورِ، غَارَةٌ لَيْلِيَّةٌ يَا غَارَاتُ لَيْلِيَّةً، طَارِحٌ، طَيَّارٌ، عَصِيرٌ

تمرین دوم: هدف، تقویت مهارت روخوانی و ترجمه است. تصویر، علاوه بر زیباسازی کتاب نقش آسان‌سازی نیز دارد. در این تمرین آموخته‌های کتاب هفتم و هشتم بازآموزی می‌گردد.

تمرین سوم: هدف باز هم تقویت مهارت زبانی خواندن و ترجمه است. دانش‌آموز باید بتواند به کلمه پرسشی «مَتَى» که در عربی هشتم آموخته است پاسخ دهد. به منظور تسهیل یادگیری پاسخ‌ها در تمرین گنجانده شده است.

تمرین چهارم: هدف تقویت اندوخته و واژگانی دانش‌آموز است. دانش‌آموز باید معنای هر جمله را بداند تا بتواند در جای خالی گزینه مناسب قرار دهد. پاسخ‌ها عبارت‌اند از: مُهَدَّنَةٌ، إِشْرَبُ، التَّعَبُ، الْجَزْرُ، الْمِشْمِشُ.

تمرین پنجم: این تمرین در اصطلاح، جورکردنی نامیده می‌شود. تمرین به صورت مبتدا و خبر طرّاحی شده است.

۱- النَّهَارُ مَا بَيْنَ الصَّبَاحِ وَاللَّيْلِ؛ روز میان بامداد و شب است.

۲- الْمُتَحَفُّ مَكَانٌ لِحِفْظِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ؛ موزه جایی برای نگهداشتن آثار تاریخی است.

۳- التَّلْوِينُ إِعْطَاءُ الْأَلْوَانِ لِشَيْءٍ؛ «رنگ آمیزی» رنگ‌بخشیدن به چیزی است.

۴- الدَّلِيلُ (گزینه اضافی است).

۵- الطَّارِحُ صِفَةٌ حَسَنَةٌ لِلْحَلِيبِ وَالْفَاكِهَةِ؛ تازه صفت خوبی برای شیر و میوه است.

۶- الرَّسْمُ قُدْرَةٌ عَرِضُ الْأَشْيَاءِ بِالْحُطُوطِ وَالْأَلْوَانِ؛ نقاشی کردن قدرت نمایش چیزها با خطوط

و رنگ‌هاست.

۷- الْأَزْرَقُ لَوْنٌ يَطْهَرُ فِي السَّمَاءِ الصَّافِيَةِ؛ آبی رنگی است که در آسمان صاف ظاهر می‌شود.

تمرین ششم: هدف این تمرین نیز مانند تمرین‌های قبلی تقویت اندوخته و واژگانی دانش‌آموز

است.

متضادها: اسْتَلَمَ دَفَعَ / تَعَالَ إِذْهَبَ / حَرَبَ صُلِحَ / مَوْتَ حَيَاةَ / قَلَّ كَثُرَ / قُبِحَ

حُسْنٌ

مترادفها: سَتَرَ كَتَمَ / وَرَعَ تَقَوَّى / تَنَاوَلَ أَكَلَ / أَحْسَنَ أَفْضَلَ / بَعَثَتْهُ فَجَأَةً / إِشَارَاتُ

عَلَامَاتُ



اکنون که در درس نهم هستیم متن برگزیده در «کنز الحکمة» طولانی تر شده است. متن نخست به صورت غیر مستقیم دانش آموزان دختر را ترغیب به حجاب و عفاف می کند؛ زیرا در انتهای روایت شرم را نیکو و در زنان نیکوتر برشمرده است.

هماهنگی در ترجمه بخش «کنز الحکمة»

۱- أَلْعَدْلُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي الْأَمْرَاءِ أَحْسَنُ، وَ السَّخَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي الْأَغْنِيَاءِ أَحْسَنُ،
الْوَرَعُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي الْعُلَمَاءِ أَحْسَنُ، الصَّبْرُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي الْفُقَرَاءِ أَحْسَنُ، التَّوْبَةُ حَسَنٌ^۱
وَلَكِنَّ فِي الشَّبَابِ أَحْسَنُ، الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ.

عدالت (دادگری) نیکو (خوب) است، ولی در فرماندهان نیکوتر است، و بخشندگی (سخاوت) نیکوست، ولی در ثروتمندان نیکوتر است، پارسایی نیکوست، ولی در دانشمندان نیکوتر است، صبر (شکیبایی) نیکوست، ولی در فقیران نیکوتر است، توبه نیکوست، ولی در جوانان نیکوتر است، شرم (حیا) نیکوست، ولی در زنان نیکوتر است.

۲- مَنْ كَثَرَ كَلَامَهُ كَثَرَ خَطْوُهُ، وَ مَنْ كَثَرَ خَطْوُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ، وَ مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ، وَ مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَ مَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ.

هرکس سخنش زیاد شود، خطایش زیاد می شود و هرکس خطایش زیاد شود، شرمش (حیایش) کم می شود و هرکس شرمش کم شود، پارسایی اش کم و هرکس پارسایی اش کم شود، دلش (قلبش) می میرد و هرکس قلبش بمیرد وارد جهنم می شود.

توضیح اینکه ترجمه فعل های ماضی توسط دانش آموز به صورت گذشته اشکالی ندارد.

تحقیق

دانش آموز پایه نهم باید شیوه درست جست و جو در اینترنت را بلد باشد. معلّم لازم است که او را در این زمینه راهنمایی کند.

۱- در این روایت به جای «التَّوْبَةُ حَسَنَةٌ.» آمده است «التَّوْبَةُ حَسَنٌ.» شاید سؤال شود چرا خبر به صورت «حَسَنَةٌ» نیامده است؟ توجیه این است که «التَّوْبَةُ عَمَلٌ حَسَنٌ.» در اینجا کلمه «عَمَلٌ» حذف شده است.

دانش‌افزایی برای دیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱- «أَحْسَنُ» بر وزن «أَفْعَلُ» اسم تفضیل و غیر منصرف است.
گاهی أَحْسَن به معنای زیاتر صفت مشبّهه می‌شود، در این صورت مؤنث آن حَسْنَا است که البته باز هم غیر منصرف است.
الجمع: أَحْسِنُ / الْمُؤنث: حُسْنَى و حُسْنِيَّاتٌ.
مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ: مِنْ خَيْرَتِهِمْ
- ۲- «بَنْفَسَجِيٌّ»، یعنی «بنفش» و فارسی معرّب است.
نام بسیاری از گلها در عربی ریشه فارسی دارد؛ مثال بیشتر:
نَرَجِس، سَوَسَن، مَرزَنجوش، یَاسَمَن، وَرْد، بابونج...
۳- «تَعَبٌ»، یعنی «خستگی» جمع آن «أَنْعَابٌ» و مصدر از «تَعَبٌ» و مترادفش مشقّة و عناء و متضادش راحة است.
- ۴- «تَعْوِيضٌ» در فارسی و عربی به دو معنای متفاوت است. در فارسی به معنای «عوض کردن» و در عربی «تاوان دادن»، «بازخرید»، «پاداش بازنشستگی» و «جبران کردن» است. جمع آن تعویضات است.
تعویض الوفاة: هو إعطاء مال التّأمين لِأهلِ الْمُتَوَفَّى
معادل اصطلاح اداری «بازخرید» و «پاداش» در زبان عربی: ما يُدْفَعُ لِلْمَوْظَفِ أَوْ الْعَامِلِ عِنْدَ انصرافه مِنَ الخدمَةِ لِبلوغه سِنِّ التقاعد، أَوْ عِنْدَ تَرْكِهِ لِلْعَمَلِ
تعویضات حربیّة: غرامت‌های جنگ، مَدفوعات و غَرَامات تَفْرِضُهَا الدَّوْلُ الْمُنتَصِرَةُ عَلَى الْمُنْهَزِمَةِ
كَغَرَامَةِ حَرْبِيَّةٍ لِاسْتِرْطَامِ الخَسَائِرِ الَّتِي لِحَقَّتْ بِهَا مِنْ جَزَاءِ الحَرْبِ، وَ يُنشَأُ لِذَلِكَ لِجَانِ مُحدّدة.
۵- «تَنَاوَلَ» در کتاب درسی به معنای «خورد» و مترادف «أَكَلَ» آمده است.
ولی کاربردهای دیگری نیز در عربی دارد؛ مثال:
تَنَاوَلَ طَعَامَ العَدَاءِ: ناهار خورد.
تَنَاوَلَ حَاجِيَاتِهِ مِنَ التَّعَاوُنِيَّةِ: نیازهایش را از تعاونی گرفت.
تَنَاوَلَ جُرْعَةً مِنَ الدَّوَاءِ: جرعه‌ای از دارو نوشید.
تَنَاوَلَ الشَّيْءَ: آن را گرفت.
تَنَاوَلَهُ بِلِسَانِهِ: او را دشنام داد.
- ۶- «جَزَرَ» ریشه فارسی دارد. اصل آن «گَزَرَ» است. مانند «گوز» که «جوز» شده «گَزَرَ» نیز «جَزَرَ» شده است.

۷- «حَلِيب» به معنای «شیر» است که در گذشته به جای آن «لَبَن» گفته می‌شد. امروزه «لَبَن» به معنای «ماست» یا «دوغ» شده است، ولی در متون قدیم «لَبَن» به معنای «شیر» بوده است.

در عربستان سعودی «زُبَادِي» و در عراق «رَوْبَة» به معنای «ماست» است. واژه «أَلْبَان» در عربی معادل «لَبَنِيَّات» جمع «لَبَن» است. مولوی شاعر گرانقدر ایرانی می‌فرماید:

تا نگرید ابر کی خندد چمن تا نگرید طفل کی نوشد لبن

۸- «خَطَأً» در فارسی «خَطَا» تلفظ می‌شود؛ مانند: سَبَأً و مُبْتَدَأً که سَبَا و مبتدا گفته می‌شود.

۹- «سَمَاوِيّ» به معنای آسمانی از «سَمَاء» گرفته شده است. أَرْزَق سَمَاوِيّ، یعنی آبی آسمانی.

۱۰- «طَارِح» یا «طَارِج» از واژه فارسی «تازگ» گرفته شده است. واژه «تازگ» امروزه در

فارسی «تازه» گفته می‌شود.

«بِرنامگ» که در عربی نیز که به «بِرنامَج» تبدیل شده و در فارسی امروز «برنامه» تلفظ می‌شود

مانند همین واژه است. طَارِح صفت برای شیر و نان و مانند آنهاست؛ مانند: حَلِيب طَارِح، حُبْرُ طَارِح

۱۱- حرف «ف» در کلمه فیتامین گاهی به صورت سه نقطه نوشته می‌شود. (فیتامین)

این حرف ویژه واژگان غربی است. مثال بیشتر: کریم دوف، کریم نیفأ، (دو نوع کرم) فیديو

۱۲- پوست میوه و درخت «قَشْر» و پوست انسان و حیوان «جِلْد» و پوست دست و صورت

«بَشْرَة» گفته می‌شود.

۱۳- «لَيْمُون» معرَّب «لیمو» است. لیمون حَامِض: لیمو ترش و لیمون حُلُو: لیمو شیرین است.

۱۴- «مُجَفَّف» یعنی خشک شده و از فعل جَفَّف: خشک کرد، گرفته شده است. (جَفَّف: خشک شد)

ضمناً «مُجَفَّفَات» به معنای «خشکبار» است.

۱۵- «مِشْمِش» یعنی «زردآلو» و «مُشْمِش» نیز تلفظ می‌شود.

۱۶- «مُهْدِيّ» یعنی «آرامبخش» و از «هَدَأ - يُهْدِيّ» گرفته شده است.

کلمه «هادِيّ» به معنای «آرام» نیز از همین ریشه است.

۱۷- «يُوَجِد»، یعنی «هست، وجود دارد». «مَوْجِد» نیز به همین معناست.

در گویش عامیانه عراقی «أَكُو» و «ماکو» معادل «يُوَجِد» و «لا يُوَجِد» است.

در عربستان سعودی نیز «في» و «مافي» به همین معناست که در اصل «فيه» و «مافيه» است.

اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱- ۱۰ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی معنا کند.
- ۲- متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند؛
- ۳- پیام درس را درک کند؛
- ۴- به‌هنگام ضرورت به ضرب‌المثل‌های تمرین دوم درس استشهاد کند.

فرایند آموزش

متن درس داستانی زیبا و با پیامی عالی است. پیام درس در سخن پیامبر اسلام ﷺ نهفته است. متن درس دعوت به امانتداری می‌کند و حامل این نتیجه اخلاقی است که هرکس امانت‌داری نکند، روزی آبرویش خواهد رفت.

هماهنگی در ترجمه متن درس:

الْأَمَانَةُ: امانت

أَرَادَ مُسَافِرٌ تَسْلِيمَ نُقُودِهِ إِلَى شَخْصٍ أَمِينٍ. فَذَهَبَ إِلَى قَاضِي بَلَدِهِ وَ قَالَ لَهُ: «إِنِّي سَوْفَ أُسَافِرُ وَ أُرِيدُ تَسْلِيمَ نُقُودِي عِنْدَكَ أَمَانَةً وَ سَوْفَ أَسْتَلِمُهَا مِنْكَ بَعْدَ رُجُوعِي.» فَقَالَ الْقَاضِي: «لَا بَأْسَ، إِجْعَلْ نُقُودَكَ فِي ذَلِكَ الصُّنْدُوقِ.» فَوَضَعَ الرَّجُلُ نُقُودَهُ فِي الصُّنْدُوقِ.

مسافری خواست پولش (پول‌هایش) را به شخص امانتداری بدهد. پس نزد قاضی شهرش رفت و به او گفت: «من مسافرت خواهم کرد و می‌خواهم پولم را نزد تو به امانت بگذارم و پس از برگشتنم از تو پس خواهم گرفت.» قاضی گفت: «اشکالی ندارد، پولت را در آن صندوق بگذار.» و مرد (آن مرد) پولش (پول‌هایش) را در صندوق (آن صندوق) گذاشت.

وَ لَمَّا رَجَعَ مِنَ السَّفَرِ: ذَهَبَ عِنْدَ الْقَاضِي وَ طَلَبَ مِنْهُ الْأَمَانَةَ، فَقَالَ الْقَاضِي: «إِنِّي لَا أَعْرِفُكَ.» وَ وَاقْتِي كِهْ اَزْ سَفَرِ بَرِگَشْتَم؛ نَزْدَ قَاضِي رَفْتِ وَ اَمَانَتِ (آن امانت) رَا اَزْ اَوْ خَوَاسْتِ. (دَرخَوَاسْتِ كَرْدِ)، قَاضِي بَهْ اَوْ كَفْتِ: «مَنْ تُو رَا نَمِي شَنَاسَم.»

حَزَنَ الرَّجُلُ فَذَهَبَ إِلَى حَاكِمِ الْمَدِينَةِ وَ شَرَحَ لَهُ الْقَضِيَّةَ. فَقَالَ الْحَاكِمُ: «سَيَاتِي الْقَاضِي

۱- پیام درس اهمیت امانتداری است. امانتداری فقط حفظ اشیای مادی و دارای ارزش مالی نیست؛ حفظ یک راز و حفظ

یک سخن نیز یک امانت است؛ مسئولیتی که در جامعه بر عهده می‌گیریم، نیز نوعی امانت است.

إِلَيَّ غَدًا؛ فَادْخُلْ عَلَيْنَا فِي الْمَجْلِسِ وَاطْلُبْ أَمَانَتَكَ مِنْهُ.»

مرد (آن مرد) غمگین شد (ناراحت شد) و به سوی (نزد) حاکم شهر رفت و قضیه را برایش شرح داد. حاکم گفت: «فردا قاضی نزد من خواهد آمد؛ در مجلس پیش ما بیا (بر ما وارد شو) و امانت را از او بخواه.»

وَ فِي الْيَوْمِ الثَّالِي عِنْدَمَا جَاءَ الْقَاضِي إِلَى الْحَاكِمِ، قَالَ لَهُ الْحَاكِمُ: «إِنِّي سَوْفَ أُسَافِرُ إِلَى الْحَجِّ فِي هَذَا الشَّهْرِ وَ أُرِيدُ تَسْلِيمَ أُمُورِ الْبِلَادِ إِلَيْكَ لِأَنِّي مَا رَأَيْتُ مِنْكَ إِلَّا الْأَمَانَةَ.»

و در روز بعد وقتی که قاضی نزد حاکم آمد، حاکم به او گفت: «من در همین ماه (این ماه) به حج سفر خواهم کرد و می‌خواهم امور (کارهای) کشور (سرزمین) را به تو تحویل دهم (بسپارم) چون من از تو جز امانتداری ندیده‌ام.»

وَ فِي هَذَا الْوَقْتِ دَخَلَ صَاحِبُ الْأَمَانَةِ وَ سَلَّمَ عَلَيْهِمَا وَ قَالَ: «أَيُّهَا الْقَاضِي، إِنَّ لِي أَمَانَةً عِنْدَكَ. وَصَعْتُ نُقُودِي عِنْدَكَ.» قَالَ الْقَاضِي: «هَذَا مِفْتَاحُ الصُّنْدُوقِ. اسْتَلِمْ نُقُودَكَ.»

و در این وقت صاحب امانت وارد شد و به آنها (آن دو) سلام کرد و گفت: «ای قاضی، امانتی نزد تو دارم. پولم را نزد تو گذاشته‌ام.» قاضی گفت: «این کلید صندوق است. پولت را تحویل بگیر.»

بَعْدَ يَوْمَيْنِ ذَهَبَ الْقَاضِي عِنْدَ الْحَاكِمِ وَ تَكَلَّمَ مَعَهُ حَوْلَ ذَلِكَ الْمَوْضُوعِ. فَأَجَابَ الْحَاكِمُ: «بِسْ مِنْكَ»

پس از دو روز قاضی نزد حاکم رفت و با او درباره آن موضوع صحبت کرد. حاکم جواب داد: «اینها قاضی، ما استرجعنا أمانة ذلك الرجل إلا بعدما أعطيناك كل البلاد؛ قبأي شيء نسترجع البلاد منك؟! ثم أمر بعزله.»

«ای قاضی، امانت آن مرد را از تو پس نگرفتیم مگر بعد از اینکه همه کشور را به تو دادیم؛ با چه چیزی کشور را از تو پس بگیریم؟!» سپس دستور به برکناری او داد. (دستور داد او را برکنار کنند.)

«لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ.» رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

«به زیادی نمازشان و روزه‌شان و زیادی حج نگاه نکنید... ولی به راستگویی و امانتداریشان نگاه کنید.»

پس از پایان متن درس، پنج سؤال درک مطلب تنظیم شده است که پاسخ آنها به ترتیب عبارت است از:

ص، ص، غ، ص، غ

تمرین‌ها

خواندن، ترجمه و حل تمرینات در هر سه کتاب متوسطه اول بر عهده دانش‌آموز است و معلم راهنما و مصحح است.

تمرین اول: اوج زیبایی در این تمرین به منصفه ظهور رسیده است. مطابق قوانین بالادستی یکی از اهداف آموزش عربی کمک به درس زبان و ادبیات فارسی است. این تمرین پیوندی هزمندانه میان ادبیات فارسی و عربی برقرار می‌کند. اما همین سؤال بسیار زیبا می‌تواند به یک سؤال بسیار بد تبدیل شود. همکاران، با سؤالات قرابت معنایی در کنکور آشنایی دارند. سؤالاتی بسیار عجیب است که حتی کارشناسان نیز در پاسخ مورد نظر طراح محترم در می‌مانند.

دشمنِ دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود	عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.
عالم بی‌عمل به چه ماند؟ به زنبور بی‌عسل.	الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ.
چاه مکن بهر کسی، اول خودت دوم کسی.	مَنْ حَفَرَ بئْرًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا.
دربیان این سه، کم جنبان لبث از ذهاب و از ذهب و مذهب	أَسْرُ ذَهَبِكَ وَ ذَهَابِكَ وَ مَذْهَبِكَ
تا توانی می‌گریز از یارِ بد یارِ بد بدتر بود از مارِ بد	الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ.
عاقبت جوینده یابنده بود.	مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ، وَجَدَ.
نو که آمد به بازار، کهنه شود دل‌آزار.	لِكُلِّ جَدِيدٍ لَذَّةٌ.

تمرین دوم: برخی از ضرب المثلها در دو یا چند زبان با کلمات متفاوت به یک پیام اشاره دارند. ضرب المثل‌های این تمرین نیز همین‌گونه هستند.

۱- عُصْفُورٌ فِي الْيَدِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرَةِ عَلَيِ الشَّجَرَةِ.

گنجشکی در دست بهتر از ده تا روی درخت است. شبیه به ضرب المثل فارسی «سیلی نقد به

از حلّوای نسیه.»

۲- ما تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

هرچه در دنیا بکاری در آخرت درو می‌کنی. معادل «هرکسی آن درود عاقبت کار که کشت.»

۳- مَنْ طَلَبَ أَخًا بِلا عَيْبٍ بَقِيَ بِلا أَخٍ.

هرکس دوستی (برادری) بی‌عیب جست‌وجو کند بی‌دوست (بی‌برادر) می‌ماند.

۴- أُسْتُرَ ذَهَبَكَ وَ ذَهَابَكَ وَ مَذَهَبَكَ.

طلایت و رفتنت و مذهب را پنهان کن. (دارایی‌ات و مسافرتت و عقیده‌ات را پنهان کن.)

مولوی شاعر بزرگ ایران در مثنوی معنوی دفتر اول چنین می‌فرماید:

گفت هر رازی نشاید باز گفت	جفت طاق آید گهی گه طاق جفت
از صفا گر دم زنی با آینه	تیره گردد زود با ما آینه
در بیان این سه کم جنبان لبت	از ذهاب و از ذهب وز مذهب
کین سه را خصمست بسیار و عدو	در کمینت ایستد چون داند او
ور بگویی با یکی دو الوداع	کُلُّ سِرٍّ جاوز الِاثْنَيْنِ شاع
گر دو سه پرنده را بندی به هم	بر زمین مانند محبوس از آلم
مشورت دارند سرپوشیده خوب	در کنایت با غلطافکن مشوب
مشورت کردی پیمبر بسته‌سر	گفته ایشانش جواب و بی‌خبر
در مثالی بسته گفتی رای را	تا ندانند خصم از سر پای را
او جواب خویش بگرفتی ازو	وز سؤالش می‌نبردی غیر بو

۵- هَذَا الْفَرَسُ وَ هَذَا الْمَيْدَانُ. این اسب و این میدان. شبیه ضرب المثل «این گوی و این

میدان.»

۶- يَوْمَ لَنَا وَ يَوْمَ عَلَيْنَا. روزی به نفع ما و روزی به ضرر ما. شبیه این شعر فردوسی شاعر

حماسی ایران زمین که به ضرب المثل نیز تبدیل شده است.

چنین است رسم سرای درشت گهی پشت بر زین و گهی زین به پشت

تمرین سوم: هدف تمرین تقویت ذخیره واژگانی دانش آموز است. او باید کلمه داخل پرانتز را ترجمه کند؛ سپس با ترجمه چهار گزینه ارائه شده بتواند ارتباط گزینه‌ها را با کلمه مشخص شده معلوم کند.

پاسخ‌ها: المَطَر، العروس، الرياح، البَطَارِيَّة و الحَرِيْق

تمرین چهارم: شش حدیث از کتاب‌های عربی متوسطه اول برگزیده شده است تا دانش آموز جای خالی آنها را با کلمات مناسب ارائه شده پر کند. هرچند از دانش آموز ترجمه عبارات خواسته نشده است، ولی در چنین تمریناتی باید حتماً ترجمه صورت بگیرد، تا مهارت واژه‌شناسی فراگیر تقویت گردد.

تمرین پنجم: هدف یادآوری اعداد اصلی و ترتیبی است. در کتاب عددهای سیزده تا نوزده بنا به پاره‌ای ملاحظات تدریس نشده‌اند. اگر دانش آموزی پرسید به او این طور توضیح دهیم. که شما عددهای سه تا نه را بلد هستید، کافی است بعد از عددهای سه تا نه جزء «عَشْر» را اضافه کنید تا عددهای سیزده تا نوزده به دست بیاید.

ثَلَاثَةٌ، أَرْبَعَةٌ، خَمْسَةٌ... = ثَلَاثَةٌ عَشْرٌ، أَرْبَعَةٌ عَشْرٌ، خَمْسَةٌ عَشْرٌ...

تمرین ششم: هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی است. می‌توان گفت معنای کلمات زیر را بنویسید. اما این تمرین موجب تقویت مهارت خواندن و ترجمه می‌شود. همچنین خواندن عبارت موجب آشنایی دانش آموز با زبان عربی و ذوق پیدا کردن او در جمله‌سازی می‌گردد. هرچند جمله‌سازی از اهداف کتاب نیست. اما همین که دانش آموز توانایی فهم متن و عبارت را پیدا کند، توانایی ساختن را نیز به دست می‌آورد و این در حالی است که در راهنمای معلم تأکید شده است که از دانش آموزان ساختن نمی‌خواهیم.

تمرین هفتم: هدف یادآوری مبحث عدد و جنس اسم است. این مطلب در درس اول کتاب عربی هفتم آموزش داده شده و در عربی هشتم و نهم جهت تثبیت آموخته‌ها تکرار می‌گردد.

لازم است که در کلیه امتحانات از طرح کلماتی مانند بَنَات، سَمَاوَات، سَبْعِينَ، أَحْوَات، إِخْوَةَ، أَبْيَات، أَصْوَات و کلماتی که موجب خطای دانش آموز می‌گردد، خودداری شود. طرح این سؤالات شبیه به کنکور دانشگاه است. دانش آموز با دیدن کلمه بَنَات سردرگم می‌ماند که جمع مکسر است یا جمع مؤنث سالم. گفته می‌شود بنات مُلَحَق به جمع مؤنث سالم است. با دیدن إِخْوَةَ نیز چون دارای اوست و ابیات چون «ات» دارد، دچار خطا می‌شود. در برگه امتحانی کلمات ساده طرّاحی گردد که اعتماد به نفس در دانش آموز ایجاد کند و البته دبیر اختیار دارد که چنین مواردی را در کلاس توضیح

دهد، ولی طرح آن در امتحان موجب کم شدن نمره دانش آموز می شود. طرح سؤال باید از مواردی باشد که حالت کلی و عمومی دارد.

تمرین هشتم: هدف یادآوری آموخته های دانش آموز در انواع فعل (امر، نهی، مضارع و مستقبل) است.

تمرین نهم: پایان کتاب درسی با تمرین درک مطلب انجام شده است. این یک کار نمادین و نشانگر اهمیت متن است. متن تمرین نهم مبتلا به بسیاری از نوجوانان و جوانان است. کار و بازی با رایانه و بازی های رایانه ای معضلی برای بسیاری از دانش آموزان شده است. در این متن نتیجه بد استفاده نادرست از فناوری های روز نمایش داده شده است. در پایان نیز به روال متون پیشین سؤال درک مطلب طراحی شده است.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی در این درس همان است که در دروس قبل نیز به آنها اشاره شده است.

دانش افزایی برای دبیر (نه برای دانش آموز)

۱- «أَرَادَ» به معنای «خواست» است. أَرَادَ يُرِيدُ، أَرَدُ، إِرَادَةٌ. اسم فاعل مُرِيد و اسم مفعول مُرَاد است.

أَرَادَ با این فعل ها مترادف است: شَاءَ، طَلَبَ، طَالَبَ، سَأَلَ، ابْتَغَى، رَامَ، رَغِبَ فِي در گویش عامیانه حجازی «بَعَى» به همین معنا به کار می رود؛ مثال: «إِيش تَبْعَى؟» یا «وَش تَبِي؟» یعنی «ماذا تُرِيدُ؟» و در سوریه «شو بَدُّك؟» در لبنان «شو بَك؟» در عراق «شَتْرِيدُ؟» و در مصر «عاوز إيه؟» معادل «ماذا تُرِيدُ؟» است.

۲- «اسْتَرْجَعَ»، یعنی «پس گرفت». کاربرد آن در عربی بدین صورت است:

اسْتَرْجَعَ أَقْلَامَهُ : اسْتَعَادَهَا، اسْتَرَدَّهَا

اسْتَرْجَعَ مِنْهُ مَا أَخَذَهُ : طَلَبَ مِنْهُ إِرجَاعَهُ

۳- «تَسْلِيم» چند معنا دارد: تحویل دادن، سلام کردن، تسلیم شدن

لَمْ يَبْقَ أَمَامَ الْجُنْدِيِّ إِلَّا تَسْلِيمٌ سِلَاحِهِ : وَضَعُهُ، التَّخَلِّي عَنِ اسْتِعْمَالِهِ

قَرَّرَ فِي النَّهَائِيَةِ التَّسْلِيمَ بِالْأَمْرِ الْوَاقِعِ : الخُضُوعَ لَهُ، الإِدْعَانَ التَّسْلِيمَ بِالْقَضَاءِ وَ الْقَدْرِ

تَسْلِيمُ رِسَالَةٍ : تَقْدِيمُهَا

التَّسْلِيمُ بِأَقْوَالِهِ : الإِقْرَارُ بِهَا

عملية إعطاء سلعة لمشتريها ميعاد التسليم

ترك الحرب مع الانقياد إلى إرادة المُسَلَّم إليه

٤- «حاسوب» معادل عربی کامپیوتر است. در عربی علاوه بر کامپیوتر، کلمات کومپیوتر،

کُمبپیوتر و گمبپیوتر نیز گفته می شود. (گفته اند: الكلمات الأعجمیة الفُظْها کما تشاء.)

٥- «عزل»، یعنی «برکنار کردن». إجراء تأديبي بإنهاء خدمة الموظف قبل السن القانوني مع

حقه أو عدم حقه في المعاش.

